یا لثارات الحسین (ع)

سه‌شنبه
۲۶ آبان ۱۴۰۵
۷ جمادی الثانی ۱۴۴۸
۱۷ نوامبر ۲۰۲۶

سال دوم
قیمت: ۱۰هزارتومان

شماره
۶۹۲

www.Agaah.ir

روزنامه گروه رسانه‌ای مهر

آگاه

آگاه باشید؛ تا قله راهی نیست!



دموکرات‌ها پرونده فساد رئیس جمهور آمریکا را گشودند

رد پای دلارهای عربی در خانه ترامپ

۳

رژیم بحرین، آیت‌الله عیسی قاسم را به حبس ابد محکوم کرد

خوش رقصی آل خلیفه برای صهیونیست‌ها

۳

لایه‌های پنهان زیست‌بوم فرهنگی و اجتماعی مقاومت لبنان

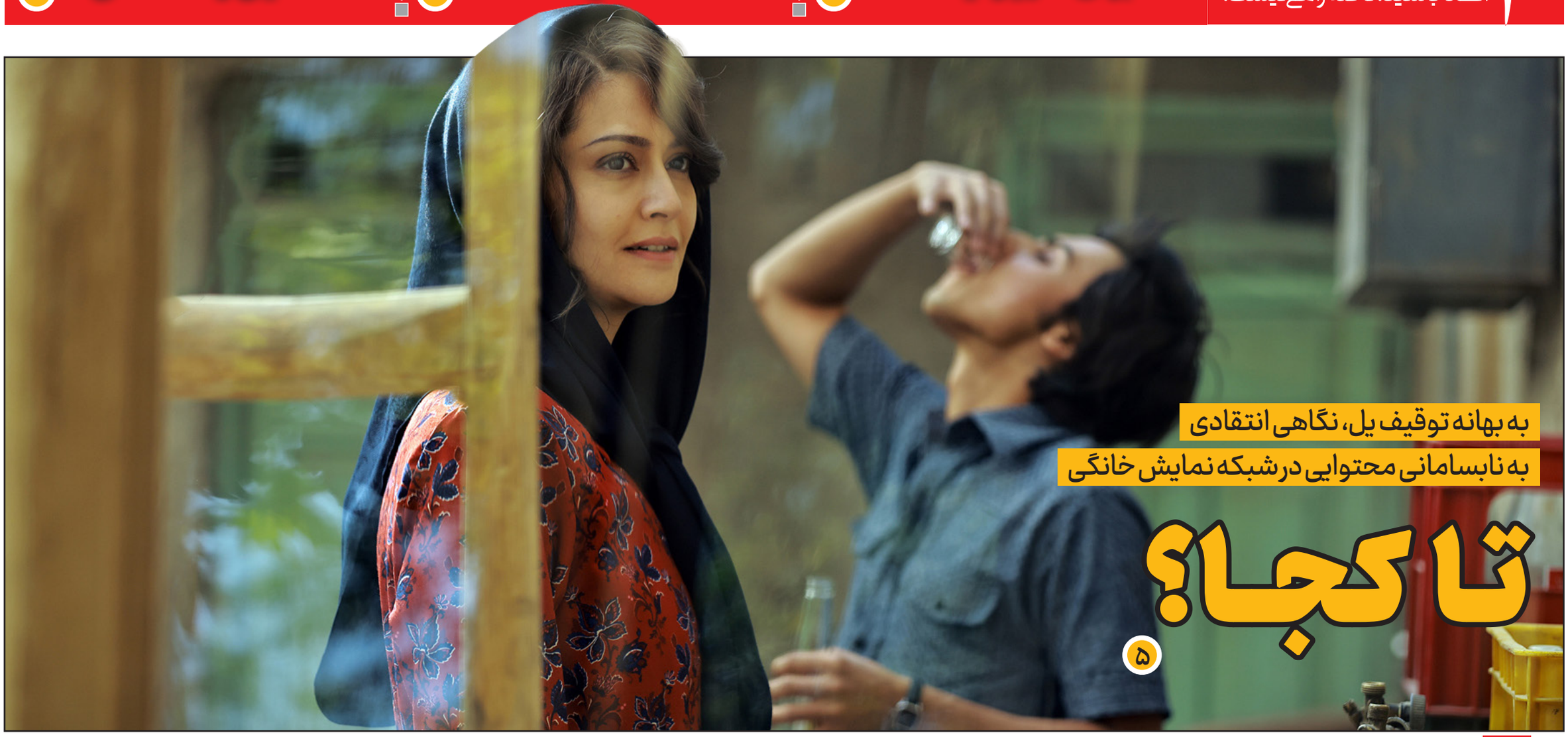
سمفونی مقاومت

۴

پرونده‌های میراث ناملموس ایران در راه یونسکو با شرط چندملیتی

چکش چینی برای تیرگان لالایی و نمدمالی

۶



به بهانه توقیف یل، نگاهی انتقادی به نابسامانی محتوایی در شبکه نمایش خانگی

تا کجا؟

۵

بنزین؛ آزمون اعتماد عمومی و عقلانیت دولت



هادی رضائی
دبیر گروه سیاسی

بازگشت موضوع بنزین به صدر مباحث سیاسی و اقتصادی کشور، بار دیگر یکی از حساس‌ترین آزمون‌های پیش روی دولت را یادآوری می‌کند؛ آزمونی که نتیجه آن صرفا در میزان مصرف سوخت یا درآمدهای حاصل از اصلاح قیمت خلاصه نمی‌شود، بلکه مستقیما با معیشت مردم، سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی ارتباط دارد. اظهارات اخیر برخی مسئولان، درباره بنزین نیز ضرورت توجه به این واقعیت را برجسته کرده است که بنزین در کشورمان ایران، صرفا یک مسئله اقتصادی نیست و هر تصمیمی درباره آن می‌تواند پیامدهای اجتماعی، سیاسی و حتی امنیتی داشته باشد. تجربه دو دولت پیشین و فعلی در این زمینه درس‌های مهمی برای سیاست‌گذاران دارد. نخست، افزایش ناگهانی قیمت بنزین در آبان ۱۳۹۸ در دولت یازدهم که نحوه اعلام و اجرای آن، به‌ویژه غافلگیری مردم و ضعف در اقناع افکار عمومی، به تشدید نارضایتی‌ها انجامید. جمله معروف «من هم صبح جمعه فهمیدم» نیز به نمادی از فاصله میان تصمیم‌گیران و جامعه تبدیل شد.

در مقابل، تجربه دولت پزشکیان در اجرای مرحله‌ای اصلاحات مرتبط با قیمت بنزین نشان داد که می‌توان به‌جای ایجاد شوک فراگیر، از مسیر تدریجی و مدیریت‌شده حرکت کرد. تفاوت این دو تجربه، یک پیام روشن دارد: حتی تصمیم اقتصادی ضروری نیز اگر بدون اطلاع‌رسانی شفاف و اقناع عمومی اجرا شود، می‌تواند به چالشی اجتماعی تبدیل شود. در شرایط فعلی، نخستین انتظار از دولت، پرهیز از اظهارنظرهای متناقض و ایجاد انسجام در مواضع رسمی است. مردم باید بدانند چه تصمیمی در حال بررسی است، چه برنامه‌ای وجود دارد و چه موضوعی هنوز نهایی نشده است. طرح مباحثی مانند افزایش قیمت یا تغییر سهمیه‌ها بدون توضیح دقیق، بیش از آنکه به شفافیت کمک کند، نگرانی و شایعه ایجاد خواهد کرد.

دولت در سیاست‌گذاری بنزین باید چند اصل اساسی را رعایت کند. نخست، مردم نباید غافلگیر شوند و هرگونه تصمیم باید پیش از اجرا با جزئیات اطلاع‌رسانی شود. دوم، اصلاحات نباید به شکل شوک‌درمانی دنبال شود؛ زیرا افزایش قیمت به‌تنهایی مشکلات ساختاری حوزه انرژی را حل نمی‌کند. سوم، آثار معیشتی و اجتماعی تصمیم باید همزمان با ملاحظات اقتصادی بررسی شود. از سوی دیگر، عدالت در سیاست‌گذاری اهمیت ویژه‌ای دارد. شرایط راننده تاکسی، کارگر روزمزد، خانواده روستایی و شهروندی که برای رفت‌وآمد به خودروی شخصی وابسته است، یکسان نیست. بنابراین هرگونه اصلاح باید با حمایت‌های متناسب از اقشار مختلف همراه باشد. همچنین نمی‌توان تمام مسئولیت مصرف بالای سوخت را متوجه مردم دانست. کیفیت خودروها، فرسودگی ناوگان، ضعف حمل‌ونقل عمومی و ناکارآمدی سیاست‌های مدیریت انرژی، بخش مهمی از این مسئله هستند. دولت باید پیش از اجرای هر تصمیم، آمادگی سامانه‌های سوخت‌رسانی، کارت‌های سوخت و سازوکارهای اجرایی را تضمین کند و منابع احتمالی حاصل از اصلاح قیمت را نیز به‌صورت شفاف در مسیر حمایت از مردم و توسعه زیرساخت‌ها هزینه کند.

واقعیت آن است که ادامه وضعیت موجود در حوزه انرژی نیز هزینه‌زا خواهد بود و نمی‌توان برای همیشه از ضرورت اصلاحات عبور کرد؛ اما پذیرش ضرورت اصلاح، به معنای تایید هر شیوه‌ای برای اجرای آن نیست.

بنزین می‌تواند فرصتی برای اصلاح عقلانی نظام انرژی کشور باشد، اما شرط موفقیت آن، اعتمادسازی، صداقت با مردم، تدریجی بودن تصمیمات و پرهیز از غافلگیری است. دولت باید بداند اصلاح اقتصاد بدون همراهی جامعه امکان‌پذیر نیست و هیچ تصمیمی، حتی اگر از نظر اقتصادی ضروری باشد، نباید به بهای تضعیف سرمایه اجتماعی اجرا شود.

«آگاه» کارنامه بانک‌ها و دستگاه‌های مسئول در پرداخت تسهیلات اشتغال‌زایی را بررسی کرد

۵۰ درصد منابع، پنج درصد عملکرد!

منابع اشتغال‌زایی در بودجه‌های سنواتی با یک هدف مشخص پیش‌بینی می‌شوند؛ حمایت از تولید، جلوگیری از تعطیلی بنگاه‌های اقتصادی، حفظ فرصت‌های شغلی و ایجاد زمینه برای ورود سرمایه به بخش‌هایی که با کمبود منابع مالی مواجه هستند. با این حال، آنچه در عملکرد برخی بانک‌ها و دستگاه‌های مسئول مشاهده می‌شود، فاصله معناداری با این اهداف دارد؛ به‌طوری که به اذعان برخی از نمایندگان سه بانک بزرگ کشور حدود ۵۰ درصد منابع اشتغال را در اختیار گرفته‌اند، اما مجموع عملکرد آنها تنها پنج درصد بوده است. آماری که بار دیگر موضوع کارآمدی شبکه بانکی در اجرای تکالیف حمایتی و سرنوشت منابعی را که باید به تولید و اشتغال برسند، به صدر توجهات بازگردانده است.

تسهیلات بانکی همواره یکی از مهم‌ترین ابزارهای دولت برای حمایت از فعالیت‌های اقتصادی و حفظ اشتغال بوده است. اهمیت این تسهیلات به‌ویژه در شرایطی که اقتصاد با افزایش هزینه‌های تولید، تورم و محدودیت‌های تامین مالی روبه‌روست، دوچندان می‌شود؛ چراکه بسیاری از بنگاه‌های اقتصادی برای ادامه فعالیت، تامین مواد اولیه، پرداخت دستمزد نیروی انسانی و حفظ ظرفیت تولید خود به منابع مالی نیاز دارند. در چنین شرایطی، تسهیلات اشتغال‌زایی می‌تواند نقش موثری در جلوگیری از توقف فعالیت واحدهای تولیدی و حفظ نیروی کار ایفا کند. به همین دلیل، دولت و مجلس در قوانین بودجه سنواتی همواره بخشی از منابع را برای پرداخت تسهیلات اشتغال و حمایت از بنگاه‌های تولیدی اختصاص می‌دهند. در بودجه سال ۱۴۰۵ نیز منابعی برای اشتغال‌زایی و همچنین حساب‌های پیشرفت و عدالت ملی و استانی در نظر گرفته شده است تا از طریق شبکه بانکی و دستگاه‌های مسئول، به بخش‌های هدف تزریق شود. با این حال، مسئله اصلی صرفا پیش‌بینی منابع در قانون بودجه نیست؛ بلکه چگونگی تخصیص، نحوه توزیع و سرعت پرداخت این اعتبارات است که میزان اثربخشی آنها را مشخص می‌کند. چه بسا منابع قابل توجهی در قوانین بودجه پیش‌بینی شود، اما به دلیل ضعف در فرآیند اجرا، رسوب در حساب‌ها، طولانی شدن مراحل اداری یا عملکرد نامناسب بانک‌ها، به دست متقاضیان واقعی نرسد. در چنین وضعیتی، منابعی که باید به موتور محرک تولید و اشتغال تبدیل شوند، عملا از ایفای نقش اصلی خود بازمی‌مانند.

عدالت در توزیع منابع اشتغال؛ حلقه مفقوده حمایت از تولید

یکی از مهم‌ترین موضوعات در پرداخت تسهیلات اشتغال‌زایی، نحوه توزیع منابع میان استان‌ها و مناطق مختلف کشور است. اصولا تخصیص این منابع باید بر مبنای شاخص‌هایی انجام شود که بتواند نیازواقعی هر منطقه را مشخص کند. نرخ بیکاری، میزان توسعه‌یافتگی، ظرفیت‌های اقتصادی، وضعیت بنگاه‌های تولیدی و نیاز بازار کار از جمله شاخص‌هایی هستند که می‌توانند مبنای تصمیم‌گیری برای توزیع اعتبارات قرار گیرند. منطق این شیوه تخصیص نیز روشن است؛ استان‌هایی که با نرخ بیکاری بالاتر، محدودیت‌های اقتصادی بیشتر و کمبود فرصت‌های شغلی مواجه هستند، باید متناسب با شرایط خود از سهم مناسبی در منابع حمایتی برخوردار شوند. در مقابل، اگر توزیع تسهیلات بدون توجه کافی به این شاخص‌ها انجام شود، ممکن است منابع به مناطقی اختصاص یابد که ضرورت و اولویت کمتری دارند و استان‌های نیازمند از سهم واقعی خود محروم بمانند. این مسئله زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که بدانیم هدف از اختصاص منابع اشتغال‌زایی، صرفا پرداخت تسهیلات نیست، بلکه ایجاد توازن در فرصت‌های اقتصادی و کمک به مناطقی است که برای توسعه فعالیت‌های تولیدی و ایجاد شغل با محدودیت بیشتری مواجه هستند. بنابراین، هرگونه انحراف از شاخص‌های تعیین‌شده می‌تواند اثربخشی سیاست‌های حمایتی را کاهش دهد و حتی به تشدید نابرابری در برخورداری استان‌ها از منابع مالی منجر شود. در واقع، اگر قرار باشد منابع اشتغال‌زایی بدون توجه به نرخ بیکاری و سطح توسعه‌یافتگی توزیع شوند، فلسفه پیش‌بینی سهم‌های استانی و منطقه‌ای نیز با چالش مواجه خواهد شد. از همین رو، بررسی عملکرد وزارتخانه‌های مسئول در این بخش باید علاوه بر میزان پرداخت تسهیلات، شامل ارزیابی دقیق مبانی و شاخص‌های توزیع منابع نیز باشد.

رسوب ۲۰ همت منابع؛ پول‌هایی که به مقصد نرسیدند

در کنار مسئله توزیع استانی، رسوب منابع یکی دیگر از چالش‌های جدی در مسیر حمایت مالی از تولید و اشتغال است. منابعی که باید در زمان مناسب به بنگاه‌های اقتصادی و متقاضیان اشتغال‌زایی اختصاص پیدا کنند، در صورت باقی ماندن در حساب‌ها یا طولانی شدن فرآیند پرداخت، فرصت اثرگذاری خود را از دست می‌دهند. این مسئله به‌ویژه برای واحدهای تولیدی که با محدودیت سرمایه در گردش مواجه هستند، اهمیت زیادی دارد. در شرایط تورمی، تاخیر در پرداخت تسهیلات می‌تواند هزینه تامین مواد اولیه و استمرار فعالیت بنگاه را افزایش دهد. به بیان دیگر، تسهیلاتی که با هدف کمک به تولید پیش‌بینی شده‌اند، اگر در زمان مناسب پرداخت نشوند، ممکن است دیگر پاسخگوی نیاز اولیه بنگاه نباشند. بررسی همین موضوع در کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس نشان داد که حدود ۲۰ همت از منابع سال‌های گذشته در وزارت اقتصاد رسوب کرده است؛ موضوعی که مسئولان این وزارتخانه درباره آن توضیحاتی ارائه کردند. غلامرضا تاجگردون، رئیس کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس، در تشریح جلسه اخیر این کمیسیون با اشاره به گزارش مسئولان وزارت امور اقتصادی و دارایی و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی درباره منابع اشتغال گفت: در این جلسه، دو بخش از موضوع اشتغال مورد بررسی قرار گرفت که یک بخش مربوط به اختیارات وزارت اقتصاد و بخش دیگر مربوط به اشتغال و تسهیلات قرض‌الحسنه‌ای بود که وزارت کار مسئولیت اجرای آن را بر عهده دارد. نماینده مردم گچساران و باشت در مجلس با اشاره به منابع رسوب‌شده سال‌های گذشته در وزارت اقتصاد اظهار کرد: مسئولان این وزارتخانه درباره وجوه رسوب‌شده‌ای که رقمی حدود ۲۰ همت بوده، توضیحات خود را ارائه کردند. به نظر می‌رسد در بخشی که مربوط به سرمایه در گردش بوده، عملکرد مناسبی وجود داشته است، اما در سایر بخش‌ها همچنان بحث و ابهام وجود دارد. وی همچنین تمرکز بیش از حد اختیارات در وزارت اقتصاد و تفویض نشدن اختیارات به مناطق را یکی دیگر از مشکلات این حوزه دانست و تصریح کرد: این مسئله تا حدودی روند کار را غیرشفاف می‌کند و باید در این بخش نیز اقدام لازم صورت گیرد. این اظهارات نشان می‌دهد که حتی در مواردی که منابع مالی برای حمایت از تولید و اشتغال پیش‌بینی شده‌اند، تمرکز تصمیم‌گیری و ضعف در سازوکار اجرایی می‌تواند مانع استفاده به‌موقع و موثر از آنها شود. به همین دلیل، علاوه بر تامین اعتبار، باید ساختار اجرایی به‌گونه‌ای طراحی شود که منابع با کمترین تاخیر و بر اساس نیازهای واقعی مناطق به دست متقاضیان برسند.

بانک‌ها در آزمون پرداخت تسهیلات اشتغال

اما شاید مهم‌ترین بخش گزارش ارائه‌شده به کمیسیون برنامه و بودجه، عملکرد بانک‌ها در پرداخت تسهیلات اشتغال‌زایی باشد؛ موضوعی که آمارهای مطرح‌شده درباره آن، فاصله قابل توجهی میان سهم بانک‌ها از منابع و میزان عملکرد آنها را نشان می‌دهد. در نظام تامین مالی کشور، بانک‌ها نقش واسطه‌ای مهم میان منابع مالی و بخش‌های نیازمند سرمایه دارند. به همین دلیل، انتظار می‌رود بانک‌هایی که سهم بیشتری از منابع حمایتی را در اختیار می‌گیرند، متناسب با مسئولیت خود در پرداخت تسهیلات نیز عملکرد قابل قبولی داشته باشند. با این حال، آمارهای ارائه‌شده در جلسه کمیسیون برنامه و بودجه از وضعیت متفاوتی حکایت دارد. تاجگردون با انتقاد از عملکرد بانک‌های بزرگ دولتی اظهار کرد: بانک‌های بزرگ ما که می‌بایست عملکرد بهتری داشته باشند، متاسفانه عملکرد خوبی نداشته‌اند. سه بانک بزرگ کشور که در راس آنها بانک ملی قرار دارد، بیشترین منابع را به خود اختصاص داده بودند؛ به‌طوری که حدود ۵۰ درصد منابع در اختیار این بانک‌ها قرار داشت، اما متاسفانه تنها پنج درصد عملکرد داشته‌اند و بانک ملی نیز به‌تنهایی چهار درصد عملکرد داشته است. رئیس کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس این ارقام را نامناسب دانست و تاکید کرد که چنین عملکردی با شان سیستم بانکی کشور فاصله دارد. این اعداد از یک تناقض جدی در فرآیند حمایت مالی از اشتغال حکایت می‌کنند؛ از یک طرف بخش عمده‌ای از منابع در اختیار بانک‌های بزرگ قرار گرفته و از طرف دیگر، عملکرد این بانک‌ها در پرداخت تسهیلات بسیار پایین گزارش شده است. به این ترتیب، مسئله تنها به میزان منابع اختصاص یافته محدود نمی‌شود، بلکه نحوه ایفای تعهدات بانک‌ها و میزان پایبندی آنها به ماموریت‌های حمایتی نیز به پرسشی جدی تبدیل شده است. اگر منابعی که باید به بنگاه‌های تولیدی و متقاضیان اشتغال برسند، در فرآیند بانکی متوقف بمانند، طبیعی است که آثار مورد انتظار از سیاست‌های حمایتی نیز محقق نخواهد شد. در چنین شرایطی، واحدهای تولیدی همچنان با محدودیت مالی مواجه می‌مانند و فرصت‌های ایجاد یا تثبیت اشتغال نیز تحت تاثیر قرار می‌گیرد. بر همین اساس، کمیسیون برنامه و بودجه خواستار برگزاری جلسه‌ای با جزئیات بیشتر و با حضور بانک مرکزی و مدیران عامل بانک‌ها شده است تا دلایل این عملکرد به‌صورت دقیق بررسی و برای رفع ضعف‌های موجود تصمیم‌گیری شود. این جلسه می‌تواند مشخص کند که چرا بانک‌هایی با سهم قابل توجه از منابع، نتوانسته‌اند در پرداخت تسهیلات عملکرد متناسبی داشته باشند.

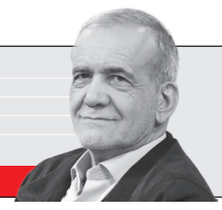
تغییر سازوکار پرداخت هم نتیجه نداد؛ عملکرد امسال بدتر از پارسال

نکته قابل تامل دیگر در بررسی عملکرد منابع اشتغال‌زایی، وضعیت دستگاه‌های حمایتی و تغییراتی است که سال گذشته با هدف بهبود فرآیند پرداخت تسهیلات در ساختار اجرایی ایجاد شد. در سال گذشته، مجلس با انتقال منابع تسهیلات از دستگاه‌های حمایتی به وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و دولت، تلاش کرد تمرکز و هماهنگی بیشتری در پرداخت منابع ایجاد کند و زمینه بهبود عملکرد را فراهم آورد. انتظار می‌رفت این تغییر ساختاری، ضمن کاهش پراکندگی تصمیم‌گیری‌ها، امکان نظارت موثرتر بر نحوه تخصیص و پرداخت تسهیلات را فراهم کند. با این حال، بررسی‌های اخیر کمیسیون برنامه و بودجه نشان می‌دهد که عملکرد برخی دستگاه‌های حمایتی نیز در سال جاری با افت مواجه شده است؛ موضوعی که نشان می‌دهد تغییر مسئولیت‌ها به‌تنهایی برای حل مشکلات کافی نبوده و همچنان باید درباره نحوه اجرا، نظارت و پاسخگویی دستگاه‌ها چاره‌اندیشی شود. تاجگردون در همین زمینه با اشاره به توزیع منابع بین دستگاه‌های حمایتی گفت: برخی از دستگاه‌هایی که عملکردشان در سال‌های گذشته بسیار خوب بوده، امسال عملکرد مطلوبی نداشته‌اند. این موضوع را نیز برای بررسی بیشتر ارجاع دادیم و فعلا از ذکر نام این دستگاه‌ها خودداری می‌کنم تا ریشه و علت این مسئله مشخص شود. وی با اشاره به تصمیم سال گذشته مجلس برای انتقال منابع تسهیلات از دستگاه‌های حمایتی به وزارت کار و دولت افزود: ما سال گذشته منابع تسهیلات را از دستگاه‌های حمایتی به وزارت کار و دولت انتقال دادیم تا عملکرد بهتری داشته باشند، اما متاسفانه عملکرد امسال بدتر از سال گذشته شده است. این اظهارات در واقع نشان می‌دهد که مسئله منابع اشتغال‌زایی، تنها به یک دستگاه یا یک بخش از نظام بانکی محدود نیست و مجموعه‌ای از ضعف‌ها در زنجیره تخصیص تا پرداخت تسهیلات وجود دارد؛ از تمرکز اختیارات و رسوب منابع گرفته تا توزیع نامتناسب استانی و عملکرد نامطلوب بانک‌ها و دستگاه‌های حمایتی.

تولید و اشتغال در انتظار تعیین تکلیف منابع

آنچه از مجموع بررسی‌های برمی‌آید، این است که منابع اشتغال‌زایی در مسیر رسیدن به اهداف تعیین‌شده با موانع جدی مواجه هستند. از یک سو، بخشی از منابع سال‌های گذشته همچنان تعیین تکلیف نشده و از سوی دیگر، بانک‌هایی که سهم عمده‌ای از اعتبارات را در اختیار دارند، عملکرد متناسبی در پرداخت تسهیلات نداشته‌اند. در کنار این موارد، نحوه توزیع منابع میان استان‌ها و افت عملکرد برخی دستگاه‌های حمایتی نیز به پیچیدگی‌های این پرونده افزوده است.

در چنین شرایطی، ضرورت دارد نظارت بر منابع اشتغال‌زایی از مرحله تصویب و تخصیص فراتر برود و به مرحله پرداخت واقعی و ارزیابی آثار اقتصادی آن نیز تسری پیدا کند. صرف اعلام میزان منابع پیش‌بینی شده یا اعتبارات اختصاص یافته نمی‌تواند نشان‌دهنده موفقیت سیاست‌های حمایتی باشد؛ بلکه معیار اصلی باید میزان تسهیلات پرداخت‌شده، تعداد بنگاه‌های بهره‌مند، فرصت‌های شغلی ایجادشده یا حفظ‌شده و میزان اثرگذاری منابع در مناطق هدف باشد. همچنین لازم است شاخص‌های توزیع منابع میان استان‌ها به‌صورت شفاف و قابل ارزیابی اعمال شود تا سهم هر منطقه متناسب با نرخ بیکاری، سطح توسعه‌یافتگی و ظرفیت‌های اقتصادی آن تعیین شود. در غیر این صورت، حتی افزایش منابع نیز لزوما به معنای بهبود وضعیت اشتغال نخواهد بود.



پزشکیان، رئیس جمهور:
مردم از رانت و فساد اقتصادی ناشی از سوءمدیریت ناراضی‌اند

روزهای سخت ترامپ در کاخ سفید
آشفتگی ساختاری در ایالات متحده

شبکه خبری MSNOW در گزارشی به تصمیم دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا، برای خارج کردن جی دی ونس، معاون خود، از مسئولیت مذاکرات با ایران پرداخت و نوشت: این تصمیم نه‌تنها تلاش‌های ونس برای پایان دادن به جنگ را ناکام گذاشته بلکه ممکن است بر چشم‌انداز سیاسی او برای انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۸ نیز تاثیر بگذارد.

پل والدمن، روزنامه‌نگار و نویسنده آمریکایی، در این گزارش نوشت: «یک روز پس از شکست سنگین جمهوری خواهان در انتخابات میان دوره ای کنگره، جی دی ونس در پیامی در شبکه اجتماعی ایکس اعلام کرد که دلیل شکست جمهوری‌خواهان، جنگ بوده و هرگفت‌وگوی صادقانه‌ای درباره مسیر پیش رو باید از همین نقطه آغاز شود.» در روزهای پس از این اظهارات نیز گزارش‌هایی منتشر شد مبنی بر اینکه ونس در تلاش است مذاکرات با ایران را از سر بگیرد و مسیر دستیابی به توافقی برای پایان دادن به جنگ را هموار کند. با این حال، دونالد ترامپ روز پنج‌شنبه سرانجام به این تحرکات واکنش نشان داد و در پیامی در شبکه اجتماعی تروث سوشال اعلام کرد که از معاون خود خواسته است تمام تمرکزش را بر آنچه «فساد گسترده و جرائم» در شهرها و ایالت‌های تحت مدیریت دموکرات‌ها خواند، معطوف کند.

در همین رابطه داریوش صفرنژاد، کارشناس مسائل سیاست خارجی تحلیل خود را پیرامون آنچه در آمریکا در دوره پسا انتخابات می‌گذرد، بیان کرد. او با بیان اینکه تحولات پس از انتخابات در آمریکا نشان‌دهنده موجی از تغییرات در فضای سیاسی این کشور است که آثار آن در سطح ایالتی و فدرال نمایان شده است، می‌گوید: در اولین واکنش‌های پس از انتخابات شاهد بودیم که با لایحه دولت ترامپ برای ساخت نماد پیروزی مخالفت شد و این اقدام تا بوی قدرت کنگره برای مقابله با دولت را شکست. متعاقب این رویداد بحث استیضاح وزیر جنگ مطرح شد که اگرچه به دلیل لابی دولت به نتیجه نرسید اما این موضوع به مجلس بعدی منتقل شده است. با توجه به تشکیل مجلس جدید از ۱۸ دی اوضاع برای دولت حاکم سخت‌تر خواهد شد. وی تاکید کرد: برهمین اساس، وضعیت بغرنجی پیش روی دولت آمریکا قرار دارد و در صورتی که به محدودیت بودجه برخورد کنند دولت فدرال ناچار به تعطیلی خواهد شد. در ساختار سیاسی آمریکا تعطیلی دولت به معنای مختل شدن امور مرکزی است و کارمندان دولت حتی از حقوق خود محروم می شوند. آگاه مسائل بین‌الملل با بیان اینکه در حال حاضر هم علاوه بر چالش‌های بودجه‌ای شاهد شکاف های علنی در حزب جمهوری خواه هستیم، تصریح کرد: وزیر خارجه قانونی روبیو است، اما عملا ویتکاف و کوشنر سکان دار اصلی هستند که این آشفتگی ساختاری را به نمایش می‌گذارد. فضای مخالفت با جنگ به گفتمان غالب در آمریکا تبدیل شده است، زیرا در انتخابات آینده ریاست‌جمهوری هردو حزب به افکار عمومی اهمیت ویژه‌ای می‌دهند. به باور او، آمریکا برای انجام یک جنگ فراگیر نیازمند پشتوانه بودجه‌ای سنگینی است و با توجه به آسیب‌های وارد شده به پایگاه‌ها و ساختار سخت‌افزاری نیروهای خود به بودجه‌ای بیش از سال ۲۰۲۶ نیاز دارد تا کسری‌ها را جبران و ساختارها را بازسازی کند. چالش میان تیم حاکم و نهاد قانون‌گذاری در تمامی سطوح حتی در حوزه شهرداری‌ها و شوراهای شهر نیز خود را نشان می‌دهد که این موضوع ضربه‌ای به هژمونی آمریکا در قاره آمریکا و در سطح بین‌المللی است.

«آگاه» در گزارشی مطالبه عارف از نمایندگان دولت در استان‌ها را بررسی کرد
استانداران در میدان بازسازی



مدیریت ستادی کشور، همواره با چالش میان تمرکز تصمیم گیری و سرعت در اجرا مواجه بود؛ دولت چهاردهم از زمانی که روی کار آمد، دست استانداران به عنوان نمایندگان دولت در استان‌ها را کاملا باز گذاشت و به آنها تفویض اختیار داد تا بتوانند برنامه‌ها را با سرعت بیشتر اجرا کنند لذا، واگذاری اختیارات ویژه به استانداران، نوعی تمرکززدایی عملیاتی است. هدف این است که استانداران دیگر صرفا واسطه یا گزارشگر نیازهای مناطق خود به قوه مجریه نباشند، به مدیران اصلی میدان تبدیل شوند تا سریع گره‌ای از مشکلات بازکنند. محمدرضا عارف دیروز در جلسه ستاد بازسازی خسارات ناشی از جنگ تحمیلی، با اشاره به واگذاری اختیارات ویژه به استانداران اظهار کرد: استانداران باید در چارچوب اختیارات تفویض‌شده، روند بازسازی و بهسازی مراکز آسیب‌دیده را با جدیت بیشتری دنبال کنند و از ظرفیت‌های موجود برای تسریع در اجرای برنامه‌های بازسازی بهره بگیرند. اقدامات خوبی برای بازسازی بخش‌های اولویت‌دار آغاز شده است، اما ضروری است این تلاش‌ها با سرعت و جدیت بیشتری ادامه یابد.

وی با تاکید بر ضرورت تسریع در بازسازی خسارات ناشی از جنگ تصریح کرد: بازسازی منازل مسکونی شهری و روستایی، صنایع حساس و پیشرو و مراکز دانشگاهی، علمی و پژوهشی از اولویت‌های اصلی دولت در این حوزه است. اقدامات دولت نباید صرفا به جبران خسارات و بازگرداندن مراکز آسیب‌دیده به وضعیت پیشین محدود شود، بلکه نوسازی و بهسازی صنایع و مراکز علمی نیز باید در برنامه‌های بازسازی مورد توجه قرار گیرد.

معاون اول رئیس جمهور بر ضرورت پیگیری مستمر برنامه‌های بازسازی و استفاده از اختیارات تفویض شده برای تسریع در رسیدگی به مناطق آسیب‌دیده تاکید کرد. با توجه به اظهارات شخص دوم کشور، انتظار می‌رود استانداران با استفاده از اختیارات تفویض شده، ظرفیت‌های موجود هر استان را در خدمت پروژه‌های بازسازی قرار دهند، بدون آنکه برای هر قدم اجرایی، در انتظار تایید‌های مکرر از سوی مرکز بمانند. نکته کلیدی دیگری که در سخنان معاون اول برجسته شد، تغییر نگاه به ماهیت بازسازی است. دولت تاکید می‌کند که بازسازی نباید به معنای بازگشت به وضعیت سابق باشد. اگر ما صرفا یک مرکز آسیب دیده را همان گونه که بود بازگردانیم، در واقع فرصت پیشرفت را از دست داده ایم. رویکرد جدید، بر بازسازی توسعه محور استوار است؛ به این معنا که بازسازی صنایع حساس، مراکز علمی و دانشگاهی، نباید تنها به جبران خسارت محدود شود، باید فرصتی برای نوسازی و بهسازی باشد. در اصل دولت می‌خواهد بستری برای تولد واحدهای صنعتی و علمی کارآمدتر ایجاد کند تا نشان داده شود دو جنگ تحمیلی، ایران را به بن بست نکشاند و محدود نکرد. به هر حال راهبرد دولت، اعتماد ساختاری به ظرفیت‌های استانی است. معاون اول رئیس جمهور با ابراز رضایت از اقداماتی که تاکنون انجام شده، بر ضرورت سرعت و جدیت بیشتر تاکید کرد، بنابراین آنچه از سوی او بیان شد مطالبه‌ای از استانداران در مقطع فعلی است. مطالبه‌ای که می‌گوید اختیارداده شده است و دیگر بهانه نمی‌توان یافت. مطالبه اصلی، تبدیل اختیارات تفویض‌شده به خروجی‌های ملموس و سریع در مناطق آسیب‌دیده است. استانداران اکنون در آزمونی هستند تا نشان دهند، آیا می‌توانند از مدیران تحت نظارت مرکز به مدیران عملیاتی میدان تبدیل شوند. موفقیت این طرح، در گرو این است که سرعت اجرای پروژه‌ها، با سرعت تصمیم‌گیری استانداران هم‌خوانی داشته باشد.

عناوین ایام هفته بسیج در نشست خبری تشریح شد
برنامه‌های بسیج در عصر جدید



سیدمهدی حسینی، خبرنگار: بسیج مستضعفین، یکی از اصیل‌ترین و پایدارترین پدیده‌های اجتماعی و سیاسی در «جمهوری اسلامی ایران» است. اگر بخواهیم به ریشه‌های این نهاد انقلابی بنگریم، باید از نگاه راهبردی امام خمینی (ره) آغاز کنیم. عزیزی که بسیج را نماد خودباوری ملی و تجلی آن اراده‌ای می‌دید که در روزهای سخت، امنیت و حاکمیت کشور را تامین کرد. از نظر حضرت روح‌الله، بسیج، مظهر پیوند ناگسستنی میان ایمان فردی و مسئولیت‌پذیری جمعی است.

این نگاه، با آموزه‌های امام شهید، عمق بیشتری یافت. ایشان بسیج را تجلی همان «ایمان فعال» می‌دانستند؛ ایمانی که در خدمت به مردم و دفاع از ارزش‌ها، خود را نشان می‌دهد. از این منظر، بسیج همواره میان دو قطب ایستاده است؛ حفاظت از حریم حاکمیت و خدمت به مردم. این دو قطب، از روزهای نخستین تاکنون، همواره در کنار هم حرکت کرده‌اند و امروز، در آستانه هفته بسیج، این نقش‌ها با نگاهی نوین و در جهت تقویت ابعاد موجود، بازتعریف و برجسته می‌شوند.

از منظر امامین انقلاب، بسیج فراتر از یک سازمان، مصلحت ملی برای جمهوری اسلامی ایران است که تشکیل آن از برکات و الطاف الهی برای این ملت بود. این نهاد با تکیه بر تفکر «ارتش ۲۰ میلیونی»، فرمول دفاع همه‌جانبه از انقلاب را ارائه داد تا با ایجاد یک پشتوانه مومن و بااخلاص، امنیت کشور را در برابر هرگونه تهدید تامین کند. ماهیت بسیج، فراگیر و مردم‌محور است و اختصاص به منطقه، طبقه یا قشر خاصی ندارد؛ هر فردی که روحیه مسئولیت و ایمان داشته باشد، در حقیقت بسیجی است. در نگاه راهبردی امام شهید، انکار بسیج و بی‌احترامی به آن یا نابخردانه است یا خائنانه، زیرا بسیاری از پیشرفت‌ها و موفقیت‌های نظام اسلامی در عرصه‌های مختلف، مرهون تفکر و میل بسیجی است. در یک کلام، بسیج آمادگی مطلق برای حضور در هر صحنه‌ای که انقلاب به آن نیاز داشته باشد، دارد تا دشمنان را مرعوب و مسیر پیشرفت کشور را هموار سازد.

۲۴ آبان، شعار محوری هفته بسیج در سال ۱۴۰۵ در اجتماع مردم میدان‌دار در میدان شهدای تهران با نام «بسیج، جان‌فدای ایران، امید مستضعفان» رونمایی شد. فردای آن روز (۲۵ آبان) اولین نشست سخنگوی جوان سازمان بسیج مستضعفین با حضور خبرنگاران برگزار شد. سرهنگ ایمان تاجیک با تشریح برنامه‌های هفته بسیج از ۲۹ آبان تا پنجم آذر ۱۴۰۵، از تمرکز این برنامه‌ها بر مشارکت مردمی، خدمت‌رسانی و تقویت نقش‌آفرینی اجتماعی خبر داد و گفت: رویکرد محوری این سازمان، حرکت به سمت حل مسائل خرد و کلان کشور با بهره‌گیری از ظرفیت و توان مردم است. وی در تشریح عناوین روزهای هفته بسیج گفت: شنبه ۳۰ آبان با عنوان «بسیج، همدلی، خدمت و پیشرفت» نامگذاری شده است. اقتصاد مقاومتی، سازندگی و پیشرفت، عرصه‌هایی هستند که این شعار را تحت پوشش قرار خواهند داد.

سخنگوی سازمان بسیج مستضعفین افزود: یک‌شنبه اول آذر با عنوان «بسیج، بانوی مقاوم، خانواده مقاوم، ایران قوی» نامگذاری شده است. در این روز، برنامه‌هایی به‌صورت مجزا در حوزه بانوان و خانواده برگزار خواهد شد. دوم آذر با عنوان «بسیج، اتحاد، همبستگی و محله قوی» نامگذاری شده است. این عنوان ناظر بر موضوع محله‌محوری است و حکمرانی محله‌محور و اجتماعی، عرصه‌ای است که به تحقق این شعار کمک خواهد کرد.

تاجیک با بیان اینکه سوم آذر با عنوان «بسیج، به توان مردم» نامگذاری شده است، افزود: در این روز، برنامه‌هایی در عرصه‌های علمی، فضای مجازی و هوش مصنوعی برگزار خواهد شد. چهارشنبه چهارم آذر با عنوان «بسیج، بر عهد امام شهید، پای کار فرمانده عزیز» نامگذاری شده است. روز پنجم آذر نیز با عنوان «بسیج، ایثار، امنیت و اقتدار» نامگذاری شده است که در این روز، اقدامات و برنامه‌ها در حوزه دفاعی و امنیتی دنبال خواهد شد. همچنین روز ششم آذر، موضوع مواسات و همدلی را خواهیم داشت که استثنائا از روز جمعه آغاز خواهد شد و تا پایان سال، در حوزه توزیع بسته‌های همدلی، نقش‌آفرینی خواهد شد.

وی گفت: روز جمعه ۲۹ آبان، اجتماع بسیجیان در مصلای تهران برگزار خواهد شد. همچنین برنامه‌های دیگری از جمله آغاز طرح ملی «ترنم، تربیت، رشد و مهارت‌های ورزشی، پویش حفظ هفت آیه مقاومت»، رزمایش تولید محتوای بصیرتی و رزمایش «جان‌فدا» را در دستور کار داریم که در استان خراسان رضوی برگزار خواهد شد.

سخنگوی سازمان بسیج مستضعفین اشاره‌ای هم به نیروهای جان‌فدا کرد و با اعلام اینکه در حوزه آموزش جان‌فدا، ۱۰۰ میدان، مشابه میدان امام حسین (ع)، برای آموزش افرادی که علاقه‌مند هستند در عرصه نظامی خدمت کنند و این فضا و آموزش‌ها را فرا بگیرند، در نظر گرفته شده است، گفت: این ۱۰۰ میدان با همان ظرفیت و همان کیفیت، فعالیت خود را آغاز خواهند کرد. در مورد برنامه ۲۹ آبان، پویش «خط امین ۳» را داریم. دو پویش قبلی، «امین ۱» و «امین ۲»، با محوریت کتاب‌های تالیفی رهبر شهید امت برگزار شد.

تاجیک با اشاره به ضرورت تغییر در مدل‌های سنتی گفت: حکمرانی مردمی بر پایه نیازهای واقعی، نیازمند بهره‌گیری از توان نخبگان و برگزاری جلسات مشورتی متعدد است. این رویکرد جدید، هدف خود را بر پایه توانمندسازی مردم و مشارکت فعال آنان بنا کرده است. سخنگوی سازمان بسیج مستضعفین همچنین به حمایت‌های مسئولان ارشد از این طرح پرداخت و گفت: پزشکیان، رئیس جمهور، با نگاهی ویژه به این طرح به عنوان راهگشای مسائل کشور، از آن حمایت کرده‌اند. همچنین رئیس سازمان بسیج نیز این موضوع را در دستور کار ویژه قرار داده‌اند تا فرآیند ارائه و اجرای این راهبرد با حداکثر کیفیت انجام شود.

حرکت به سوی حل مسائل واقعی

آنچه در برنامه‌های بسیج تشریح شد، تلاشی برای عملیاتی‌تر کردن ظرفیت‌های موجود است. سخن از حل مسائل خرد و کلان، نشان می‌دهد که بسیج با بهره‌گیری از دانش مردمی، قصد دارد در لایه‌های مختلف زندگی اجتماعی مردم، حضور موثرتری داشته باشد. این یعنی استفاده از توان مردم برای حل بحران‌ها، به گونه‌ای که هر مشکل در یک محله، با همبستگی مردم و توان بسیج، راه حل پیدا کند. این همان معنای واقعی «مشارکت فعال» است که از همان ابتدای شکل‌گیری برای بسیج اهمیت داشت و اکنون می‌خواهد تقویت شود.

یکی از بخش‌های کلیدی این برنامه‌ها، پیوند مفهوم «جان‌فدا» با عرصه آموزش است. وقتی از ایجاد ۱۰۰ میدان آموزشی مشابه میدان امام حسین (ع) سخن به میان آمد، هدف تنها آموزش نظامی نیست. هدف، تربیت «انسان میدان» است. این میدان‌ها، بستری هستند برای پرورش افرادی که هم از نظر فنی و نظامی، آماده دفاع از میهن باشند و هم از نظر روحی و اخلاقی، معنای واقعی «جان‌فدا» را درک کنند. در اصل بسیج با این اقدام، درصدد است، نسل جدیدی از نیروها را تربیت کند که در برابر چالش‌های امروز، با همان صلابت و شجاعت، ایستادگی کنند.

حکمرانی محله‌محور و مسجدمحوری

نام بسیج انقلابی به توده‌های مردم گره خورده است و دولت چهاردهم پس از روی کارآمدن به خوبی پی برد اگر گره‌ای می‌خواهد گشوده شود باید نقش نهادهای مردمی را مورد توجه قرار داد، از این‌رو پروژه «مسجدمحوری و محله‌محوری» به صورت ویژه در دستور کار دولتی‌ها قرار گرفت؛ پروژه‌ای که بسیج نقش تاثیرگذاری را ایفا خواهد کرد و در چندین جلسه شخص رئیس جمهور حضور یافت و بر اهمیت و اجرای طرح مذکور تاکید کرد. طرح «مسجد و حکمرانی محله‌محور»، ابزاری برای تقویت نقش اجتماعی مساجد است. این طرح، می‌خواهد قدرت محلی را تقویت کند. با این رویکرد، مسجد- با حضور نیروهای بسیجی- به عنوان مرکز مدیریت محلی، می‌تواند نقش خود را در رفع نیازهای ملموس مردم، با مشارکت نخبگان و فعالان محلی، به شکلی کارآمدتر ایفا کند.

نکته مهم دیگری که در برنامه‌های امسال برجسته است، گذار از نمایش به عمل است. اعلام اینکه هیچ برنامه نمادین یا رویداد نمایشی اجرا نخواهد شد، تاکیدی بر این است که بسیج، سازمان «میدان و عمل» است. وقتی بیان شد، برنامه‌ها با محوریت ملت مبعوث‌شده در میدان انجام می‌شود، یعنی بسیج در همان جایی حضور دارد که مردم- ولی نعمتان انقلاب- حضور دارند و این نگاه برگرفته از تمرکز حداکثری بر فعالیت‌های میدانی و خدماتی، به جای تمرکز بر رویدادهای صرفا رسانه‌ای ارزیابی می‌شود.

در نهایت، این حرکت برنامه ریزی شده با مفهوم «مواسات و همدلی» تکمیل می‌شود. این مفهوم، فراتر از حرکت موقت یا فصلی، تلاشی برای تداوم این روحیه در تمام سال است. مواسات، تجلی حضور فعال توانگران در کنار نیازمندان است و همدلی، برتبدیل کمک‌های مادی به رابطه‌ای انسانی تمرکز دارد. هدف نهایی از این اقدامات، تقویت پیوند عاطفی و اجتماعی بسیج با مردم همیشه در صحنه است. در مجموع، آنچه در برنامه‌های بسیج مستضعفین شاهد هستیم، توسعه ظرفیت‌ها و تقویت نقش‌های فعلی است. بسیج در شرایط کنونی کشور، همواره در عرصه‌های دفاعی و همچنین در عرصه‌های اجتماعی و خدماتی فعال است، اما این برنامه‌ها حکایت از آن دارد، سازمان بسیج به ریاست حسین طائب در حال ارتقای سطح فعالیت‌هایش برای پاسخگویی بهتر به چالش‌ها است؛ بسیج با تمرکز بر مسئله‌محوری و مشارکت مردمی، می خواهد توان خود را در حل بحران‌های اجتماعی و اقتصادی، در کنار وظایف دفاعی و امنیتی خود، به حداکثر برساند. با حرکت در ریل برنامه‌های تعیین شده، بسیج همچنان می‌تواند به عنوان ستون اصلی پایداری جامعه و نظام، در کنار ملت ایستادگی کند.

انتظارات فرمانده کل قوا از بسیج

سردار غلامرضا سلیمانی، رئیس فقید سازمان بسیج مستضعفین در جریان جنگ ۴۰ روزه از سوی دشمن آمریکایی و صهیونی به شهادت رسید. پس از شهادت وی، حضرت آیت‌الله سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای، رهبر انقلاب آرایش جدید میدان را در ۱۹ مرداد با احکام صادرشده برای فرماندهان جدید ترسیم کردند. در حکم ایشان حجت‌الاسلام حسین طائب که سابقه ریاست سازمان اطلاعات سپاه را در فعالیت‌های خود ثبت کرده، به ریاست سازمان بسیج مستضعفین منصوب شد. فرمانده کل قوا در حکم‌شان چشم‌انداز جدیدی را ترسیم کردند و از رئیس جدید خواستند با توجه به اقتضائات و شرایط جدید کشور، تحقق این مطالبات را دنبال کنند. مطالباتی که می‌توان بخشی از آن را در برنامه‌های بسیج در دوره جدید و به‌خصوص در هفته بسیج مشاهده کرد.

- تعمیق و گسترش فرهنگ بسیج و مقاومت به منظور تحقق شعار «هر ایرانی، یک بسیجی» با استفاده از ظرفیت آحاد مردم مبعوث شده و اقشار میلیونی جان فدا در راستای ایران قوی و متحد و حفاظت از انقلاب اسلامی.
- تقویت شبکه اطلاعات مردمی، افزایش مهارت‌ها و آموزش‌های لازم توام با بصیرت‌افزایی و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین برای مقابله مردم‌پایه با تهدیدات دشمن.
- تعامل سازنده و موثر با دیگر نهادها و سازمان‌های حاکمیتی، دولتی و عمومی و گسترش گروه‌های جهادی، بسیج اقشار و محلات به منظور توسعه خدمات اجتماعی اثربخش با محوریت مسجد.
- ترویج فرهنگ بسیجی به عنوان الگوی مقاومت و پایداری مردمی در سراسر جهان در برابر استکبار صهیونی-آمریکایی.

پهپاد MQM۱۷۰ آمریکایی‌ها در تله نیروی دریایی سپاه
آمریکا باز در تنگه هرمز زمینگیر شد

نیروی دریایی سپاه روز گذشته از به غنیمت گرفتن چهارمین پهپاد MQM۱۷۰ ارتش متجاوز آمریکا، طی یک عملیات موفق جنگال، خبر داد.

نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در اطلاعیه‌ای اعلام کرد: یک فروند پهپاد MQM۱۷۰ متعلق به ارتش متجاوز آمریکا، طی یک عملیات موفق جنگ الکترونیک به‌صورت سالم بر زمین نشانده شد که این چهارمین پهپاد از این نوع است که به دست فرماندهی جنگ الکترونیک و پهپاد نیروی دریایی سپاه و هشتمین پهپادی است که توسط پدافند سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در محدوده تنگه هرمز، به‌صورت سالم شکار شده است. در ادامه این اطلاعیه آمده است: این پهپاد که با هدف ردیابی و شناسایی سامانه‌های پدافندی و جنگ الکترونیک در این محدوده فعالیت می‌کرد، در جنوب جزیره قشم هدف یک تهاجم الکترونیکی موفق از سوی رزمندگان نیروی دریایی سپاه قرار گرفت و پس از به دست‌گیری کنترل هدایت آن، به‌صورت سالم بر زمین نشانده شد.

نیروی دریایی سپاه در اطلاعیه خود آورده است: ارتش متجاوز آمریکا در جریان تجاوز نظامی خود، طیف گسترده‌ای از تجهیزات پیشرفته و جدیدش را وارد میدان کرده است؛ اما از پهپادهای چند میلیون دلاری MQ۹ و MQ۱ گرفته تا پهپادهای MQM۱۷۰ و پهپادهای انهدامی لوکاس، همگی در برابر هوشمندی، ابتکار عمل و توانمندی افسران جوان و نخبه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، رهگیری، منهدم یا بی‌اثر می‌شوند. نیروی دریایی سپاه در اطلاعیه خود تاکید کرد: «فرماندهان ارتش متجاوز آمریکا بهتر است به‌جای تکرار ادعاهای واهی، واقعیت‌های میدان را بپذیرند و به حاکمیت جمهوری اسلامی ایران بر تنگه هرمز احترام بگذارند.»



روز گذشته فقط سپاه خبرساز نبود، نیروی دریایی ارتش نیز از برخورد یک فروند نفتکش متخلف دیگر در شرق تنگه هرمز با مین دریایی که دچار آتش‌سوزی شد، خبر داد. با توجه به اطلاعیه منتشر شده، باید به چند نکته اساسی اشاره کرد. اگر بخواهیم از این رخداد تصویر بزرگ‌تر بسازیم، باید از اینجا شروع کنیم که قدرت واقعی در میدان، با تکرارپذیری سنجیده می‌شود. چهار بار شکار پهپادهای آمریکا، توانمندی ایران را به رخ طرف مقابل می‌کشاند. اینکه یک پرنده متجاوز، در حریم دریایی، هم هدف آتش پدافند قرار بگیرد، هم با جنگ الکترونیک از مسیر منحرف شود و هم در نهایت، سالم و نه سقوط کرده، روی زمین بنشیند، نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی ایران در تنگه هرمز، کنترل لایه‌های مختلف نبرد را در دست دارد و این همان چیزی است که در ادبیات نظامی «ابتکار عمل» نامیده می‌شود.

نکته مهم‌تر، نوع این قدرت است. ایران (ارتش و سپاه) این توانمندی را با ابزارهایی به دست آورده که هزینه‌شان کسری از هزینه سامانه‌های طرف مقابل است؛ اینجا همان جایی است که بازدارندگی به خوبی نمایان می‌شود. وقتی یک پرنده چندمیلیون دلاری، با یک اقدام الکترونیکی کم‌هزینه از کار می‌افتد، معادله به زیان دشمن متجاوز رقم می‌خورد. در واقع ایران در حال تحمیل نوعی «مالیات عملیاتی» به آمریکاست. به عبارت دیگر مزیت فناوری برتر که ستون بازدارندگی واشنگتن است از سوی دلاورمردان نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، در حال بی‌اثر شدن است و این پیام را نباید دست‌کم گرفت؛ سبزپوشان سپاه انقلابی که در فهرست تحریم‌های آمریکا و اروپایی‌ها قرار گرفته‌اند، در حال به چالش کشیدن ارتشی هستند که سلاح و تکنولوژی‌های پیشرفته را در اختیار دارد. در همین جا باید یادی از رهبر شهید ایران کنیم. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (ره) ۲۸ بهمن ۱۴۰۴ در دیدار پرشور هزاران نفر از مردم تبریز و آذربایجان شرقی در خصوص تهدید و اقدام دیگر آمریکایی‌ها یعنی اعزام ناو جنگی به سمت ایران، گفتند: ناو البته دستگاه خطرناکی است اما خطرناک‌تر از آن، سلاحی است که می‌تواند ناو را به قعر دریا بفرستد.



حجت‌الاسلام محسنی‌اژه‌ای، رئیس دستگاه قضا:

باید از هر اقدامی که موجب ناامیدی مردم شود پرهیز کنیم

سفر پرحاشیه رئیس موساد به آمریکا

دلال جنگ

سفر رومن گوفمن، رئیس موساد به واشنگتن، در میانه افزایش فشارهای بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم کودک‌کش صهیونیستی برای از سرگیری جنگ علیه ایران، بیش از یک دیدار معمول امنیتی ارزیابی می‌شود؛ تلاشی برای جلب حمایت آمریکا از گزینه نظامی.



گزارش‌ها حاکی است که رئیس موساد در دیدار با مقام‌های ارشد آمریکایی، از جمله رئیس سیا و فرستاده کاخ سفید، برای هموار کردن مسیر اقدام نظامی علیه ایران رایزنی کرده است. سفر گوفمن به آمریکا نشان می‌دهد تل‌آویو می‌کوشد پیش از هر تصمیمی، واشنگتن را با محاسبات خود همراه کند؛ آن هم در شرایطی که درباره ضرورت و پیامدهای جنگ، اختلاف‌هایی در داخل ساختار نظامی اسرائیل وجود دارد. به روایت منابع نزدیک به محافل امنیتی اسرائیل، ماموریت اصلی گوفمن در واشنگتن اقناع مقام‌های آمریکایی برای تسریع در آغاز جنگ بوده است.

بقای سیاسی نتانیاهو به جنگ وابسته است

طی روزها و هفته‌های اخیر رسانه‌های مختلف از جمله رسانه‌های عبری‌زبان و همچنین رسانه‌های منطقه گزارش داده‌اند که بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم کودک‌کش صهیونیستی برای از سرگیری جنگ علیه ایران به طور فزاینده‌ای بر دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا، فشار وارد می‌کند. همچنین گزارش شده که کابینه امنیتی اسرائیل به ارتش دستور داده تا آمادگی‌ها برای یک حمله احتمالی به ایران را افزایش دهد، حتی بدون اینکه از اوایل اکتبر جلسه‌ای برگزار کرده باشد. این اقدامات در حالی انجام می‌شود که گادی آیزنکوت، مسئول تشکیل دولت در اراضی اشغالی و رقیب نتانیاهو، شرایط کنونی را مستلزم اقدام نظامی فوری نمی‌داند.

اما اواخر هفته گذشته در اقدامی که به نظر می‌رسد در راستای همین فشارها انجام شده، رومن گوفمن، رئیس موساد، سفری به واشنگتن داشت تا با مقامات ارشد آمریکایی از جمله رئیس سیا و فرستاده کاخ سفید درباره جنگ علیه ایران گفت‌وگو کند. این سفر نشان‌دهنده تلاش دیپلماتیک و امنیتی در بالاترین سطح برای هموار کردن مسیر یک تجاوز دیگر و اقدام نظامی است.

بسیاری از منابع خبری نزدیک به ساختار امنیتی رژیم صهیونیستی در این رابطه اعلام کردند که هدف اصلی گوفمن در سفر به آمریکا، رایزنی با مقامات ارشد سیاسی و نظامی این کشور به منظور اقناع در جهت آغاز هرچه زودتر جنگ علیه ایران است.

با این حال، گزارش‌ها حاکی از اختلاف نظر جدی میان نتانیاهو و رئیس ستاد کل ارتش، ایال زامیر، بر سر حمله به ایران است. زامیر ظاهرا با عملیاتی که می‌تواند منجر به یک رویارویی گسترده شود مخالفت کرده و هشدار داده است. این مقاومت در داخل ارتش، خود نشانه‌ای از این است که تصمیم‌گیری برای جنگ با انگیزه‌های سیاسی، حتی درون نهاد نظامی نیز با چالش مواجه شده است. نتانیاهو در روزهای اخیر آشکارا خواستار تشکیل یک دولت وحدت ملی با حضور بنی گانتز شده است. تحلیلگران معتقدند که او امیدوار است با ایجاد یک بحران امنیتی، فضای سیاسی را به سمتی ببرد که تشکیل چنین دولتی - با محوریت خودش - به عنوان یک ضرورت ملی جلوه کند و بدین ترتیب مانع نخست‌وزیری آیزنکوت شود. از منظر تحلیلگران، محاسبه نتانیاهو عمدتا سیاسی است، نه نظامی. یگائیل لوی، استاد روابط مدنی و نظامی، معتقد است که نتانیاهو از خود جنگ انتظار دستاورد ماهوی ندارد، بلکه می‌خواهد نیاز درک‌شده به یک دولت فراگیر را افزایش دهد، خود را دوباره به عنوان تنها رهبری که قادر به مقابله با تهدیدهاست معرفی کند و احزاب عرب را در صورتی که تصمیم به جنگ را محکوم کنند، در گوشه قرار دهد.

جلسه کابینه امنیتی رژیم صهیونیستی درباره ایران

روز یک‌شنبه نیز رسانه‌های رژیم صهیونیستی از برگزاری نشست ویژه کابینه امنیتی رژیم صهیونیستی درباره ایران خبر دادند. همزمان شبکه ۱۲ تلویزیون رژیم صهیونیستی به نقل از منابع آگاه صهیونیستی مدعی شد: ارزیابی کلی ساختار دفاعی اسرائیل این است که ایران در حال تقویت توانمندی‌های خود است، اما هنوز به خطوط قرمز تعریف شده از سوی اسرائیل نزدیک نشده است. اداره اطلاعات نظامی ارتش اسرائیل موسوم به امان با این ارزیابی مخالف است و از اقدام نظامی علیه ایران حمایت می‌کند. این شبکه به نقل از منابع آگاه گزارش داد: دولت دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا، تلاش طرف‌های اسرائیلی برای ارائه اطلاعات غیرقابل اعتماد به واشنگتن را تحمل نخواهد کرد.

این گزارش همزمان با سفر رومن گوفمن، رئیس سازمان موساد به واشنگتن در اواخر هفته گذشته منتشر شده است. این سفر بخشی از تلاش‌های بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی برای متقاعد کردن ترامپ به از سرگیری درگیری‌ها در خاورمیانه توصیف شد. گوفمن در این سفر با جان راتکلیف، رئیس سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا موسوم به سیا، دیدار کرد و سپس برای ملاقات با استیو ویتکاف، فرستاده ویژه آمریکا در امور خاورمیانه، راهی میامی شد.

گسترش تنش در موساد در خصوص برنامه ایران و غزه

اما اقدامات گوفمن در راس مدیریت موساد، از جمله سفرش به آمریکا برای تحریک دولت ترامپ جهت تجاوز مجدد به ایران، با انتقادات بسیاری همراه شده است. بسیاری در داخل رژیم صهیونیستی، گوفمن را یک فرد ناشی و ناکارآمد و بله قربان‌گوی نتانیاهو می‌دانند که هیچ شناختی از زوایا و ابعاد کار سرویس جاسوسی موساد ندارد.

مخالفان گوفمن معتقدند او با تصفیه نیروهای باسابقه، تصمیم‌های غیرحرفه‌ای، سیاسی‌سازی موساد و اتکا به افراد بیرونی، سرمایه انسانی و اعتبار عملیاتی این سازمان را فرسوده کرده و موساد را به سمت زوال نهادی سوق می‌دهد.

شبکه ۱۲ تلویزیون رژیم صهیونیستی گزارش داد که مقامات ارشد پیشین موساد از تغییرات گسترده در این سرویس جاسوسی از زمان انتصاب رومن گوفمن به ریاست آن از حدود ۶ ماه پیش تاکنون ابراز نگرانی کرده‌اند.

بر اساس این گزارش، فهرست افرادی که از موساد کناره‌گیری کرده یا برکنار شده‌اند، شامل معاون رئیس موساد، رئیس بخش اطلاعات، رئیس بخش ایران، رئیس بخش عملیات و همچنین دو رئیس دیگر بخش‌هاست که گفته می‌شود خود را برای ترک این سازمان آماده می‌کنند. گوفمن برخی از این افراد را با افسران دیگر و همچنین چهره‌هایی خارج از ساختار موساد، از جمله بازرگانان، مشاوران راهبردی و دانشگاهیان جایگزین کرده است. منتقدان این اقدام را تضعیف تجربه انباشته شده اطلاعاتی در این سرویس جاسوسی توصیف کرده‌اند. موضوع اخراج داوطلبانه ساکنان غزه نیز جنجال شدیدی در داخل موساد برانگیخته است. گفته می‌شود گوفمن پروژه‌ای را که هدف آن یافتن کشورهایی برای پذیرش ساکنان غزه است، دوباره فعال کرده؛ پروژه‌ای که پیشتر هنگام طرح آن با مخالفت گسترده روسای بخش‌های مختلف روبه‌رو شده بود. مقام‌های پیشین موساد اشاره کرده‌اند که دخالت دادن این سازمان در پرونده‌ای سیاسی با چنین حساسیتی، آن را از نقش سنتی اطلاعاتی‌اش خارج می‌کند. در مقابل، موساد در دفاع از این پروژه اعلام کرده است که هدایت آن بر عهده شورای امنیت ملی است و اجرای آن از دوره ریاست رئیس پیشین موساد آغاز شده بود. این گزارش همچنین ادعاهایی را درباره مشارکت مشاوران و بازرگانان خارج از سازمان در نشست‌های مجمع مقام‌های ارشد موساد مطرح کرده است؛ اقدامی که منتقدان، آن را سابقه‌ای خطرناک در زمینه دسترسی افراد بیرونی به اطلاعات و اسرار بسیار حساس دانسته‌اند. در مقابل، موساد اعلام کرد که مشاوران، در صورت لزوم، مجوزهای امنیتی لازم را دریافت کرده‌اند و مشارکت آنها نیز صرفا به بحث‌های مشخص و متناسب با تخصص‌شان محدود بوده است. این سازمان همچنین گزارش شبکه ۱۲ را جانبدارانه و گمراه‌کننده خواند.

بخش دیگری از این گزارش به اختلاف نظر درباره طرحی می‌پردازد که گفته می‌شود گوفمن برای سرنگونی نظام ایران از طریق کردها پیگیری کرده است. مقام‌های پیشین این طرح را غیرواقع‌بینانه توصیف کرده و گفته‌اند که طرح مذکور پیش از آغاز اجرا لغو شده است. موساد در واکنش به گزارش شبکه ۱۲ مدعی شده است که تغییر مقام‌های ارشد، بخشی طبیعی از روند انتقال هر سازمان به مدیریت جدید است و این گزارش با کنار هم قرار دادن موضوعات نامرتبط، درصدد ایجاد بحرانی ساختگی است.

دموکرات‌ها پرونده فساد رئیس جمهور آمریکا را گشودند

رد پای دلارهای عربی در خانه ترامپ

کنگره آمریکا در آستانه یک موج بازرسی گسترده است. هدف از این موج بازرسی‌ها ردیابی رد پای پول‌های اعراب حاشیه خلیج فارس در لایه‌های قدرت دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا است. ابزار کار کنگره نشینان نیز تهدید اعراب به قطع زنجیره تامین تجهیزات نظامی و امنیتی در صورت عدم همکاری است.

روزنامه واشنگتن پست اخیرا گزارش داده که کشورهای عربی حوزه خلیج فارس با نگرانی در انتظار موجی از تحقیقات درباره اتهامات فساد مرتبط با دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا، دولت وی و خانواده‌اش هستند. این تحقیقات قرار است از سوی دموکرات‌هایی آغاز شود که در انتخابات میان دوره‌ای اخیر کنترل مجلس نمایندگان و سنا را به دست گرفتند و وعده داده‌اند تمام مسیرهای مالی مرتبط با این پرونده‌ها را دنبال کنند.

بر اساس این گزارش دموکرات‌ها به کشورهای عربستان، امارات و قطر درباره تحقیقات پیش‌رو هشدار داده‌اند. پیش‌بینی می‌شود این تحقیقات در خصوص معاملات املاک، سرمایه‌گذاری‌های مالی و دیگر مبادلات از جمله هدیه هواپیمای لوکس ۴۰۰ میلیون دلاری قطر به ترامپ انجام شود.

همچنین تاکید شده که قانونگذاران دموکرات به کشورهای مذکور هشدار داده‌اند که عدم همکاری با تحقیقات پیش‌رو می‌تواند روابط آنها با واشنگتن را به خطر بیندازد. منابع آگاه اعلام کردند که احتمال نمی‌دهند مقامات کشورهای عربی اطلاعات لازم را در اختیار دموکرات‌ها قرار دهند و در این خصوص همکاری کنند.

در این گزارش آمده است که سهم یک نهاد اماراتی در یک شرکت فعال در حوزه رمزارز که مورد حمایت خانواده ترامپ است، یکی از مهم‌ترین محورهای تحقیقات خواهد بود.

یک نهاد مرتبط با شیخ طحنون بن‌زاید آل‌نهیان از اعضای ارشد خاندان حاکم امارات سهمی به ارزش ۵۰۰ میلیون دلار در شرکت رمزارزی ورلد لیبرتی فایننشال خریداری کرد. این شرکت را سه پسر ترامپ و زاک ویتکاف پسر استیو ویتکاف، فرستاده ارشد دولت ترامپ تاسیس کرده‌اند. الیزابت وارن، سناتور دموکرات ایالت ماساچوست در آن زمان این معامله را فساد آشکار توصیف کرد.

عربستان سعودی نیز در فعالیت‌های تجاری مرتبط با خانواده ترامپ سرمایه‌گذاری کرده است. صندوق سرمایه‌گذاری عمومی این کشور در سال ۲۰۲۱ مبلغ دو میلیارد دلار در شرکت سرمایه‌گذاری خصوصی افینیتی پارتنرز متعلق به جرد کوشنر، داماد ترامپ، سرمایه‌گذاری کرد. پس از پیروزی ترامپ در انتخابات و آغاز دومین دوره ریاست جمهوری وی فعالیت‌های املاک و مستغلات خانواده رئیس جمهور آمریکا در عربستان به شکل چشمگیری گسترش یافت. همچنین توافقی که دولت ترامپ در ماه ژوئیه امضا کرد و بر اساس آن به ریاض اجازه داده شد با استفاده از فناوری آمریکا نیروگاه‌های هسته‌ای بسازد، از دیگر موضوعاتی است که انتظار می‌رود به طور جدی بررسی شود.

جنگ حقوقی دموکرات‌ها با ترامپ فاسد

این خبر فراتر از یک پرونده فساد مالی ساده است؛ این یک جنگ حقوقی و سیاسی یا اصطلاحا Lawfare است که در لایه‌های عمیق ژئوپلیتیک رخ می‌دهد. دموکرات‌ها با استفاده از برگ برنده خود یعنی تامین تسلیحات و امنیت، در حال ایجاد یک حصار حقوقی پیرامون کشورهای خلیج فارس هستند. آنها با پیوند زدن



سرمایه‌گذاری‌های آمریکا در کشورهای حاشیه خلیج فارس به فساد احتمالی در دولت ترامپ، پیامی روشن به ریاض، ابوظبی و دوحه می‌فرستند و آن اینکه همکاری با روش‌های ترامپ، هزینه امنیتی سنگینی برای آینده شما خواهد داشت.

این فشار، دقیقا زمانی اعمال می‌شود که کشورهای خلیج فارس در حال بازتعریف روابط خود با قدرت‌های شرق مانند چین و روسیه و عضویت در ساختارهای جدید جهانی مانند بریکس هستند. واشنگتن و مشخصا دموکرات‌های تازه به قدرت رسیده در کنگره سعی دارد با ایجاد ابهام حقوقی در مورد معاملات املاک و مستغلات و سرمایه‌گذاری‌های اعراب خلیج فارس در آمریکا، مانع افزایش وزن استراتژیک این کشورها در اقتصاد جهانی شوند.

تحقیقات مورد نظر کنگره، در واقع تلاش برای بازسازی روایت رسمی از روابط واشنگتن با خلیج فارس است. دموکرات‌ها می‌خواهند تضمین کنند که تصمیمات سیاست خارجی آمریکا از جمله فروش‌های نظامی تحت تاثیر تراکنش‌های پنهان یا خانواده‌های حاکم بر قدرت در واشنگتن قرار نمی‌گیرد.

عربستان، امارات و قطر در موقعیتی قرار گرفته‌اند که باید میان منافع تجاری و روابط با ترامپ و امنیت استراتژیک با دموکرات‌ها تعادل برقرار کنند. هرگونه خطا در این مسیر، می‌تواند منجر به یک بن‌بست دیپلماتیک و کاهش سطح همکاری‌های نظامی با واشنگتن شود. این یک بازی بقا در میان دو آتش برای دولت‌های حاشیه خلیج فارس است.

افزایش انتقادها از رواج فساد در دولت ترامپ

اما انتقادها از فساد رواج یافته در دولت ترامپ و میان اعضای خانواده او در داخل آمریکا شدت گرفته است. مایک پنس، معاون پیشین رئیس جمهور آمریکا گفته است که مسائل مربوط به اعضای خانواده مقام‌های کابینه و خانواده ترامپ برای مردم آمریکا نگران‌کننده شده است. افزایش یک میلیارد دلاری ثروت اعضای خانواده ترامپ از طریق ارزهای دیجیتال حیرت‌آور است؛ به‌ویژه اینکه بخش بزرگی از منابع آن پیش از مراسم تحلیف از منافع خارجی در جهان عرب تامین شده است. این مسائل حتی حامیان سرسخت ترامپ را نیز نسبت به وعده او برای خشکاندن باتلاق فساد، نگران کرده است.

کاهش بی‌سابقه محبوبیت ترامپ

اما انتشار اخباری از فساد ترامپ و اعضای خانواده‌اش در نزول محبوبیت او در جامعه آمریکا بسیار تاثیرگذار بوده است. نتایج نظرسنجی جدید که پس از انتخابات میان دوره‌ای کنگره آمریکا انجام شده است، نشان می‌دهد که میزان رضایت از عملکرد دونالد ترامپ به عنوان رئیس جمهور، به پایین‌ترین سطح در دوره دوم ریاست جمهوری وی رسیده است.

نشریه هیل در این رابطه نوشت: این نظرسنجی نشان می‌دهد که پس از شکست گسترده حزب جمهوری‌خواه در انتخابات میان دوره‌ای کنگره، نشانه چندانی از بهبود محبوبیت ترامپ مشاهده نمی‌شود و علت اصلی این امر انتشار اخباری از ناحیه دموکرات‌ها مبنی بر فساد سازمان‌یافته ترامپ و اعضای خانواده‌اش است.

براساس نظرسنجی جدید اکونومیست - یوگاو، ۶۳ درصد شرکت‌کنندگان در این نظرسنجی اعلام کردند که از عملکرد ترامپ به عنوان رئیس جمهوری ناراضی هستند. از این میان، ۵۲ درصد به شدت با عملکرد او مخالف هستند و تنها ۳۲ درصد رضایت خود را اعلام کرده‌اند. این نظرسنجی درباره مسائل مختلفی از جمله سیاست خارجی و اقتصاد، نقاط ضعف رئیس جمهور آمریکا را نشان داد. ۶۱ درصد از پاسخ‌دهندگان، از سیاست خارجی ترامپ ابراز نارضایتی کردند و ۶۷ درصد نیز گفتند که از نحوه مدیریت اقتصادی او ناراضی هستند؛ موضوعی که در این نظرسنجی بدترین ارزیابی را به خود اختصاص داده است.

هیل نوشت؛ چندین چهره حزب جمهوری‌خواه، از جمله جی دی ونس، معاون رئیس جمهور آمریکا، پس از انتخابات کنگره، جنگ با ایران را عامل شکست جمهوری‌خواهان در انتخابات میان دوره‌ای کنگره معرفی کردند. در نظرسنجی اکونومیست - یوگاو، ۶۳ درصد پاسخ‌دهندگان گفتند که خواهان پایان فوری جنگ هستند؛ موضوعی که دموکرات‌ها و حتی برخی جمهوری‌خواهان در جریان کارزارهای انتخاباتی خود بر آن تاکید کرده بودند. هیل افزود: جنگ با ایران، موجب افزایش شدید قیمت بنزین و گازوئیل شده و به تداوم تورم شدید دامن زده است. به نوشته این رسانه، افزایش قیمت‌ها همچنین بدبینی آمریکایی‌ها را نسبت به وضعیت اقتصاد و چشم‌انداز آینده آن تشدید کرده است.

در این نظرسنجی، اکثریت پاسخ‌دهندگان، یعنی ۵۵ درصد، گفتند که وضعیت اقتصاد رو به وخامت است، در حالی که فقط ۱۳ درصد معتقد بودند که شرایط اقتصادی در حال بهبود است. همچنین ۷۴ درصد وضعیت اقتصاد را متوسط یا ضعیف ارزیابی کردند. همچنین اکثریت شرکت‌کنندگان در این نظرسنجی اظهار داشتند که هزینه بنزین، مواد غذایی و مسکن همگی به میزان زیادی افزایش یافته است. هیچ‌یک از پاسخ‌دهندگان اعلام نکرد که هزینه بنزین و مواد غذایی کاهش یافته است؛ این در حالی است که ترامپ در کارزار انتخاباتی سال ۲۰۲۴ خود وعده داده بود که قیمت‌ها را بلافاصله کاهش خواهد داد.

رای‌دهندگان، در زمینه مسائل دیگری نیز ارزیابی نامطلوبی از عملکرد ترامپ ارائه دادند. این موارد شامل تلاش‌های او برای تغییر چهره واشنگتن از طریق ساخت بناهای یادبود جدید و بازسازی آثار تاریخی بود. نتایج این نظرسنجی همچنین حکایت از آن داشت که به زعم ۵۰ درصد از شرکت‌کنندگان کنگره نباید اجازه ادامه ساخت سالن رقص کاخ سفید را بدهد و ۵۷ درصد نیز با طرح پیشنهادی رئیس جمهور برای ساخت یک طاق نصرت در نزدیکی گورستان ملی آرلینگتون مخالفت کردند.

علاوه بر این، در شرایطی که فساد در هفته‌های پایانی کارزار انتخاباتی نامزدهای کنگره به یکی از موضوعات اصلی مورد توجه رای‌دهندگان تبدیل شده بود، ۶۰ درصد شرکت‌کنندگان در نظرسنجی اخیر گفتند که معتقدند ترامپ از مقام ریاست‌جمهوری‌اش برای منافع شخصی خود استفاده کرده است. در مجموع، ۸۲ درصد نیز بر این باور بوده‌اند که بیشتر یا بسیاری از افرادی که اداره دولت را بر عهده دارند، فاسد هستند.

رژیم بحرین، آیت‌الله عیسی قاسم را به حبس ابد محکوم کرد

خوش رقصی آل خلیفه برای صهیونیست‌ها



رژیم آل خلیفه، برای رهبر شیعیان بحرین و چند تن دیگر از علمای شیعه این کشور حکم حبس ابد صادر کرد. صفحه رسمی حزب الوفاق بحرین در شبکه ایکس، گزارش داد که دادگاه منامه در حکمی غیابی، آیت‌الله عیسی قاسم و چندین شخصیت شیعه دیگر بحرین را به حبس ابد محکوم کرد.

رژیم آل خلیفه همچنین، شیخ علی الصددی، شیخ محمد صنقور، شیخ علی رحمه، شیخ محمود العالی، شیخ مجید المشعل، شیخ صادق المالکی، شیخ طالب محمد، شیخ محمد هادی الغریفی، شیخ موسی الوداعی، شیخ احمد الغریفی، شیخ فاضل الزاکی، شیخ یاسین الموسوی، شیخ حسین الکرانی، شیخ هانی البنا، شیخ ایوب البحرانی، شیخ باقر الحواج، شیخ جاسم الخیاط، شیخ جاسم المومن، شیخ جعفر عاشور، شیخ جمیل العالی، شیخ حامد عاشور، شیخ حسن علی الصیبعی، شیخ حسن القصاب، شیخ حسین المحروس، شیخ رائد الستری و شیخ رضی القفاص را که همگی شخصیت‌های برجسته شیعه بحرین هستند، به حبس ابد محکوم کرد.

این اقدام رژیم آل خلیفه در حالی است که مخالفان دولت بحرین در بیانیه‌ای ضمن درخواست توقف محاکمه و آزادی فوری علمای برجسته شیعه، تاکید کردند هر حکمی که در محکومیت آنها صادر شود، بی‌اعتبار و باطل خواهد بود. اپوزیسیون بحرین ضمن هشدار نسبت به پیامدهای این رویکرد برای همدلی ملی در بحرین، مقامات را به سوءاستفاده از شرایط حساس منطقه برای ادامه محاکمه علما و تشدید رویارویی با شیعیان، متهم کردند. آنها محاکمه تعداد زیادی از علمای شیعی، اصرار بر محکومیت آنها با اتهامات ساختگی و پرونده‌های مخرب را اقدامی آشکار و توهین‌آمیز علیه شیعیان، اعتقادات و نمادهای آن دانستند که آزادی‌خواهان دنیا آن را برنمی‌تابند. اپوزیسیون بحرین هشدار داد: این اقدامات، درگیری سیاسی حاکمان بحرین و مخالفان را پیچیده‌تر می‌کند و بحران را از یک اختلاف سیاسی با علل و الزامات اساسی خود به یک بحران تمام‌عیار و محاصره ظالمانه همه شیعیان تبدیل خواهد کرد.

بازداشت علما، شراره‌ای علیه انسجام ملی است

مخالفان هشدار دادند که محکوم کردن هر یک از علمای بازداشت‌شده، شراره‌ای خواهد بود که انسجام ملی را تهدید و زخمی در کالبد وطن ایجاد می‌کند که قابل التیام نیست. اپوزیسیون بحرین ضمن مسئول دانستن حاکمان بحرین و اقدامات مستبدانه و سرکوبگرانه آنها، خواستار پایان دوره سرکوب و اختناق آل خلیفه شد. مخالفان دولت بحرین از آحاد مردم این کشور خواست که تحولات را رصد کنند و آماده حرکت در مسیر دفاع از علما و شیعیان ستمدیده مطابق با مسئولیت دینی، ملی و اخلاقی و نیز پایبندی به رهنمودهای آیت‌الله شیخ عیسی احمد قاسم شوند. در پایان این بیانیه، بر ضرورت آزادی بازداشت‌شدگان بی‌گناه تاکید شده است.

مزدوران سعودی تارومار شدند

سیطره کامل انصارالله بر باب‌المندب



در حالی که نیروهای مسلح یمن اعلام کرده بودند قصد ورود به عدن را ندارند، اما همه مزدوران در گروه‌های سلفی وابسته به عربستان، از مواضع خود در جبهه‌های جنوبی تنگه باب‌المندب عقب‌نشینی کرده و در شمال عدن مستقر شدند.

منابع میدانی گزارش دادند که مزدوران سعودی نگران احتمال پیشروی نیروهای صنعا به سمت عدن هستند؛ به ویژه بعد از آنکه این نیروها موفق شدند کنترل تمام مناطق مشرف به جاده ساحلی متصل‌کننده عدن و باب‌المندب را به دست بگیرند و به آن رسیدند.

دو روز قبل، نیروهای یمنی اردوگاه استراتژیک الخرز را که در یک و نیم کیلومتری جاده ساحلی در مناطق المضاربه و راس العاره و مستقیما در شمال عدن تا منطقه خورعمیره واقع شده است، تصرف کردند. بعد از آن رسانه‌های نظامی صنعا تصاویری از بیرون راندن مزدوران وابسته به عربستان از رأس العاره و المضاربه منتشر و تاکید کردند که رزمندگان یمنی، این مناطق را که از جنوب باب‌المندب تا خورعمیره امتداد دارد، امن کرده‌اند.

هرچند که نیروهای یمنی در هفته‌های اخیر کنترل تقریبا ۱۵ منطقه در حومه جنوبی تعزو غرب استان لحج، منطقه‌ای بالغ بر ۱۵۰۰۰ کیلومتر مربع را به دست گرفته‌اند و بدین ترتیب توانسته‌اند تنگه را امن کنند و هرگونه آسیب‌پذیری امنیتی یا جغرافیایی را که می‌تواند برای اختلال در ترافیک دریایی مورد سوءاستفاده قرار گیرد، از بین ببرند، اما انتظار می‌رود نتایج درگیری‌های اخیر، این خط دفاعی را در اطراف باب‌المندب از شرق بیشتر تقویت کند. در این زمینه یک منبع نظامی یمنی به خبرگزاری سبا اعلام کرد که نیروهای صنعا بزرگ‌ترین مانور خود را در استان‌های تعز و لحج انجام دادند که بیش از ۶۰ کیلومتر از کوه‌های کهبوب در غرب تا المقاطره در شرق، به سمت المضاربه امتداد دارد. این منبع تاکید کرد که نیروهای صنعا به شدت با مزدوران سعودی درگیر شده و این مزدوران را مجبور به عقب‌نشینی از فرودگاه ذوباب، حومه کهبوب، اطراف باب‌المندب و السقیا کردند. منبع مذکور افزود که عقب‌نشینی‌ها در کل نوار ساحلی، از جبهه‌های باب‌المندب و المضاربه تا فراتر از خورعمیره و کوه‌های خرز در لحج امتداد یافته است و تمام مناطقی که عمق استراتژیک حیاتی برای تنگه باب‌المندب را تشکیل می‌دهند، اکنون تحت کنترل نیروهای صنعا هستند.

در همین حال، دولت مزدور مستقر در عدن اذعان کرد که نیروهای آن که در جنوب باب‌المندب و حومه کهبوب مستقر شده بودند، از مواضع خود عقب‌نشینی کرده‌اند. منابع میدانی گزارش دادند که اسیر شدن صدها تن از مزدوران سعودی توسط نیروهای یمنی و همچنین تلفات سنگین به مزدوران در اردوگاه خرز، همه آنها را بر آن داشت تا دستورات عربستان مبنی بر حفظ مواضع خود را رد کرده و از خطوط مقدم فرار کنند.



گلعلی بابایی، نویسنده:
نویسنده امروز رزمنده خاکریز جنگ روایت‌هاست

انتشار فراخوان ارسال مقاله با موضوع «مد، لباس و فرهنگ نوجوانان»

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات با انتشار فراخوانی، از پژوهشگران، استادان دانشگاه و علاقه‌مندان دعوت کرد مقالات علمی خود را با موضوع «مد، لباس و فرهنگ نوجوانان» برای انتشار در پژوهشنامه فرهنگی و اجتماعی کودک و نوجوان ارسال کنند. این فراخوان با هدف توسعه پژوهش‌های علمی و بومی در حوزه مد و پوشاک نوجوانان و بررسی ابعاد فرهنگی، اجتماعی و هویتی این موضوع منتشر شده است. در متن این فراخوان تاکید شده است که مد و لباس در زندگی نوجوانان تنها به جنبه‌های مصرفی و زیبایی‌شناختی محدود نمی‌شود، بلکه بستری برای شکل‌گیری هویت، مواجهه با هنجارهای جنسیتی و فرهنگی، ابراز عاملیت فردی و تعامل با رسانه‌ها و جهان پیرامون به شمار می‌رود. با وجود اهمیت روزافزون این موضوع در عصر رسانه‌های دیجیتال، پژوهش‌های عمیق و بومی در این زمینه همچنان محدود است.

براساس این فراخوان، محورهای مورد توجه شامل نقش رسانه‌های دیجیتال و اینفلوئنسرها در بازنمایی مد، تاثیر خانواده و طبقه اجتماعی بر گرایش نوجوانان به پوشاک، رابطه مد با هویت و جنسیت، تصویر بدن و فشارهای اجتماعی، مصرف نمادین پوشاک و برندگرایی، طراحی مشارکتی لباس با محوریت عاملیت نوجوانان و همچنین مد پایدار و اخلاق مصرف است. همچنین بررسی تاریخ پوشاک نوجوانان در ایران، بازخوانی میراث فرهنگی در طراحی بومی، تعامل مد جهانی با هنجارهای دینی و فرهنگی، بازنمایی پوشش نوجوانان در رسانه‌ها و کتاب‌های آموزشی و بررسی سیاست‌گذاری فرهنگی در این حوزه از دیگر محورهای این فراخوان به شمار می‌روند.

پژوهشگران و علاقه‌مندان می‌توانند مقالات علمی خود را از طریق سامانه پژوهشنامه فرهنگی و اجتماعی کودک و نوجوان به نشانی زیر ارسال کنند:
https://cssca.ricac.ac.ir/contacts?_action=loginForm
همچنین برای کسب اطلاعات بیشتر، امکان تماس با شماره ۸۸۹۰۲۲۱۳، داخلی ۴۰۲ و ارسال پیام در پیام‌رسان بله به شناسه rmehri۱۱۰@ فراهم است. این فراخوان از سوی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات و با هدف گسترش مطالعات علمی در زمینه مد، پوشاک و فرهنگ نوجوانان منتشر شده است.

دو انتصاب جدید در جشنواره تئاتر فجر

ایوب آقاخانی، دبیر چهل‌وپنجمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر با پیشنهاد امین رهبر، مدیر بخش «دیگرگونه‌های اجرایی» این دوره از جشنواره مذکور و در احکامی جداگانه، سیاوش قائدی را به عنوان مسئول قسمت «رویکرد تجربی» و علی بهرامی را به عنوان مسئول قسمت «نمایش و رسانه» [از بخش دیگرگونه‌های اجرایی] منصوب کرد. سیاوش قائدی، متولد ۱۳۶۶ یزد؛ کارگردان، پژوهشگر و استاد دانشگاه، کارشناس بازیگری و کارشناس ارشد کارگردانی تئاتر است و در زمینه کارگردانی، بازیگری، پژوهش و نقد و تدریس تئاتر فعالیت دارد. او علاوه بر کسب جوایز و عناوین مختلف، در برپایی جشنواره اردیبهشت و جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر همکاری داشته و دبیری جشنواره بین‌المللی تئاتر دانشگاهی را در کارنامه دارد. علی بهرامی متولد ۱۳۶۹ تهران؛ نویسنده، کارگردان، تهیه‌کننده، بازیگر، مدرس دانشگاه، دارای مدرک کارشناسی ارشد تهیه‌کنندگی و سردبیری رادیو و کارشناسی کارگردانی نمایش و در حال تحصیل در مقطع دکترای مدیریت فرهنگی است. در کارنامه او دبیری جشنواره تخصصی رادیو تئاتر موج و جشنواره نقش قلم و عضویت در هیات انتخاب و مدیریت اجرایی بخش رادیو تئاتر جشنواره فجر و مدیریت بخش رادیو تئاتر جشنواره‌های متعدد از جمله جشنواره تئاتر مقاومت، جشنواره بین‌المللی تئاتر دانشگاهی ایران و جشنواره نمایش‌های آئینی و سنتی به چشم می‌خورد. او در برخی جشنواره‌ها در مقام کارگردان به عنوان منتخب معرفی شده است. چهل‌وپنجمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر با دبیری ایوب آقاخانی بهمنماه ۱۴۰۵ برگزار می‌شود.

جهان، میراث زنده سردار را روایت می‌کند
قاسم، زنده‌تر از همیشه

این روزها که برخی نخبگان در تحلیل‌های‌شان دچار خطا شده‌اند و از «رفتن قاسم» سخن می‌گویند، باید به این فکر کرد که آیا واقعا او رفته است؟ حقیقت این است که حاج قاسم زنده است و شاید از قبل هم زنده‌تر؛ تنها کافی است کمی گیرنده‌های مان را دقیق‌تر تنظیم کنیم. ما عادت کرده ایم «حضور» را صرفا در کالبد فیزیکی جست‌وجو کنیم، غافل از آنکه او امروز در ابعادی به مراتب گسترده‌تر از قبل، در حال تکثیر است. به تازگی کتاب «تو را وطن دیدم» (از انتشارات راه یار) را خواندم که این حقیقت را به شکل عینی به تصویر کشیده است؛ تجربه‌ای گیرا که روایتگر حال و هوای انسان هایی از گوشه و کنار جهان در روز سیزدهم دی ۹۸ است. این اثر با جمع‌آوری روایت‌های ۲۶ نفر از ۱۳ کشور جهان (از سیرالئون و نیجریه تا هند، لبنان و کشمیر)، منظره‌ای چندبعدی از اثرگذاری یک شخصیت بر جهان ارائه می‌دهد. این کتاب، مشت نمونه خروار است؛ حکایت دلدادگی آدم‌های آزاده دنیا به انقلاب اسلامی. وقتی می‌خوانیم محمد از سیرالئون در روایتش می‌پرسد: «تلاش می‌کردم تصور کنم جهان اگر نمونه‌های بیشتری از او داشت چگونه بود؟» (ص ۲۳) یا وقتی محمد مهدی از بیروت تاکید می‌کند که «ما برای آزاد کردن قدس هنوز به حاج قاسم اتکا می‌کنیم» (ص ۴۸)، متوجه عمق نفوذ یک مکتب می‌شویم. معصومه از هند نیز به نکته عمیقی اشاره می‌کند: «در کتاب‌های درسی، گاندی قهرمان ملی است اما حاج قاسم یک قهرمان بین‌المللی است که ایران را تبدیل کرده به سقف جهان» (ص ۵۶). ما در میانه این جریان هستیم و شاید به قول آن بانوی پاکستانی، آن‌قدر به این شمع نزدیکیم که «روشنی‌اش» را کمتر می‌بینیم. حاج قاسم همیشه تکرار می‌کرد: «جمهوری اسلامی حرم است و اگر این حرم بماند، دیگر حرم‌ها می‌مانند.» دشمنان امروز نیز دقیقا به همین دلیل استراتژیک بر سر این «حرم» می‌تازند. کتاب «تو را وطن دیدم» گواه زنده‌ای بر این ادعاست. وقتی عبدالمنعم از غزه روایت می‌کند که بعضی مردم فلسطین بعد از شهادت حاج قاسم، نام پسرشان را «قاسم» گذاشتند تا این اسم در نسل‌های بعد همچنان زنده بماند (ص ۱۹۵)، به ما نشان می‌دهد که چرا این «حرم» تا این حد برای آزادی‌خواهان عالم حیاتی است. حاج قاسم در یکی از سخنرانی‌هایش می‌گوید: «ایرانی که در سال‌های ۵۶ و ۵۷ به آن طرف را فقط به نفتش می‌شناختند –آن هم کسانی که نفت ایران را چپاول و غارت می‌کردند– امروز به عنوان قهرمان آزادی‌بخش دنیا در متن تمام مسائل جهان است. امروز سرخ‌پوستان آمریکا، سیاه‌پوستان قاره آفریقا و آمریکا و مبارزین و محرومین لبنان، افغانستان، اریتره، پاکستان و هندوستان؛ حتی هندوها، همه آن مستضعفین زمانی که اسم ایران را می‌برند، ایران را به نام اسلام و به نام امام خمینی می‌شناسند.» این کتاب گواه همین سخن حاجی است. امروز «مکتب حاج قاسم» پرچم افراشته انقلاب اسلامی است و با این نفوذی که در جهان دارد، نورش خاموش نمی‌شود؛ چرا که به تعبیر رهبر عزیزمان، مکتب سلیمانی همان مکتب امام خمینی (ره) است. ما «ماهیان در آب» هستیم؛ قدر این اقیانوس را نمی‌دانیم و گاهی ضرورت این یادآوری‌ها را فراموش می‌کنیم. شناخت این حقیقت، مسئولیت سنگینی بر دوش ما می‌گذارد. اگر امروز فکر می‌کنیم قاسم زنده نیست، تنها به این دلیل است که دقیق نگاه نمی‌کنیم. او در نگاه مردمانی که فرسنگ‌ها دورتر از این خاک، به نام او امید به آزادی دارند، زنده و جاری است.

لایه‌های پنهان زیست‌بوم فرهنگی و اجتماعی مقاومت لبنان (۴)
سمفونی مقاومت



مرضیه کیان، خبرنگار گروه فرهنگ: موسیقی در تاریخ جریان‌های اسلام‌گرا همواره بر لبه تیغ حرکت کرده است؛ ابزاری که دهه‌ها در محاق فتاوای سنتی تحریم یا محدود به مارش‌های نظامی خشک، طبل‌های بدوی و مداحی‌های درون‌مذهبی ماند. اما در بیروت، در قلب یکی از پیچیده‌ترین و موزیکال‌ترین پایتخت‌های خاورمیانه، حزب‌الله لبنان دست به رادیکال‌ترین چرخش زیباشناختی زد. مقاومت با تکیه بر سازماندهی گروه‌هایی چون «فرقه نصر» (گروه نصر) و «فرقه الولایه» (گروه ولایت) و در پیوند با تنظیم‌کنندگان کلاسیک و ارکسترهای سمفونیک، موسیقی را از پستوی انجماد مذهبی بیرون کشید و به پیشرفته‌ترین سلاح فرهنگی تبدیل کرد. از ملودی‌های ارکسترال چندصدایی با اجرای سازهای زهی و بادی، تا هم‌خوانی باشکوه قطعات فراملی نظیر «سلام یا مهدی» با حضور صدها هزار کودک و نوجوان. این گزارش روایتی است از رمزگشایی یک انقلاب فرمی؛ جایی که حزب‌الله نغمه و هارمونی را به زبان مشترک همه طوایف لبنان بدل کرد.

برای درک شگفتی موسیقی مقاومت در لبنان، باید یک صحنه متناقض را به یاد آورد؛ در سال‌هایی که خاورمیانه زیر چکمه‌های نظامیان و پژواک شعارهای خشک سلفی می‌سوخت و تفکرات رادیکال در موصل و رقه هر سیم سازی را به اتهام ارتداد می‌بریدند، در سالن «رسالات» یا استودیوهای پیشرفته ضاحیه بیروت، رهبر ارکستر با چوب دستی‌اش میزان یک قطعه سمفونیک چهارصدایی را تنظیم می‌کرد. ویولن‌ها در گام مینور می‌نواختند، هورن‌ها و ترومپت‌ها حماسه را در سینه می‌دمیدند و ده‌ها جوان خوش‌پوش با هارمونی دقیق پلی‌فونیک، مرثیه و فتح را در یک راستا می‌خواندند.

موسیقی برای حزب‌الله لبنان، برخلاف بسیاری از جنبش‌های دینی معاصر، یک امر تزئینی یا ابزار اجباری تبلیغات دولتی نیست. جامعه لبنان، مهد فیروز، زیاد الرحبانی، مارسل خلیفه و تاریخ غنی تئاترهای موزیکال بیروت است؛ کشوری که مردمش تفاوت نیم‌پرده‌های موسیقیایی را با گوش می‌شنوند و هر کلام بدون وزن و ریتم مناسب، پیش از رسیدن به جان، در فضا محو می‌شود. سران مقاومت از همان میانه دهه ۸۰ میلادی فهمیدند که اگر بناست کرامت، مقاومت در برابر اشغال و امید زیستن در میان تمام اقشار لبنان؛ از شیعه جنوب تا دروزی کوهستان و ارتدوکس مسیحی طنین بیندازد، زبان این پیام باید والاترین هنر حسی بشر باشد: موسیقی ارکسترال گوش‌نواز.

عبور شجاعانه از فقه انسداد به هنر رهایی

در دهه‌های نخست پس از تاسیس، نواهای حزب‌الله شبیه به نوحه‌های حزن‌انگیز جنگی و اناشید مونوترونیک (تک‌صدایی) فلسطینی بود؛ صداهایی متکی بر اکوهای تند مذهبی و سازهای ضربی صرف، بدون استفاده از سازهای زهی یا ملودیک مدرن. فضای عمومی مذهبی آن دوران، هرگونه ابزار موسیقیایی نوین را با شک و تردید لهو و لعب می‌نگریست. اما نقطه عطف زمانی رخ داد که رویکرد فقهی رهبران مقاومت بر پایه کارکرد و محتوا پی‌ریزی شد، نه فرم خامی که تاریخش را دیگران رقم زده بودند.

مقاومت اسلامی با حمایت مستقیم رهبران فکری و با استفاده از پشتوانه فتاوای فقهی پویا، خط تفکیک روشنی میان موسیقی طرب‌انگیز و گمراه‌کننده و موسیقی حماسی، تعالی بخش و برانگیزاننده ترسیم کرد. این فتوا یک بیانیه اداری نبود؛ مجوزی برای ورود با استعدادترین فرزندان مقاومت به کنسرواتوارهای موسیقی بیروت، دمشق، تهران و حتی پاریس بود. آنها ویولن، ویولنسل، کنترباس، فلوت، عود و ترومپت را نه نشانه‌های انحطاط غربی، بلکه ظرفیت‌های دست‌نخورده خلقت برای انتقال عاطفه و ایثار دانستند. این شهامت فقهی و فرهنگی، سد بلندی را در ذهن بدنه سنتی شکست و فضایی باز کرد تا مؤمنان، بدون احساس گناه، زیباترین ملودی‌ها را برلب جاری سازند.

چریک‌های روی خط حامل

ستون فقرات این دگرگونی، دو گروه سرود افسانه‌ای حزب‌الله بودند: گروه نصر و گروه ولایت. این گروه‌ها برخلاف تصور عمومی، یک گروه هم‌خوانی محلی در حسینیه نبودند، بلکه به سرعت به نهادهای تولید هنری با استانداردهای ضبط بین‌المللی تبدیل شدند.

گروه نصر کار خود را با بازخوانی ترانه‌های حماسی و سرودهای انقلابی دهه ۹۰ میلادی آغاز کرد، اما خیلی زود با جذب مهندسان صدا و آهنگسازان برجسته لبنانی، وارد فاز ارکستراسیون پیچیده شد. آثار این گروه دیگر با چند کیبورد ساده سینت‌سایزر ساخته نمی‌شد؛ آنها به سراغ سازهای زنده رفتند. ترانه‌های ماندگاری مانند «نصرک هز الدنیا» (پیروزی تو جهان را لرزاند) یا ترانه‌های مربوط به پیروزی تاریخی سال ۲۰۰۰ و آزادسازی جنوب لبنان، آثاری بودند که از حیث تنظیم، هارمونی و وکال با بزرگ‌ترین تولیدات موسیقیایی جهان عرب برابری می‌کردند.

گروه ولایت نیز به طور خاص وظیفه ادغام مفاهیم عمیق عرفانی، شهادت‌طلبی و انتظار موعود با موسیقی فاخر را بر عهده گرفت. نغمه‌های آنها، سوز تراژدی کربلا را به خشم مقاومت و امید به نجات گره می‌زد. اعضای این گروه‌ها لباس‌های فرم شکیل و کاملا متفاوتی بر تن می‌کردند؛ وقار تصویری در کنار انضباط حرکتی در اجرای زنده، صحنه‌هایی خلق می‌کرد که برای هر بیننده‌ای، فارغ از گرایش سیاسی، احترام برانگیز بود. آنان روی صحنه‌ها با قدرت و اعتماد به‌نفس می‌ایستادند و نشان می‌دادند که حیا و دیانت، منافاتی با هارمونی چندبخشی آوازی (کرال مدرن) ندارد.

جولیا پطرس و حزب‌الله در یک میزان!

شاهکار دیپلماسی موسیقیایی مقاومت لبنان، عبور از مرزهای بسته هویتی و جذب هنرمندان برجسته غیراسلامی بود. هیچ نمادی رساتر از ماجرای سرود حماسی «احبائی» (عزیزان من) در جریان جنگ ۳۳ روزه سال ۲۰۰۶ نیست. هنگامی که شهید سید حسن نصرالله در نامه‌ای سرگشاده و بسیار عاطفی، رزمندگان مقاومت در خطوط مقدم را با واژه «عزیزان من» خطاب قرار داد، این پیام به قلب وجدان جمعی لبنان نفوذ کرد.

در اقدامی بی‌سابقه در جهان عرب، جولیا پطرس، خواننده نامدار، محبوب و مسیحی لبنانی، به همراه برادرش زیاد پطرس (آهنگساز برجسته)، تصمیم گرفتند فرازهایی از نامه رهبر حزب‌الله را تبدیل به یک اثر بزرگ موسیقیایی کنند. ارکستر فیلارمونیک پراگ با ده‌ها نوازنده سازهای کلاسیک غربی، ضبط این اثر را بر عهده گرفت. نتیجه، یکی از شاهکارهای تاریخ معاصر موسیقی عرب شد. این سرود نه تنها در جهان عرب به پرفروش‌ترین قطعه سال بدل گشت و میلیون‌ها دلار برای بازسازی خانه‌های جنگ‌زدگان جنوب جمع‌آوری کرد، بلکه نشان داد گفتمان فرهنگی مقاومت تا چه اندازه ظرفیت دارد که یک متن سیاسی-عقیدتی اسلامی را با صدای یک زن خواننده مسیحی و سازهای ارکستر چک، به یک ترانه ملی فراگیر برای نجات میهن تبدیل کند.

مهندسی هم‌صدایی توده‌ها با پدیده «سلام یا مهدی»

اگر سرودهای ارکسترال نخبه‌گرایانه برای تسخیر سالن‌ها و تالارها بود، بازتولید نسخه لبنانی سرود «سلام یا مهدی» در سال ۲۰۲۲ نشان داد که دستگاه فرهنگی مقاومت تا چه پایه در فرموله کردن هنر همگانی و توده‌ای چیره‌دست است. حزب‌الله نسخه فارسی «سلام فرمانده» را صرفا یک ترجمه لفظی نکرد؛ آن را از مجرای لحن، مقامات موسیقی عربی (مقام بیات و حجاز) و احساسات ویژه جامعه شامات عبور داد. با صدای خواننده لبنانی «علی العطار»، کار تنظیم دوباره‌ای یافت و تبدیل به یک رستاخیز بصری و صوتی شد.

تجمع ده‌ها هزار نفری کودکان و نوجوانان در میدان‌های نبطیه، صور، بعلبک و ضاحیه بیروت، تصویری بی‌نظیر از هم‌آوایی جمعی را ثبت کرد. این نماهنگ‌ها با فیلم‌برداری کرین، هلی‌شات‌های حرفه‌ای، هدایت حرکات هماهنگ دست‌ها و چهره‌های مصمم نسل جدید، به سرعت مرزها را درنوردید. موسیقی در اینجا کارکرد یک چسب اجتماعی را ایفا کرد؛ نسلی که در بحران ویرانگر اقتصادی بیروت دچار سردرگمی هویتی و بی‌هدفی نسل جنگ بود، ناگهان در یک کانون هماهنگ موسیقیایی، معنای وجودی، تعلق خاطر و امید جمعی را تجربه می‌کرد. این سرود نشان داد که حزب‌الله توانایی آن را دارد که استادیوم‌ها را نه با هیجان پوچ، بلکه با شور قدسی و سازماندهی میلیمتری پر کند.

جنگ تصویر با فرم سینمایی

تحول موسیقی مقاومت بدون ارتقای چشمگیر صنعت ویدئوکلیپ ناممکن بود. حزب‌الله تولید نماهنگ‌های موسیقیایی را از سطح چند تصویر آرشیوی با کیفیت پایین جنگی، به سطح پرودا کشن‌های بزرگ سینمایی رساند. حضور کارگردانان آموزش‌دیده، استفاده از دوربین‌های سینمایی پیشرفته، نورپردازی‌های دقیق استودیویی، طراحی صحنه، گریم و بهره‌گیری از جلوه‌های ویژه بصری، آثار موسیقیایی این جریان را به لحاظ بصری غیرقابل رقابت کرد.

در این نماهنگ‌ها، دیگر تنها سلاح و شلیک نشان داده نمی‌شود؛ نماهنگ‌ها روایتگر داستان زندگی هستند: مادرانی که با لبخند بر پیشانی فرزندان‌شان بوسه می‌زنند، روستاییانی که در مزارع زیتون زیر بمباران کار می‌کنند، مهندسانی که در خرابی‌ها پل می‌سازند و کودکانی که بادبادک‌های آزادی را به هوا می‌فرستند. این تلفیق هوشمندانه ملودی‌های پرپیچ‌وخم سمفونیک با تصاویر شاعرانه سینمایی، ذهنیت جهانی را دگرگون کرد و نشان داد که رزمنده لبنانی شیفته مرگ نیست، بلکه به تعبیر دقیق‌تر، عاشق زندگی باکرامت است.

ارتعاشاتی فراتر از مرزها

مقاومت اسلامی در لبنان با پیمودن این مسیر طولانی، بزرگ‌ترین درس فرهنگی را به جهان اسلام داد: «مقاومت بدون فرم هنری والا محکوم به انزواست». اگر حزب‌الله در مرزهای خاکی به پیشرفته‌ترین پهپادها و موشک‌های بازدارنده مجهز است، در مرزهای دل و ذهن نیز سلاحی به همان دقت و ظرافت دارد؛ زبانی که بر نت‌های موسیقی ارکسترال جاری می‌شود و هیچ سامانه راداری یا فیلتر رسانه‌ای قادر به رهگیری آن نیست.

سمفونی مقاومت، مرزهای ایدئولوژیک گذشته را درنوردیده است. امروز، نغمه‌های حماسی این جریان نه فقط در پایگاه‌های نظامی جنوب، بلکه در خودروهای جوانان بیروت، پادکست‌های بین‌المللی و حافظه جمعی نسل‌های ضدامپریالیست جهان طنین‌انداز است. این پیروزی فرهنگی نشان داد که چگونه می‌توان سنت را از انجماد و تحریم رهاند، مدرن‌ترین ادوات صوت و ساز را مسخر پیامی معنوی کرد و زیباترین شعر را بر شاهرگ حیات یک ملت جاری ساخت؛ نوایی که از صخره‌های ملیتا آغاز می‌شود و در گوش تاریخ طنین می‌افکند.

با هدف معرفی بخشی از میراث فرهنگی و اجتماعی ایران
کتاب دوزبانه «زندگی به رسم ایرانی» در وین منتشر شد

با رایزنی فرهنگی ایران در اتریش کتاب دوزبانه زندگی به رسم ایرانی با زیرعنوان «درآمدی بر سنت‌های شناخته‌شده، آیین‌های ماندگار و ارزش‌های زنده در فرهنگ ایرانی» منتشر شد.

این کتاب با هدف معرفی بخشی از میراث فرهنگی و اجتماعی ایران، به ویژه برای خوانندگان آلمانی زبان، به سراغ سنت‌ها و رفتارهای روزمره‌ای رفته است که طی نسل‌ها در زندگی ایرانیان استمرار یافته‌اند و بازتابی از ارزش‌هایی چون مهمان‌نوازی، احترام، فروتنی، همبستگی اجتماعی و پاسداشت کرامت انسانی هستند. «زندگی به رسم ایرانی» نشان می‌دهد که فرهنگ یک ملت تنها در آثار تاریخی، ادبیات و بناهای کهن آن خلاصه نمی‌شود؛ بلکه در رفتارهای ساده و روابط روزمره مردم نیز جریان دارد. از احترام به نان و آب و تقسیم غذا تا مهمان‌نوازی، یاری رساندن به نیازمندان، تکریم والدین و بزرگان، احترام به معلمان و اهل دانش، عیادت از بیماران و همراهی با خانواده‌های داغ‌دیده، همگی جلوه‌هایی از این میراث زنده فرهنگی‌اند.

در بخش‌های مختلف کتاب، نمونه‌های متنوعی از این سنت‌ها معرفی شده است؛ از جمله رسم جمع‌آوری خرده‌های نان و قرار دادن آنها برای پرندگان و حیوانات، ریختن یک کاسه آب پشت سر مسافر به نشانه آرزوی بازگشت سلامت او. همچنین آیین‌های نذری و سفره‌های صلواتی، سنت گلریزان برای کمک به افراد نیازمند و ساخت بناهای عام‌المنفعه‌ای چون مدرسه، بیمارستان، پل و آب‌انبار از جلوه‌های خیرخواهی و مسئولیت اجتماعی در فرهنگ ایرانی معرفی شده‌اند.

کتاب به نقش روابط همسایگی و پیوندهای محلی نیز توجه دارد؛ از همکاری همسایگان در برگزاری مراسم عروسی تا کمک به پذیرایی از مهمانان خانواده‌های سوگوار. رسم ریش‌سفیدی و گیس‌سفیدی برای حل اختلافات خانوادگی و محلی و حتی معماری خاص «کوچه‌های آشتی‌کنان» در برخی شهرهای تاریخی ایران، نمونه‌هایی از تلاش برای حفظ پیوندهای اجتماعی و بازگرداندن صلح و آشتی به روابط انسانی هستند. احترام به بزرگ‌ترها و پیشکسوتان، دیدوبازدید نوروزی و آغاز سال نو با دیدار سالمندان خانواده، قدردانی از معلمان و استادان، ارزش‌گذاری برکار و تلاش، سحرخیزی در زندگی و کسب‌وکار و رعایت حرمت و آبروی دیگران در نصیحت و خیرخواهی نیز از دیگر موضوعات کتاب است. در حوزه خانواده، سنت همیاری در معرفی و انتخاب همسر، مشارکت خانواده‌ها در برگزاری مراسم ازدواج، عیادت از بیماران و همدردی با بازماندگان در روزهای سوگ، از جمله رفتارهایی هستند که در این اثر مورد توجه قرار گرفته‌اند.

بخش دیگری از کتاب به جلوه‌های فرهنگی و اجتماعی زندگی ایرانیان اختصاص دارد؛ از دیدارهای خانوادگی و سهیم شدن در شادی و اندوه دیگران تا شب‌نشینی‌های شعر، نقالی و روایت شاهنامه. این نمونه‌ها تصویری از فرهنگی ارائه می‌کنند که در آن پیوندهای انسانی، مسئولیت متقابل و توجه به شان و حرمت دیگران جایگاه مهمی دارند.



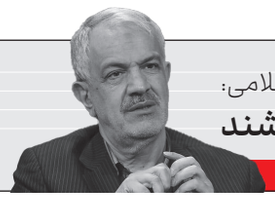
کتاب در عین معرفی این میراث، به دگرگونی‌های زندگی معاصر نیز توجه دارد. گسترش صنعتی شدن، شتاب تحولات اجتماعی، فردگرایی بی‌مهار و نفوذ روزافزون فناوری در روابط انسانی، از عواملی هستند که در بسیاری از جوامع به تضعیف برخی سنت‌ها و محدود شدن فرصت‌های ارتباط و همبستگی اجتماعی انجامیده‌اند. از این منظر، حفظ میراث فرهنگی به معنای بازگشت بی‌چون‌وچرا به گذشته نیست؛ بلکه مستلزم شناخت ارزش‌های ماندگار سنت‌ها و بازخوانی و تداوم خلاقانه آنها متناسب با نیازهای زندگی امروز است.

این اثر مدعی ارائه روایتی جامع از همه آداب و رسوم ایران نیست، بلکه درآمدی گزیده و قابل فهم برای آشنایی با بخشی از فرهنگ زنده ایرانی است. از همین رو، می‌تواند برای مخاطبانی که آشنایی کمتری با جامعه و فرهنگ ایران دارند، فرصتی برای شناخت وجوهی از هویت فرهنگی این سرزمین فراهم آورد.

کتاب «زندگی به رسم ایرانی» به کوشش طلیعه احمدی و با حمایت و تلاش خانه حکمت ایرانیان در وین تهیه شده و انتشارات یونی دیالوگ در وین آن را در قالب دوزبانه فارسی و آلمانی، در قطع وزیری و ۱۸۰ صفحه منتشر کرده است.

انتشار این اثر به دو زبان، گامی در جهت معرفی میراث فرهنگی ایران به مخاطبان آلمانی‌زبان و تقویت شناخت متقابل و گفت‌وگوی میان فرهنگی به شمار می‌رود. این کتاب بر این امید استوار است که آگاهی و شناخت انسان پیوسته رشد و ژرفا یابد و جهانی شکل گیرد که در آن کرامت انسانی در بالاترین سطح پاس داشته شود و صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز جای جنگ و دشمنی را بگیرد.

شناخت فرهنگ‌های گوناگون، آشنایی با میراث انسانی ملت‌ها و فراهم آوردن فرصت‌هایی برای گفت‌وگوی سازنده، می‌تواند سهمی ارزشمند در نزدیک‌تر شدن انسان‌ها و تحقق چنین آرمانی داشته باشد.



احمد مسجدجامعی، پژوهشگر و قائم‌مقام رئیس مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی:

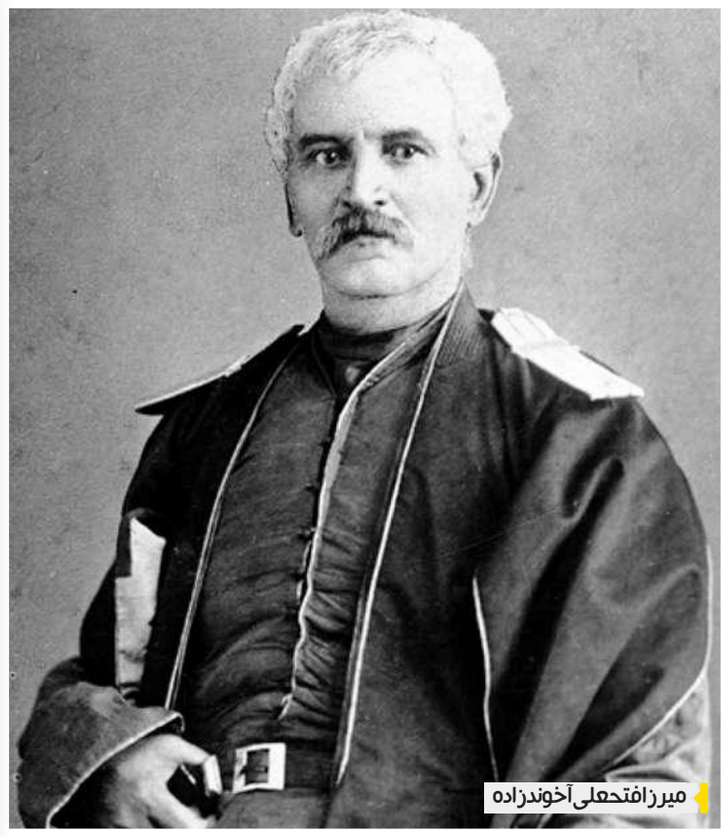
بسیاری از مردم به کتاب نیاز دارند، اما نمی‌توانند به آن دسترسی داشته باشند



مجله طنز ملانصرالدین در سال ۱۹۰۶ در تفلیس منتشر شد



روزنامه اکینچی در ۱۸۷۵ به کوشش حسن‌بیگ زردابی منتشر شد



میرزا فتحعلی آخوندزاده

روایتی از تضادهای فرهنگی، بحران هویت و ریشه‌های مشترک در آن سوی ارس (بخش دوم و پایانی)

سرزمینی با الفبای تازه و خاطره‌ای کهن

در تابستان سال ۱۸۶۳، مردی از قفقاز راهی استانبول شد تا پیشنهادی را با مقامات عثمانی در میان بگذارد که به ظاهر چندان سیاسی نبود؛ اصلاح الفبای رایج در جهان اسلام. میرزا فتحعلی آخوندزاده، نمایشنامه‌نویس و روشنفکری که زاده نوخه بود، معتقد بود دشواری‌های خط عربی، از جمله نبود نشانه‌های کافی برای مصوت‌ها و شباهت ظاهری برخی حروف، یادگیری خواندن و نوشتن را دشوار کرده است. طرح او در دو نشست انجمن علمی عثمانی بررسی شد، اما با وجود استقبال اولیه، به تصویب نرسید. آخوندزاده به تفلیس بازگشت، بی‌آنکه بداند بحثی که آغاز کرده بود، دهه‌ها بعد به یکی از مهم‌ترین مسائل فرهنگی و سیاسی سرزمینش تبدیل خواهد شد.

سرگذشت الفبا در جمهوری آذربایجان از همین منظر خواندنی است. سرزمینی که در کمتر از یک قرن، خط رسمی زبان ترکی آذربایجانی در آن از عربی به لاتین، سپس به سیریلیک و بار دیگر به لاتین تغییر کرد. هر تغییر، با وعده‌ای تازه همراه بود؛ گاهی گسترش سواد، گاهی نوسازی جامعه و زمانی تثبیت هویتی مستقل. با این حال، ماجرای این دگرگونی‌ها فقط تاریخ تغییر حروف نیست. در پس آن، داستان جامعه‌ای قرار دارد که میراث ایرانی، فرهنگ ترکی، تجربه حاکمیت روسیه و سیاست‌های شوروی، هریک در ساختن هویت امروزش سهم داشته‌اند.

در شماره پیشین این روایت، به سراغ ریشه‌های فرهنگی جمهوری آذربایجان رفتیم و کوشیدیم نشانه‌های پیوند تاریخی این سرزمین با فرهنگ ایران را در زندگی امروز مردم آن جست‌وجو کنیم؛ از جایگاه شاعران فارسی‌زبانی چون نظامی گنجوی و خاقانی شروانی تا آیین نوروز، موسیقی مقام، سنت‌های مذهبی و مناسبات میان فرهنگ عمومی و سیاست‌های رسمی. آنچه در آن بررسی آشکار شد، تداوم میراثی بود که با وجود دگرگونی‌های سیاسی و تغییر مرزها همچنان در بخش‌هایی از زندگی فرهنگی این کشور حضور دارد. این بار اما می‌خواهیم از زاویه‌ای دیگر به این تاریخ بنگریم و ببینیم تغییر خط، گسترش مطبوعات و شکل‌گیری هویت ملی جدید، چه تاثیری بر رابطه جمهوری آذربایجان با گذشته فرهنگی خود و ایران گذاشته است.

الفبایی برای آینده، فاصله‌ای با گذشته

آخوندزاده در زمانه‌ای از اصلاح خط سخن می‌گفت که روشنفکران ایران و عثمانی نیز در جست‌وجوی راهی برای خروج از عقب‌ماندگی بودند. او با چهره‌هایی چون میرزا ملکم‌خان ارتباط داشت و طرحش را مسئله‌ای فراتر از قفقاز می‌دانست. بنابراین اندیشه اصلاح الفبا در آغاز، الزاما تلاشی برای جدایی فرهنگی از ایران نبود؛ بخشی از گفت‌وگوی گسترده روشنفکران منطقه درباره آموزش، تجدد و آینده جوامع شرقی به شمار می‌رفت.

اما آنچه در قرن نوزدهم یک پیشنهاد روشنفکری بود، در قرن بیستم به سیاست دولتی تبدیل شد. در سال ۱۹۲۶، باکو میزبان نخستین کنگره ترک شناسی بود؛ نشستی که در آن مسئله خط مشترک و تغییر الفبا جایگاه مهمی داشت. جمهوری سوسیالیستی آذربایجان از ابتدای سال ۱۹۲۹ گذار رسمی به لاتین را عملی کرد، اما تنها یک دهه بعد، در دوره استالین، خط سیریلیک جای آن را گرفت. این تغییر دوم معنایی فراتر از آسان‌تر شدن خواندن و نوشتن داشت. در فضای سیاست‌های شوروی، خط سیریلیک به تقویت پیوندهای فرهنگی و اداری با مرکز قدرت کمک می‌کرد و ارتباط مستقیم نوشتاری با جهان خارج از شوروی، به‌ویژه ترکیه و جوامع دارای خط عربی، دشوارتر می‌شد. پس از استقلال در سال ۱۹۹۱ نیز بازگشت به لاتین، این بار نشانه‌ای از فاصله گرفتن از میراث سیاسی شوروی و بازتعریف جایگاه جمهوری تازه استقلال‌یافته بود.

البته تغییر خط را نمی‌توان فقط با پیامدهای منفی آن توضیح داد. اصلاح الفبا می‌توانست آموزش را آسان‌تر کند و به گسترش سواد یاری رساند. مسئله این بود که هر نسل، برای خواندن بخشی از میراث مکتوب نسل پیش از خود، به آموزشی تازه نیاز پیدا می‌کرد. کتابی که روزگاری خواندنش امری عادی بود، ممکن بود چند دهه بعد برای جوانان همان سرزمین به متنی دشوار تبدیل شود. به این ترتیب، دسترسی به گذشته بیش از پیش به بازنویسی، ترجمه و انتخاب نهادهای فرهنگی وابسته می‌شد.

روزنامه‌ای که پیش از تغییر خط، از تجدد می‌نوشت

با این همه، داستان نوسازی فرهنگی قفقاز پیش از تغییر الفبا آغاز شده بود. در سال ۱۸۷۵، حسن‌بیگ زردابی در باکو روزنامه‌ای به نام «اکینچی» منتشر کرد؛ به معنای «کشاورز.» این روزنامه که با خط عربی چاپ می‌شد، درباره آموزش، دانش، مسائل اجتماعی و ضرورت آگاهی عمومی می‌نوشت. زردابی حتی برای فراهم کردن حروف چاپی نشریه‌اش به استانبول رجوع کرده بود.

اهمیت اکینچی در همین تناقض ظاهری نهفته است؛ نشریه‌ای که از ابزار نوشتاری قدیمی استفاده می‌کرد اما حامل اندیشه‌های جدید بود. تجربه آن نشان می‌داد که ورود یک جامعه به جهان جدید لزوما منتظر تغییر الفبا نمی‌ماند. پیش از آنکه دولت‌ها درباره شکل حروف تصمیم بگیرند، نویسندگان و روزنامه‌نگاران در حال تغییر محتوای گفت‌وگوهای عمومی بودند.

چند دهه بعد، یکی از اثرگذارترین نمونه‌های این جریان در تفلیس متولد شد. مجله طنز «ملانصرالدین» در آوریل ۱۹۰۶ به کوشش جلیل محمدقلی‌زاده منتشر شد و خیلی زود مخاطبانی در قفقاز و ایران پیدا کرد. این مجله با کاریکاتورها و نوشته‌های طنزآمیز، خرافات، بی‌سوادی، نابرابری اجتماعی و رفتار صاحبان قدرت را نقد می‌کرد. داستان ملانصرالدین از آن جهت اهمیت دارد که نمی‌توان آن را در تاریخ فرهنگی یک کشور محدود کرد. علی‌اکبر صابر، شاعر طنزپرداز اهل شماخی، از چهره‌های موثر این نشریه بود. اشعار او در میان مشروطه‌خواهان تبریز نیز خوانده می‌شد و برخی سروده‌هایش درباره تحولات ایران، بازتابی مستقیم در مطبوعات آن سوی ارس داشت. در سال ۱۹۲۱ نیز محمدقلی‌زاده به تبریز آمد و هشت شماره از ملانصرالدین را در این شهر منتشر کرد. این رفت‌وآمد، تصویری متفاوت از مناسبات فرهنگی ایران و قفقاز به دست می‌دهد. اندیشه‌ها تنها از جنوب ارس به شمال آن نمی‌رفتند. قفقاز نیز به یکی از مسیرهای ورود افکار اصلاح‌طلبانه، طنز سیاسی و تجربه‌های نوین روزنامه‌نگاری به ایران تبدیل شده بود.

باکو؛ شهری که ایرانیان در ساختنش سهم داشتند

اگر مطبوعات بخشی از این پیوند را در جهان اندیشه آشکار می‌کنند، تاریخ مهاجرت چهره دیگری از آن را نشان می‌دهد. در اواخر قرن نوزدهم، گسترش صنعت نفت باکو هزاران ایرانی را به سوی این شهر کشاند. بسیاری از آنان از شهرها و روستاهای آذربایجان ایران، اردبیل و مناطق همجوار می‌آمدند و در میدان‌های نفتی، بنادر، راه‌سازی و ساختمان‌سازی مشغول کار می‌شدند.

بر اساس پژوهش‌های تاریخی، سهم کارگران ایرانی در صنعت نفت باکو از حدود ۱۱ درصد در سال ۱۸۹۳ به بیش از ۲۹ درصد در سال ۱۹۱۵ رسید. این حضور گسترده، البته همیشه با زندگی مناسبی همراه نبود. بسیاری از مهاجران در مشاغل کم‌درآمد فعالیت می‌کردند و از امنیت شغلی و حمایت‌های قانونی کافی برخوردار نبودند.

اما همین کارگران، تنها نیروی کار نبودند؛ حامل تجربه‌های اجتماعی و سیاسی نیز به شمار می‌رفتند. در سال‌های نزدیک به انقلاب مشروطه، شماری از مهاجران ایرانی در قفقاز با اندیشه‌های سوسیال‌دموکراتیک و تشکل‌های کارگری آشنا شدند. بخشی از این تجربه‌ها بعدها از مسیر رفت‌وآمد فعالان سیاسی به ایران منتقل شد. از این منظر، روابط فرهنگی دو سوی ارس را نباید فقط در شعر شاعران یا بناهای تاریخی جست‌وجو کرد. کارگری که از اردبیل راهی باکو می‌شد و پس از چند سال به زادگاهش بازمی‌گشت، ممکن بود با خود تجربه‌ای تازه از زندگی شهری، مناسبات کارگری یا فعالیت سیاسی بیاورد. چنین رفت‌وآمدهایی، پیوندهایی می‌ساختند که در اسناد رسمی روابط دولت‌ها کمتر دیده می‌شوند.

نامی تازه و گذشته‌ای محل اختلاف

در کنار تغییر خط و تحولات اجتماعی، نامگذاری سرزمین نیز به عرصه‌ای برای بازتعریف هویت تبدیل شد. هنگامی که در مه ۱۹۱۸ جمهوری مستقلی در جنوب قفقاز با نام «آذربایجان» اعلام موجودیت کرد، انتخاب این نام واکنش‌هایی در ایران برانگیخت. آذربایجان پیشتر نام شناخته شده ناحیه‌ای تاریخی در شمال غرب ایران بود و بخش‌هایی از قلمرو جمهوری جدید، در منابع تاریخی با نام‌هایی چون اران و شروان شناخته می‌شدند.

بحث بر سر این نام، فقط اختلافی جغرافیایی نبود. روشنفکران و مطبوعات ایرانی نگران پیامدهای سیاسی آن بودند، در حالی که دولت تازه‌تاسیس در پی تثبیت نام و هویت ملی خود بود. حتی در جریان جنبش شیخ محمد خیابانی در سال ۱۹۲۰، پیشنهاد نام «آزادیستان» برای آذربایجان ایران، تا اندازه‌ای با مناقشه بر سر نام جمهوری شمال ارس ارتباط داشت. این نمونه نشان می‌دهد که تاریخ فرهنگی چگونه به موضوعی سیاسی تبدیل می‌شود. نام‌ها، زبان‌ها و روایت‌های تاریخی فقط برای توصیف گذشته به کار نمی‌روند؛ گاهی وسیله‌ای برای ساختن تصور تازه‌ای از ملت و سرزمین هستند. با این حال، اختلاف بر سر تفسیر تاریخ نباید موجب نادیده گرفتن واقعیت زندگی مردمی شود که در طول قرن‌ها از فرهنگ‌های گوناگون اثر پذیرفته‌اند.

حافظه‌ای فراتر از حروف و مرزها

امروز برای فهم فرهنگ جمهوری آذربایجان، نه می‌توان گذشته ایرانی قفقاز را نادیده گرفت و نه می‌توان هویت معاصر این کشور را تنها در چارچوب آن گذشته توضیح داد. فرهنگ این سرزمین در گذر زمان تغییر کرده و در برخورد با سنت‌های ترکی، ایرانی، قفقازی، روسی و اروپایی شکل تازه‌ای یافته است.

شاید مهم‌ترین نکته در سرگذشت تغییر الفبا نیز همین باشد. حروف می‌توانند به فرمان دولت‌ها تغییر کنند، کتاب‌ها با خطی تازه چاپ شوند و روایت‌های رسمی از گذشته دگرگون شوند اما تاریخ فرهنگی یک جامعه به آنچه در کتاب‌های درسی نوشته می‌شود محدود نمی‌ماند. این تاریخ در خاطره خانواده‌ها، رفت‌وآمد انسان‌ها، ادبیات، زبان‌گفتاری و تجربه‌های مشترک نیز ادامه پیدا می‌کند.

پیوند ایران و جمهوری آذربایجان را باید در چنین بستری شناخت؛ پیوندی که نه به معنای یکسان بودن دو جامعه است و نه با وجود مرزهای سیاسی از میان می‌رود. شاید بتوان الفبای یک سرزمین را چند بار عوض کرد، اما نمی‌توان با تغییر حروف، تاریخ آن را از نو آغاز کرد.

به بهانه توقیف یل، نگاهی انتقادی به نابسامانی محتوایی در شبکه نمایش خانگی

تاکجا؟

توقیف سریال «یل» پس از انتشار قسمت ششم، بار دیگر بحث نظارت بر شبکه نمایش خانگی را به صدر اخبار فرهنگی بازگرداند؛ اتفاقی که اگرچه در ظاهر به یک سکانس مشخص مربوط می‌شود، اما در پس آن مجموعه‌ای از پرسش‌های جدی درباره عملکرد نهاد تنظیم‌گر، حدود بازنمایی روابط انسانی و البته مسئولیت سازندگان سریال‌های نمایش خانگی وجود دارد. با این حال، پرسش اساسی فقط این نیست که آیا چنین صحنه‌ای با ضوابط فرهنگی و شرعی انطباق داشته یا نه؛ مسئله مهم‌تر آن است که چرا نظارت بر محصولات نمایش خانگی تا این اندازه ناموزون و غیرقابل پیش‌بینی به نظر می‌رسد و چگونه برخی آثار با محتوایی به‌مراتب بحث‌برانگیزتر، بدون واکنشی مشابه به انتشار خود ادامه می‌دهند؟

وقتی نظارت به جای قاعده، با حاشیه معنا پیدا می‌کند

صیانت از اخلاق عمومی، پاسداری از جایگاه خانواده و رعایت موازین شرعی در تولیدات فرهنگی، از مبانی سیاست‌گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی است. اصل دهم قانون اساسی بر قداست خانواده و استواری روابط خانوادگی تاکید می‌کند و اصل چهارم نیز انطباق قوانین و مقررات با موازین اسلامی را ضروری می‌داند. بنابراین، اصل نظارت بر محتوای آثار نمایشی را نمی‌توان فقط اقدامی سلیقه‌ای یا محدودیتی بی‌مبنا دانست. آنچه محل انتقاد است، نه ضرورت وجود ضابطه، بلکه چگونگی تعریف، تفسیر و اجرای آن است. نظارت فرهنگی زمانی می‌تواند از اعتبار برخوردار باشد که معیارهایش روشن، اجرای آن یکسان و تصمیماتش قابل دفاع باشد. در غیر این صورت، نظارت به جای آنکه چارچوبی برای فعالیت هنرمندان و اطمینان مخاطبان فراهم کند، به مجموعه‌ای از تصمیمات موردی تبدیل می‌شود که گاه بیش از محتوای آثار، تحت تاثیر حواشی پیرامون آنها قرار می‌گیرد.

ماجرای «یل» از همین منظر قابل بررسی است. اگر صحنه مورد بحث برخلاف ضوابط تشخیص داده شده، این پرسش وجود دارد که چرا چنین محتوایی پیش از انتشار شناسایی و تعیین تکلیف نشده است؟ گزارش‌هایی نیز درباره اصلاحیه‌های پیشین ساترا و کوتاه شدن سکانس مذکور پس از انتشار مطرح شده است. حال باید پرسید سازوکار نظارت پیشینی دقیقا چه کارکردی دارد و مرز مسئولیت نهاد تنظیم‌گر، پلتفرم منتشرکننده و مرجع قضایی کجاست؟

مرز میان نمایش یک رفتار و تایید آن کجاست؟

نکته دیگری که در توقیف «یل» اهمیت دارد، نحوه مواجهه با روابط انسانی در آثار نمایشی است. در جهان داستان، شخصیت‌ها بر اساس نسبت‌هایی تعریف می‌شوند که لزوما در واقعیت میان بازیگران وجود ندارد. مادر و پسر، زن و شوهر یا دیگر اعضای خانواده، در قالب یک روایت نمایشی باز آفرینی می‌شوند و مخاطب نیز آنها را در همین چارچوب می‌شناسد.

البته نسبت داستانی شخصیت‌ها به تنهایی نمی‌تواند مجوز هر نوع بازنمایی باشد و شکل اجرای یک صحنه نیز باید مورد ارزیابی قرار گیرد. اما آیا می‌توان بدون توجه به موقعیت دراماتیک، معنای رفتار و چگونگی نمایش آن، درباره یک سکانس داوری کرد؟ آیا میان نمایش عاطفه خانوادگی، بازنمایی روابط مسئله‌دار و ترویج رفتاری مغایر با اخلاق تفاوتی وجود ندارد؟

این پرسش‌ها به معنای نادیده گرفتن ملاحظات شرعی نیست؛ برعکس، ضرورت تدوین معیارهایی دقیق‌تر را نشان می‌دهد. اگر قرار باشد هر رفتار شخصیت‌ها بدون توجه به زمینه داستانی آن ارزیابی شود، بخش مهمی از ظرفیت روایت نمایشی برای پرداختن به مسائل اجتماعی و خانوادگی از میان خواهد رفت. از طرف دیگر، اگر صرف داستانی بودن یک موقعیت برای توجیه هر تصویری کافی تلقی شود، اساس نظارت محتوایی بی‌معنا خواهد شد. دشواری تنظیم‌گری دقیقا در یافتن تعادلی روشن و قابل دفاع میان این دو ملاحظه است.

نمایش خانگی؛ از جسارت روایی تا عبور از مسئولیت فرهنگی

با این همه، انتقاد به عملکرد نهادهای ناظر نباید موجب نادیده گرفتن سهم سازندگان آثار شود. شبکه نمایش خانگی طی سال‌های اخیر، همزمان با گسترش مخاطبان و افزایش سرمایه‌گذاری، به یکی از مهم‌ترین عرصه‌های تولید سریال در کشور تبدیل شده است؛ عرصه‌ای که فرصت‌های قابل توجهی برای روایت داستان‌های متنوع فراهم کرده، اما در مواردی نیز گرفتار رقابت بر سر جنجال‌آفرینی شده است.

در بخشی از تولیدات این حوزه، به نظر می‌رسد مرز میان جسارت هنری و استفاده از عناصر تحریک‌کننده برای جلب توجه به تدریج کمرنگ شده است. دیالوگ‌های جنسی، شوخی‌های دوپهلو، روابط عاطفی اغراق‌آمیز و صحنه‌هایی که بیش از ضرورت داستانی بر جنبه‌های حاشیه‌ساز تکیه دارند، در برخی آثار چنان برجسته می‌شوند که گویی قرار است کمبودهای فیلمنامه و شخصیت‌پردازی را جبران کنند. البته پرداختن به خیانت، خشونت، روابط پیچیده عاطفی یا آسیب‌های اجتماعی ذاتا امری ناپسند نیست. هنر نمایشی نمی‌تواند تنها به شخصیت‌های بی‌خطا و موقعیت‌های مطلوب محدود شود. اما تفاوت مهمی میان نمایش یک آسیب برای شناخت و نقد آن و بهره‌برداری از همان آسیب به‌عنوان ابزاری برای جذابیت تجاری وجود دارد.

نمی‌توان هرانتقادی به صراحت تصویری یا کلامی را با ارجاع به واقع‌گرایی پاسخ داد. واقع‌گرایی زمانی واجد ارزش هنری است که در خدمت شناخت شخصیت و پیشبرد روایت باشد، نه آنکه به پوششی برای استفاده غیرضروری از موقعیت‌های جنجالی تبدیل شود. سازندگان نیز باید پاسخ دهند که آیا هر صحنه بحث‌برانگیز و اقعا برای داستان ضروری بوده یا می‌توانسته با روایتی سنجیده‌تر و بدون کاستن از کیفیت اثر ارائه شود؟

تنظیم‌گری گزینشی و فرسایش اعتماد عمومی

ضعف اصلی زمانی آشکارتر می‌شود که سرنوشت آثار مختلف را کنار یکدیگر قرار دهیم. اگر ضوابط مشخصی برای نمایش روابط، نوع پوشش، دیالوگ‌ها و موقعیت‌های اخلاقی وجود دارد، طبیعی است که اجرای آنها نیز باید از انسجام برخوردار باشد. نمی‌توان نسبت به یک صحنه در مجموعه‌ای واکنشی شدید نشان داد، اما در مواجهه با نمونه‌های آشکارتر در مجموعه‌ای دیگر، دست‌کم درباره دلایل تفاوت برخورد توضیحی ارائه نکرد.

این وضعیت نه به سود تولیدکننده است و نه به نفع مخاطب. تولیدکننده نمی‌داند دقیقا در چه چارچوبی باید فعالیت کند و مخاطب نیز نمی‌تواند منطق تصمیمات نظارتی را درک کند. نتیجه آن است که به جای تقویت جایگاه قانون و ضابطه، تصور اعمال سلیقه و برخورد دوگانه شکل می‌گیرد. از این منظر، توقیف یک سریال الزاما نشانه موفقیت نظارت نیست. اگر اثری پس از طی مراحل تولید، هزینه‌های سنگین و آغاز انتشار با توقف مواجه شود، باید عملکرد تمام حلقه‌های نظارتی پیش از آن را نیز بررسی کرد. تنظیم‌گری موفق تنها به معنای توانایی جلوگیری از ادامه انتشار نیست؛ بلکه باید بتواند پیش از بروز بحران، معیارهای روشن ارائه دهد، تخلفات احتمالی را شناسایی کند و متناسب با ماهیت آنها واکنش نشان دهد. در غیر این صورت، برخوردهای مقطعی شاید برای مدتی حاشیه‌ای را فرو بنشانند، اما مسئله اصلی یعنی آشفتگی در سیاست‌گذاری محتوایی همچنان پابرجا خواهد ماند.

از آغوش «یل» تا صحنه‌های «سرخ و سیاه»؛ این تفاوت برخورد برای چیست؟

برای درک بهتر این تناقض کافی است به سریال «سرخ و سیاه» به کارگردانی آیدا پناهنده نگاه کنیم؛ مجموعه‌ای که از همان قسمت‌های نخست، برخی صحنه‌ها و دیالوگ‌های آن با انتقادهای جدی مواجه شد. در حالی که انتشار «یل» به دنبال سکانس آغوش مادر و پسر متوقف شده، «سرخ و سیاه» با صحنه‌هایی به‌مراتب صریح‌تر در بازنمایی روابط عاطفی و جنسی، پرسش‌های جدی‌تری درباره حدود نظارت ایجاد کرده است.

در قسمت‌های ابتدایی این مجموعه، دیالوگ‌هایی با مضامین و کنایه‌های آشکار جنسی میان شخصیت‌ها ردوبدل می‌شود که حتی با در نظر گرفتن فضای تاریخی داستان نیز توجیه ضرورت آنها دشوار است. برای نمونه، گفت‌وگوهای شخصیت نوروزبازن کولی و همچنین برادرش، به جای آنکه تنها در خدمت شخصیت‌پردازی باشند، به دلیل صراحت جنسی خود جلب توجه می‌کنند. افزون بر این، نحوه نمایش رابطه نوروز و فانوس، برخی موقعیت‌های اروتیک و سکانس طولانی رقص فانوس نیز از جمله بخش‌هایی هستند که انتقادهای محتوایی را برانگیخته‌اند.

مسئله آن نیست که یک درام تاریخی نباید به عشق، میل یا روابط انسانی بپردازد. مسئله این است که آیا نمایش چنین موضوعاتی الزاما به این اندازه از صراحت و تاکید تصویری نیاز دارد؟ به‌ویژه در اثری که با بازنمایی جامعه تاریخی ایران سروکار دارد، سازندگان تا چه اندازه نسبت به تناسب زبان، رفتار شخصیت‌ها و بستر فرهنگی روایت مسئولیت احساس کرده‌اند؟

اگر قرار باشد یک آغوش خانوادگی در «یل» موجب توقف انتشار مجموعه شود، چگونه می‌توان توضیح داد که صحنه‌ها و دیالوگ‌های جنسی آشکارتر در «سرخ و سیاه» با برخوردی مشابه مواجه نشده‌اند؟ آیا معیار ارزیابی در این دو مجموعه متفاوت است؟ اگر تفاوتی در زمینه داستانی، شیوه اجرا یا مجوزهای صادرشده وجود دارد، چرا نهاد تنظیم‌گر آن را برای افکار عمومی روشن نمی‌کند؟

انتقاد به «سرخ و سیاه» نیز نباید به معنای نادیده گرفتن ظرفیت‌های هنری آن باشد. طراحی صحنه، فضاسازی تاریخی یا کیفیت بازیگری می‌تواند از نقاط قوت مجموعه محسوب شود، اما هیچ‌یک از این امتیازها به تنهایی پاسخ‌گوی انتقادهای وارد بر زبان و محتوای اثر نیست. اتفاقا از مجموعه‌ای با چنین امکانات تولیدی و ظرفیت‌های نمایشی، انتظار بیشتری برای پرهیز از جذابیت‌سازی از مسیر صراحت‌های غیرضروری وجود دارد.

مسئله فقط توقیف «یل» نیست؛ اعتبار نظارت در میان است

اکنون پرسش فراتر از سرنوشت یک سریال است. موضوع به اعتبار سازوکاری بازمی‌گردد که قرار است میان اقتضائات تولید هنری و ضرورت پاسداری از ارزش‌های فرهنگی جامعه تعادل برقرار کند. اگر نظارت بر نمایش خانگی قرار است جدی گرفته شود، نخستین شرط آن پرهیز از برخوردهای ناموزون و توضیح شفاف معیارهای تصمیم‌گیری است ساترا و دیگر مراجع مسئول نمی‌توانند تنها در هنگام شکل‌گیری حاشیه‌ها در معرض توجه قرار گیرند. آنها باید روشن کنند که آثار بر چه اساسی ارزیابی می‌شوند، مسئولیت اصلاح محتوای مسئله‌دار با کدام بخش است و چرا واکنش‌ها به موارد ظاهرا مشابه چنین تفاوتی دارد.

در مقابل، پلتفرم‌ها و سازندگان نیز نمی‌توانند پشت انتقاد به نظارت پنهان شوند و سهم خود را در گسترش محتوای حاشیه‌ساز نادیده بگیرند. رشد نمایش خانگی نباید با افزایش صحنه‌های تحریک‌کننده و دیالوگ‌های جنجالی سنجیده شود؛ همان‌طور که اقتدار نظارتی نیز نباید تنها با تعداد توقیف‌ها و دستورهای توقف معنا پیدا کند.

ماجرای «یل» و نسبت آن با «سرخ و سیاه» یا دیگر موقعیت‌ها یادآور یک ضرورت اساسی است؛ صیانت از اخلاق عمومی با برخوردهای موردی و ناموزون محقق نمی‌شود. آنچه امروز نمایش خانگی به آن نیاز دارد، هم بازگشت جدی‌تر سازندگان به مسئولیت فرهنگی و کیفیت روایت است و هم نظارتی قانونمند، شفاف و یکسان. در غیر این صورت، هر توقیف تازه نه پایان یک مسئله، بلکه آغاز پرسشی بزرگ‌تر درباره چرایی سکوت در برابر آثار دیگر خواهد بود.



روح‌الله اسدی، مدیرکل جوانان وزارت ورزش و جوانان خبر داد
فعالیت ۹۰ خانه جوان در کشور و ساخت ۸۹ مرکز دیگر

پرونده‌های میراث ناملموس ایران در راه یونسکو با شرط چندملیتی
چکش چینی برای تیرگان، لالایی و نمدمالی



حدود ۱۳ روز دیگر مانده تا سه پرونده مرتبط با فرهنگ و سنت ایرانی روی میز داوری قرار بگیرند و برای جهانی شدن چکش بخورند. بیست‌ویکمین نشست کمیته بین دولتی پاسداری از میراث فرهنگی ناملموس یونسکو از ۳۰ نوامبر تا پنج دسامبر ۲۰۲۶ (۹ تا ۱۴ آذر ۱۴۰۵) این بار در شهر شیامین چین برگزار می‌شود. در این نشست قرار است سه پرونده «تیرگان؛ آیین پاسداشت آب و باران»، «سنت‌های گهواره‌گذاری و آوازخوانی لالایی» و «هنر سنتی نمدمالی» برای ثبت در فهرست میراث فرهنگی ناملموس بشریت بررسی شوند. به این ترتیب در صورت تصویب هر سه پرونده، شمار عناصر و برنامه‌های مرتبط با ایران در بخش میراث ناملموس یونسکو به ۳۰ پرونده می‌رسد.

به گزارش «آگاه»، توجه جهانی به حفاظت از میراث فرهنگی تنها به بناهای تاریخی، محوطه‌های باستانی و آثار مادی محدود نیست. بسیاری از سنت‌ها و داشته‌های فرهنگی جوامع در قالب آیین‌ها، موسیقی، هنرهای اجرایی، دانش‌های بومی، مهارت‌های صنایع دستی و روایت‌هایی زنده‌اند که نسل به نسل منتقل می‌شوند. همین ضرورت، زمینه‌ساز شکل‌گیری سازوکاری بین‌المللی برای شناسایی و پاسداری از این میراث شد.

در سال ۲۰۰۳، کنوانسیون پاسداری از میراث فرهنگی ناملموس در یونسکو به تصویب رسید. این کنوانسیون چارچوبی بین‌المللی برای شناسایی، مستندسازی، حمایت و انتقال میراث ناملموس به نسل‌های آینده ایجاد کرد. پس از لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون در سال ۲۰۰۶، ساختارهای اجرایی آن از جمله مجمع عمومی کشورهای عضو و کمیته بین دولتی پاسداری از میراث فرهنگی ناملموس فعالیت خود را آغاز کردند.

کمیته بین دولتی یکی از ارکان اصلی اجرای این کنوانسیون است که اعضای آن از میان کشورهای عضو انتخاب می‌شوند. این کمیته هر سال تشکیل جلسه می‌دهد و مسئولیت‌هایی از جمله بررسی پرونده‌های پیشنهادی کشورها، تصمیم‌گیری درباره ثبت عناصر در فهرست‌های میراث ناملموس، ارزیابی برنامه‌های پاسداری و ارائه راهکار برای حفاظت از میراث زنده جوامع را بر عهده دارد.

از مهم‌ترین سازوکارهای این کنوانسیون می‌توان به «فهرست نماینده میراث فرهنگی ناملموس بشریت»، «فهرست میراث فرهنگی ناملموس نیازمند پاسداری فوری» و «ثبت برنامه‌های پاسداری خوب» اشاره کرد. هدف از این فهرست‌ها صرفا معرفی یک سنت به جهان نیست بلکه جلب توجه به اهمیت آن، تقویت مشارکت جوامع حامل میراث و فراهم کردن زمینه تداوم و انتقال آن به نسل‌های بعدی است. در واقع، ثبت جهانی به معنای مالکیت یک کشور بر یک سنت یا آیین نیست بلکه به معنای به‌رسمیت شناختن ارزش فرهنگی آن و تعهد به پاسداری از آن است. به همین دلیل، در سال‌های اخیر پرونده‌های مشترک چندملیتی جایگاه مهمی در سازوکار یونسکو پیدا کرده‌اند. ایران از جمله کشورهایی است که به دلیل تنوع فرهنگی، قومی و جغرافیایی، سهم قابل توجهی از پرونده‌های میراث ناملموس ثبت شده در یونسکو را به خود اختصاص داده است. ایران در ۲۳ مارس ۲۰۰۶ به کنوانسیون ۲۰۰۳ میراث ناملموس پیوست و از آن زمان تاکنون پرونده‌های متعددی را برای معرفی سنت‌ها و مهارت‌های فرهنگی خود به این سازمان ارائه کرده است.

براساس اطلاعات رسمی یونسکو، ایران تا پیش از نشست سال ۲۰۲۶، بیست‌وهفت عنصر ثبت شده در فهرست‌ها و سازوکارهای میراث ناملموس این سازمان دارد. آخرین پرونده ثبت شده ایران، «هنر آینه‌کاری در معماری ایرانی» بود که در بیستمین نشست کمیته بین دولتی در دسامبر ۲۰۲۵ در دهلی‌نو به ثبت رسید.

در میان میراث ناملموس ثبت شده ایران می‌توان به نوروز، مهرگان، جشن سده، شب یلدا، آیین‌های پهلوانی و زورخانه‌ای، تعزیه، نقالی، موسیقی ردیف دستگاهی ایران، موسیقی بخشی‌های خراسان، هنر ساخت و نواختن دوتار و کمانچه، چوگان، هنر مینیاتور، قالی‌بافی فارس و کاشان، آیین قالی‌شویان مشهد اردهال، مهارت‌های دریانوردی و لنج‌سازی ایرانی در خلیج فارس، فرهنگ پخت و تقسیم نان‌های سنتی، تذهیب، سوزن‌دوزی ترکمن، ساخت و نواختن عود و رباب و سنت پرورش کرم ابریشم اشاره کرد. ایران همچنین در سال ۲۰۲۱ برنامه ملی پاسداری از هنر سنتی خوشنویسی را در فهرست برنامه‌های پاسداری خوب یونسکو ثبت کرد. نقالی و مهارت‌های دریانوردی و ساخت لنج‌های ایرانی نیز در فهرست میراث ناملموس نیازمند پاسداری فوری قرار دارند.

اگر سه پرونده پیشنهادی سال ۲۰۲۶ نیز تایید شوند، تعداد عناصر و برنامه‌های مرتبط با ایران در سازوکارهای میراث ناملموس یونسکو به ۳۰ مورد افزایش خواهد یافت. این اتفاق علاوه بر معرفی سنت‌های ایرانی، فرصتی برای توجه بیشتر به میراث مشترک کشورهای منطقه و ضرورت حفاظت از آنها خواهد بود. چرا که این پرونده‌ها به صورت چند ملیتی ثبت خواهند شد اما چرا؟



در این باره بهروز وجدانی مسئول پرونده‌های میراث ناملموس در گفت‌وگو با «آگاه» بیان کرد: تعداد پرونده‌های میراث ناملموس ایران زیاد است و یونسکو نیز هر دو سال یکبار پرونده مستقل ثبت می‌کند اما اگر چندملیتی یعنی مشترک با کشورهای دیگر باشد در اولویت قرار می‌دهد و آن را هر سال ثبت می‌کند. وی با اشاره به اینکه سال گذشته ایران از سهمیه پرونده مستقل برای آینه‌کاری استفاده کرد ادامه داد: امسال سهمیه مستقل نداریم.

وجدانی گفت: همه می‌دانیم که میراث ناملموس از مرزهای جغرافیایی کشورها پیروی نمی‌کند و این طور نیست که هر میراث ناملموسی تنها محدود به یک کشور باشد. اینها ماهیتی سیال دارند. ما هم از این فرصت استفاده می‌کنیم و به عنوان تدوین کننده محدودیت سهمیه یونسکو را مدیریت می‌کنیم.

تیرگان و واردآوار



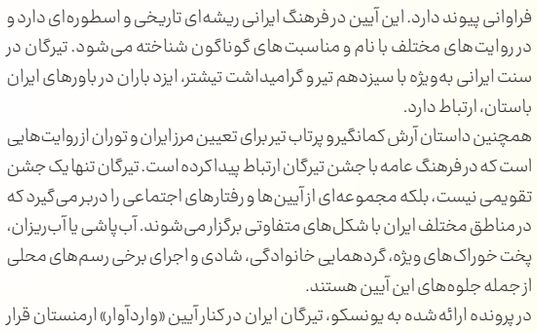
«تیرگان» یکی از آیین‌های کهن ایرانی است که با آب، باران، زندگی و آرزوی باروری و فراوانی پیوند دارد. این آیین در فرهنگ ایرانی ریشه‌ای تاریخی و اسطوره‌ای دارد و در روایت‌های مختلف با نام و مناسبت‌های گوناگون شناخته می‌شود. تیرگان در سنت ایرانی به‌ویژه با سیزدهم تیر و گرامیداشت تیشتر، ایزد باران در باورهای ایران باستان، ارتباط دارد.

همچنین داستان آرش کمانگیر و پرتاب تیر برای تعیین مرز ایران و توران از روایت‌هایی است که در فرهنگ عامه با جشن تیرگان ارتباط پیدا کرده است. تیرگان تنها یک جشن تقویمی نیست، بلکه مجموعه‌ای از آیین‌ها و رفتارهای اجتماعی را دربر می‌گیرد که در مناطق مختلف ایران با شکل‌های متفاوتی برگزار می‌شوند. آب‌پاشی یا آب‌ریزان، پخت خوراک‌های ویژه، گردهمایی خانوادگی، شادی و اجرای برخی رسم‌های محلی از جمله جلوه‌های این آیین هستند.

در پرونده ارائه شده به یونسکو، تیرگان ایران در کنار آیین «واردآوار» ارمنستان قرار گرفته است. واردآوار یکی از جشن‌های شناخته شده ارمنستان است که در آن مردم با پاشیدن آب به یکدیگر، شادی و همبستگی اجتماعی را به نمایش می‌گذارند. این جشن در سنت ارمنی با باورهای مربوط به آب و باران و آیین‌های تابستانی پیوند دارد. وجه مشترک این دو سنت، اهمیت آب در زندگی جوامع و پیوند آن با باروری زمین، باران، برکت و زندگی است. هر دو آیین در بستر تاریخی و فرهنگی جوامعی شکل گرفته‌اند که آب برای ادامه حیات و کشاورزی اهمیت اساسی داشته است.

در مستندات پرونده «سنت پاسداشت آب و باران؛ تیرگان / واردآوار» با مشارکت ایران و ارمنستان نمونه‌هایی از آیین آب‌پاشی تیرگان در مناطقی مانند ورکان همدان، چالوس و کرمان نیز به نمایش درآمده است. ثبت مشترک این آیین از آن جهت اهمیت دارد که میراث فرهنگی را محدود به مرزهای سیاسی امروز نمی‌کند. سنت‌های مرتبط با آب و باران در طول تاریخ میان جوامع همسایه در منطقه قفقازو فلات ایران در گردش بوده‌اند و اشتراک آنها نشان‌دهنده ارتباطات تاریخی و فرهنگی میان این جوامع است.

لالایی؛ میراثی زنده با صدای مادران



لالایی از قدیمی‌ترین و فراگیرترین شکل‌های موسیقی و فرهنگ شفاهی در جوامع انسانی است؛ آوازی که از نخستین روزهای زندگی، کودک را با زبان، موسیقی، عاطفه و فرهنگ جامعه خود آشنا می‌کند. این آوازها معمولا هنگام خواباندن یا آرام کردن نوزاد خوانده می‌شوند و در کنار کارکرد عاطفی و تربیتی، حامل مجموعه‌ای از باورها، آرزوها، تجربه‌ها و روایت‌های زندگی مردم هستند.

در ایران، لالایی‌ها در مناطق مختلف با زبان‌ها، گویش‌ها و آهنگ‌های متفاوتی اجرا می‌شوند. لالایی‌های فارسی، کردی، ترکی، لری، گیلکی، مازندرانی، بلوچی، عربی و ترکمنی، هرکدام ویژگی‌های موسیقایی و محتوایی خاص خود را دارند. در بسیاری از این آوازها، مادر یا مادربزرگ از آرزوهای خود برای آینده کودک می‌گوید، از دشواری‌های زندگی سخن می‌گوید یا با بیان مهر و محبت، او را به خواب دعوت می‌کند.

لالایی‌ها در کنار آواز، با سنت گهواره‌گذاری و شیوه‌های نگهداری از نوزاد ارتباط دارند. ساخت گهواره، تزئین آن، قنداق کردن کودک، تاب دادن گهواره و خواندن آوازهای مخصوص، مجموعه‌ای از دانش‌ها و مهارت‌های خانوادگی و اجتماعی را شکل می‌دهند که عمدتا به شکل شفاهی و از طریق تجربه نسل‌های پیشین به نسل بعد منتقل شده‌اند.

پرونده‌ای که برای ثبت در یونسکو ارائه شده، تنها به خود آوازهای لالایی محدود نیست و سنت‌های گهواره‌گذاری و آوازخوانی برای کودکان را نیز دربر می‌گیرد. عنوان رسمی این پرونده در یونسکو «سنت‌های گهواره‌گذاری نوزادان و خواندن لالایی» است. ایران، تاجیکستان و ترکمنستان سه کشور ارائه‌دهنده آن هستند و با شماره ۲۲۵۷ در فهرست پرونده‌های پیشنهادی سال ۲۰۲۶ یونسکو قرار گرفته است.

در ترکمنستان، آوازهای سنتی «هوودی» هنگام آرام کردن کودک و در کنار گهواره «سالانچاک» خوانده می‌شوند. در تاجیکستان نیز گهواره سنتی «گهواره» و آوازهای مادرانه بخشی از فرهنگ مراقبت از نوزاد به شمار می‌روند. وجه مشترک این سه کشور، انتقال شفاهی لالایی‌ها و پیوند آنها با فرهنگ مادری، خانواده و شیوه‌های سنتی مراقبت از کودکان است. این آوازها با وجود تفاوت در زبان و ملودی، کارکردی مشابه دارند و در آنها مفاهیمی مانند محبت، امنیت، امید، آرزو برای سلامتی و آینده کودک تکرار می‌شود.

نمدمالی؛ هنری که از پشم، زیرانداز و پوشاک می‌سازد



نمدمالی یکی از هنرها و مهارت‌های سنتی و کهن جوامع دامدار و عشایری است که در آن با استفاده از پشم طبیعی و به کارگیری روش‌های دستی، محصولاتی بدون نیاز به بافتن تار و پود تولید می‌شود. این هنر در ایران سابقه‌ای طولانی دارد و در مناطق مختلف کشور، به‌ویژه نواحی دارای پیشینه دامداری و زندگی عشایری، رواج داشته است.

نمد از درهم تنیدن و فشرده شدن الیاف پشم در اثر رطوبت، حرارت، فشار و مالش به دست می‌آید. در این فرآیند، پشم شسته و آماده شده روی سطحی گسترده می‌شود و پس از شکل‌دهی، با آب و گاه مواد شوینده مرطوب شده و با کوبیدن، مالش و فشردن، الیاف آن به یکدیگر پیوند می‌خورند. محصول نهایی با توجه به نوع کاربرد می‌تواند به شکل زیرانداز، پوشاک، کلاه، کف‌پوش و دیگر وسایل مورد استفاده در زندگی روزمره تولید شود.

در ایران، نمدمالی علاوه بر ارزش اقتصادی و کاربردی، با فرهنگ زندگی عشایری، دامداری و دانش بومی جوامع محلی ارتباط دارد. این هنر در مناطقی مانند گلستان، خراسان، سمنان، مازندران و برخی دیگر از نواحی کشور شناخته شده است.

پرونده «نمدمالی سنتی» به صورت مشترک از سوی هشت کشور ایران، جمهوری آذربایجان، قزاقستان، قرقیزستان، مغولستان، تاجیکستان، ترکیه و ازبکستان برای ثبت در فهرست نماینده میراث فرهنگی ناملموس بشریت ارائه شده است. این پرونده با شماره ۲۲۵۵ در اسناد یونسکو قرار دارد. دلیل ارائه مشترک این پرونده، ریشه‌های تاریخی و فرهنگی هنر نمدمالی در میان جوامع مختلف آسیای مرکزی، قفقاز، آناتولی و فلات ایران است. این هنر در بسیاری از این کشورها با وجود تفاوت در شیوه اجرا، نقش مایه‌ها، ابزارها و محصولات نهایی، بر پایه دانش مشترک کار با پشم و فنون سنتی فشرده‌سازی الیاف شکل گرفته است.

زندگی دامداری و کوچ‌نشینی، دسترسی به پشم گوسفند و نیاز به تولید وسایل مقاوم و کاربردی، زمینه گسترش این هنر در پهنه جغرافیایی وسیعی از آسیا را فراهم کرده است. به همین دلیل، نمدمالی را نمی‌توان صرفا به یک کشور یا یک منطقه جغرافیایی محدود کرد.

تیرگان با آرش کمانگیر گره خورده است

محمدابراهیم زارعی، رئیس پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری

جشن تیرگان، یادآور مفاهیمی بنیادین همچون امید، باران‌خواهی، همبستگی اجتماعی و پاسداشت آب به عنوان سرچشمه حیات است. در روایت‌های اسطوره‌ای ایران، تیرگان با نام آرش کمانگیر گره خورده است پهلوانی که با ایثار و از خودگذشتگی، تیر خویش را برای تعیین مرزهای ایران رها کرد و به نمادی جاودانه از فداکاری، میهن‌دوستی و مسئولیت‌پذیری در برابر سرنوشت جمعی بدل شد. این روایت، افزون بر جایگاه برجسته‌اش در میراث اسطوره‌ای ایران، بازتابی از جهان‌بینی ایرانیان درباره پیوند انسان، سرزمین و مسئولیت تاریخی او به شمار می‌آید.

تیرگان که در روز سیزدهم تیر در گاه‌شمار ایرانی برگزار می‌شود، همچنین جشن آب و باران است. در بسیاری از نقاط ایران، آیین‌های این روز با پاشیدن آب، نیایش برای بارش باران و گرامیداشت این عنصر حیاتی همراه بوده است؛ عنصری که در فرهنگ ایرانی، از اوستا تا ادبیات کلاسیک فارسی، همواره نماد پاکی، زندگی، زایش و پایداری دانسته شده است. این جلوه از تیرگان نشان می‌دهد که ایرانیان از دیرباز درکی عمیق از پیوند میان فرهنگ، طبیعت و زیست‌بوم داشته‌اند.

پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، به عنوان نهادی علمی و پژوهشی در حوزه صیانت از میراث فرهنگی کشور، آیین‌هایی، چون تیرگان را بخشی ارزشمند از میراث فرهنگی ناملموس ایران می‌داند؛ میراثی که در کنار آثار تاریخی، هویت فرهنگی و تاریخی جامعه ایرانی را شکل داده و استمرار بخشیده است. پژوهش، مستندسازی، حفاظت و معرفی این آیین‌ها، زمینه‌ساز شناخت عمیق‌تر ریشه‌های فرهنگی ایران و انتقال این سرمایه ارزشمند به نسل‌های آینده خواهد بود.

تیرگان فرصتی برای بازاندیشی در ارزش‌های ماندگار فرهنگ ایرانی است؛ ارزش‌هایی، چون همدلی، احترام به طبیعت، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و امید به آینده. امید است با شناخت ژرف‌تر این سنت‌های کهن و پاسداشت آنها در زندگی امروز، بتوانیم پیوند خود را با میراث فرهنگی ایران‌زمین استوارتر سازیم و این گنجینه گرانبها را به شایستگی به آیندگان بسپاریم.

دست‌بندهای رنگی تیرو باد



مریم پهلوان‌شریف، پژوهشگر پژوهشکده مردم‌شناسی

در مطالعات مردم‌شناسی، پرسش اصلی چگونگی تداوم آیین‌های کهن در دنیای معاصر است. اگرچه تیرگان با روایت‌هایی همچون نبرد تیشتر و اپوش و داستان آرش کمانگیر پیوند دارد، اما آنچه این جشن را ماندگار کرده، کارکرد اجتماعی آن در بازآفرینی پیوند میان انسان، طبیعت و جامعه است.

تیرگان در گاه‌شمار رزتشتی یکی از مهم‌ترین جشن‌های ماهانه به شمار می‌رود و هر سال با آیین‌هایی همچون آب‌پاشی، نیایش، گردهمایی، خوراک‌های آیینی و دیگر مراسم نمادین برگزار می‌شود. این آیین‌ها زمینه‌ای برای تقویت هویت فرهنگی، حفظ حافظه تاریخی و انتقال سنت‌ها به نسل‌های بعد فراهم می‌کنند.

بستن دست‌بندهای رنگی تیرو باد یکی از جلوه‌های نمادین این جشن است. این دست‌بندها که از هفت رشته نخ رنگی بافته می‌شوند، در روز جشن به مچ دست بسته شده و در روز باد همراه با آرزوهای نیک به باد سپرده می‌شوند. این رسم، نمادی از امید، آرزوخواهی، پیوند با طبیعت و استمرار باورهای کهن در قالب رفتارهای آیینی است.

هویت فرهنگی پدیده‌ای ثابت نیست و آیین تیرگان نیز با حفظ هسته معنایی خود، توانسته در طول زمان با شرایط و نیازهای جامعه سازگار شود. همین ویژگی، راز ماندگاری این جشن کهن است.

تیرگان بخشی از منظومه فرهنگی ایران زمین است و آیین‌های مرتبط با بزرگداشت آب و باران‌خواهی در مناطق مختلف کشور، بازتاب همین سنت دیرینه هستند. در این میان، جامعه زرتشتیان ایران با پاسداشت این آیین در کنار دیگر سنت‌های فرهنگی مرتبط، نقش مهمی در حفظ و تداوم این میراث ارزشمند ایفا کرده‌اند.



علیرضا رشیدیان، رئیس سازمان حج و زیارت:

تکلیف ارز حج ۱۴۰۶ باید هرچه سریع‌تر مشخص شود

درجست‌وجوی هوای پاک با جیب خالی، مردم با کدام پول خودرو بخرند؟

گره کور نوسازی خودروهای فرسوده



با آغاز فصل سرد و تشدید پدیده وارونگی دما، بار دیگر آلودگی هوا به یکی از جدی‌ترین معضلات کلان‌شهرهای کشور تبدیل شده است. در میان عوامل متعدد آلودگی، وسایل نقلیه موتوری سهم قابل توجهی دارند؛ به‌طوری که بر اساس آمارهای اعلام‌شده، سهم وسایل نقلیه متحرک در آلودگی هوای تهران حدود ۴۲ درصد است. هرچند این سهم تنها به خودروهای فرسوده اختصاص ندارد، اما فرسودگی ناوگان و تردد خودروهایی که استانداردهای آلایندگی را رعایت نمی‌کنند، مسئله را تشدید می‌کند.

به گزارش «آگاه» خودروهای فرسوده به دلیل استهلاک موتور، نقص در سیستم احتراق و عملکرد نامناسب تجهیزات کنترل آلایندگی، در مقایسه با خودروهای سالم آلاینده‌های بیشتری تولید می‌کنند. از سوی دیگر، افزایش مصرف سوخت، هزینه‌های نگهداری، احتمال نقص فنی و کاهش ایمنی نیز از پیامدهای ادامه فعالیت این خودروهاست. بنابراین خروج آنها از چرخه حمل‌ونقل، صرفا یک تصمیم اقتصادی یا صنعتی نیست، بلکه ضرورتی برای حفظ سلامت عمومی و کاهش آلودگی هوا به شمار می‌رود.

قانون اسقاط؛ خودروسازان هم مکلف شدند

در همین راستا، طرح نوسازی ناوگان و اسقاط خودروهای فرسوده با هدف جایگزینی خودروهای آلاینده و ایجاد سازوکاری برای تامین منابع این فرآیند طراحی شد. یکی از مهم‌ترین مبانی قانونی آن، ماده ۱۰ قانون ساماندهی صنعت خودرو است که مسئولیت‌هایی را برای تولیدکنندگان و واردکنندگان خودرو در زمینه تامین گواهی اسقاط تعیین می‌کند.

بر اساس اصلاحات آیین نامه اجرایی این ماده که از شهریور ۱۴۰۵ وارد مرحله اجرا شد، خودروسازان داخلی موظفند به ازای تولید هر چهار دستگاه خودرو یا موتورسیکلت، یک گواهی اسقاط معادل از مراکز اسقاط تامین کنند. به بیان دیگر، تامین گواهی اسقاط معادل ۲۵ درصد تولید، یکی از الزامات شماره‌گذاری محصولات تولیدکنندگان داخلی است. واردکنندگان نیز متناسب با نوع و مشخصات خودروهای وارداتی، مشمول الزامات تامین گواهی اسقاط هستند.

در این میان، گواهی اسقاط سندی است که پس از طی مراحل قانونی و تحویل وسیله نقلیه فرسوده به مراکز مجاز، در سامانه مربوط ثبت و صادر می‌شود. این گواهی به عنوان یک اعتبار قابل معامله در اختیار مراکز اسقاط قرار می‌گیرد تا خودروسازان و واردکنندگان بتوانند تعهدات قانونی خود را از طریق خرید آن انجام دهند. البته همه وسایل نقلیه صرفا با یک معیار سنی مشخص فرسوده محسوب نمی‌شوند. سن فرسودگی با توجه به نوع کاربری و ضوابط آیین‌نامه تعیین می‌شود و وضعیت فنی و آلایندگی نیز در برخی موارد اهمیت دارد. حتی خودروهای بالای ۱۰ سال که هنوز به سن فرسودگی نرسیده‌اند، در صورت مردود شدن متوالی در دو نوبت معاینه فنی به دلیل ایمنی یا آلایندگی، امکان اسقاط دارند؛ هرچند این گروه در اولویت دریافت تسهیلات قرار نمی‌گیرند. بنابراین خودروهای سواری شخصی، تاکسی‌ها، وانت‌ها، اتوبوس‌ها، کامیون‌ها و موتورسیکلت‌ها، هرکدام تابع ضوابط و شرایط کاربری خود هستند.

گواهی اسقاط چقدر می‌ارزد؟

یکی از مهم‌ترین بخش‌های این طرح، ارزش اقتصادی گواهی اسقاط و نحوه تامین مالی آن است. درواقع، گواهی اسقاط علاوه بر اینکه ابزاری برای اجرای تکلیف قانونی خودروسازان است، باید انگیزه‌ای اقتصادی برای مالکان خودروهای فرسوده ایجاد کند تا برای خروج وسیله نقلیه خود از چرخه تردد اقدام کنند. در سال جاری نرخ هر گواهی اسقاط خودروی سواری از ۳۵ میلیون به ۶۰ میلیون تومان افزایش یافت. در ادامه و در آبان، پیشنهاد افزایش این رقم به ۱۰۰ میلیون تومان مطرح شد. با توجه به اینکه برای هر خودروی سواری سه گواهی در نظر گرفته می‌شود، ارزش مجموع گواهی‌های یک خودروی فرسوده از ۱۸۰ میلیون تومان به ۳۰۰ میلیون تومان می‌رسد. با این حال، رقم ۱۰۰ میلیون تومان به‌عنوان نرخ جدید پیشنهادی مطرح شده و تا زمان تایید و ابلاغ نهایی باید میان پیشنهاد انجمن صنفی و نرخ قطعی تفاوت قائل شد.

ضرورت افزایش نرخ گواهی نیز از چند جهت قابل بررسی است. افزایش هزینه‌های فعالیت مراکز اسقاط، تجهیزات، نیروی انسانی، حمل‌ونقل و فرآیند بازیافت، در کنار تورم و کاهش ارزش پول، موجب شده است نرخ‌های قبلی انگیزه اقتصادی کافی برای ادامه فعالیت و توسعه ظرفیت این مراکز ایجاد نکند. از سوی دیگر، اگر ارزش گواهی متناسب با هزینه‌های واقعی و شرایط اقتصادی اصلاح نشود، مالکان نیز انگیزه کافی برای تحویل خودروهای خود نخواهند داشت. البته افزایش قیمت گواهی به تنهایی به معنای افزایش قطعی دریافتی مالک نیست؛ چراکه ارزش گواهی، سهم مرکز اسقاط و مبلغ پرداختی بابت لاشه خودرو، موضوعاتی هستند که باید در سازوکار مالی طرح به‌صورت شفاف از یکدیگر تفکیک شوند.

وعده تسهیلات؛ سهم مالکان سواری کجاست؟

یکی از مهم‌ترین ابهامات طرح، موضوع تسهیلات و حمایت‌های مالی برای جایگزینی خودروهای فرسوده است. طی ماه‌های گذشته ارقام مختلفی درباره وام‌های نوسازی اعلام شده، اما این تسهیلات به همه گروه‌های خودرویی تعلق نمی‌گیرد. برای نمونه، در طرح نوسازی وانت‌های فرسوده، تسهیلات بانکی یک میلیارد و ۱۰۰ میلیون تومانی به همراه ۳۰۰ میلیون تومان یارانه اسقاط مطرح شده است. برای اتوبوس‌های فرسوده نیز تسهیلات ۱۵ میلیارد تومانی و برای برخی گروه‌های دیگر از جمله تاکسی‌های برقی و موتورسیکلت‌های فعال در پلتفرم‌ها حمایت‌هایی در نظر گرفته شده است. با این حال، مالکان خودروهای سواری شخصی که بخش مهمی از دارندگان خودروهای فرسوده را تشکیل می‌دهند، همچنان از وضعیت تسهیلات خود اطمینان ندارند.

محمدحسین گودرزی، نایب‌رئیس انجمن صنفی مراکز اسقاط خودروهای کشور، با انتقاد از نحوه اطلاع‌رسانی درباره تسهیلات اعلام کرده است که تاکنون تسهیلات نوسازی از محل منابع پیش بینی شده به مالکان خودروهای سواری شخصی پرداخت نشده است. به گفته او، منابع حاصل از عوارض یک‌ونیم درصدی که قرار بود در قالب تسهیلات کم‌بهره به مالکان اختصاص یابد، با ابهام در سرنوشت و نحوه تخصیص مواجه است. درواقع، اعلام رقم‌های بزرگ تسهیلات بدون مشخص کردن گروه‌های مشمول، شرایط دریافت، نرخ سود، مدت بازپرداخت و زمان پرداخت، نه‌تنها کمکی به مالکان نمی‌کند، بلکه انتظاراتی ایجاد می‌کند که در عمل محقق نشده است.

وقتی اسقاط برای مالک صرفه اقتصادی ندارد

مشکل اصلی زمانی آشکار می‌شود که وضعیت اقتصادی مالکان خودروهای فرسوده را در نظر بگیریم. بخش قابل توجهی از این خودروها در اختیار خانوارهای متوسط و کم‌درآمد جامعه قرار دارند و حتی برای برخی مالکان، خودرو وسیله اصلی کسب درآمد و امرار معاش است. طبیعی است که خروج چنین خودرویی از چرخه فعالیت، بدون فراهم شدن امکان جایگزینی آن، می‌تواند زندگی اقتصادی مالک را با مشکل مواجه کند.

در شرایطی که قیمت خودروهای داخلی نیز به شدت افزایش یافته و بسیاری از محصولات جدید با قیمت‌های بیش از یک تا دو میلیارد تومان عرضه می‌شوند، دریافت ارزش گواهی اسقاط به تنهایی امکان خرید خودروی جایگزین را فراهم نمی‌کند. حتی اگر مالک در بهترین حالت از ارزش ۳۰۰ میلیون تومانی گواهی‌های اسقاط برخوردار شود و مبلغی نیز بابت لاشه خودرو دریافت کند، همچنان باید بخش بزرگی از هزینه خرید خودرو را از منابع شخصی یا از طریق دریافت تسهیلات تامین کند.

از سوی دیگر، تحویل خودرو به مراکز اسقاط به معنای پایان امکان استفاده از وسیله نقلیه است؛ در حالی که زمان تحویل خودروی جایگزین، شرایط ثبت‌نام، میزان آورده اولیه و نحوه پرداخت تسهیلات نیز برای بسیاری از مالکان روشن نیست. ابهام درباره سهمیه بنزین خودروهای نوشماره و وضعیت برخورداری آنها از سهمیه‌های یارانه‌ای نیز به دغدغه‌های خریداران احتمالی اضافه شده است. با وجود این انتقادها، محمدصادق حاتمی، مدیر ستاد نوسازی ناوگان حمل‌ونقل و اسقاط خودروهای فرسوده، از افزایش روند اسقاط خبر داده و اعلام کرده است که تا ۲۳ آبان امسال حدود ۱۲۰ هزار دستگاه خودرو اسقاط شده و میانگین اسقاط روزانه به حدود هزار و ۲۰۰ دستگاه رسیده است. در حالی که این تعداد در مقابل آمار ۳۵۰ هزار خودروی اسقاط شده در سال ۱۴۰۳ نشان‌دهنده کاهش آمار اسقاط است. لذا اصلاح سازوکار تامین و مصرف گواهی‌ها می‌تواند بر سرعت خروج خودروهای فرسوده اثرگذار باشد، هرچند آمار اسقاط به‌تنهایی به معنای حل مشکلات مالکان نیست.

ضرورت تعیین تکلیف فوری طرح

در نهایت، سیاست اسقاط خودروهای فرسوده زمانی می‌تواند به اهداف زیست‌محیطی و اقتصادی خود برسد که منافع مالکان نیز در آن دیده شود. دولت باید پیش از هر چیز وضعیت تسهیلات را به‌صورت شفاف اعلام کند و مشخص سازد کدام گروه از خودروها مشمول وام، یارانه یا امتیاز خرید خودرو هستند. منابع پیش‌بینی‌شده برای نوسازی نیز باید با سازوکاری مشخص و بدون واسطه‌گری به دست مالکان واجد شرایط برسد.

همچنین ضروری است برای خودروهای سواری شخصی، که سهم بزرگی از ناوگان فرسوده را تشکیل می‌دهند، برنامه‌ای مستقل و عملیاتی تدوین شود؛ برنامه‌ای که شامل تسهیلات متناسب با قیمت روز خودرو، پیش‌پرداخت قابل تامین، نرخ سود مناسب و زمان قطعی تحویل خودروی جایگزین باشد. پرداخت یارانه اسقاط نیز باید به‌گونه‌ای تنظیم شود که با ارزش واقعی خودرو و هزینه جایگزینی آن تناسب داشته باشد. واقعیت این است که نمی‌توان از یک خانوار کم‌درآمد خواست خودرویی را که احتمالا ابزار اصلی زندگی و درآمد اوست، از رده خارج کند، اما در مقابل، امکان خرید خودروی جایگزین را برایش فراهم نکرد. اسقاط باید به معنای نوسازی واقعی ناوگان باشد، نه صرفا حذف خودروهای قدیمی از خیابان‌ها و تحمیل هزینه‌ای سنگین به مالکان.

اگر دولت به دنبال کاهش آلودگی هواست، باید میان ضرورت خروج خودروهای فرسوده و توان اقتصادی صاحبان آنها تعادل برقرار کند. در غیر این صورت، طرحی که قرار بود هم به بهبود کیفیت هوا کمک کند و هم زمینه نوسازی ناوگان را فراهم آورد، ممکن است به چرخه‌ای از وعده، بلاتکلیفی و انصراف مالکان تبدیل شود؛ چرخه‌ای که در نهایت نه مردم از آن منتفع می‌شوند و نه محیط زیست.

رانت و تعارض منافع در اسقاط خودرو

وزیر صمت به مداخلات ستاد پایان دهد

رئیس فراکسیون محیط زیست و عضو هیات رئیسه مجلس شورای اسلامی، با انتقاد از عملکرد ستاد نوسازی ناوگان حمل‌ونقل و اسقاط خودروهای فرسوده، خواستار ورود فوری وزیر صنعت، معدن و تجارت برای پایان دادن به مداخلات و جلوگیری از رانت و تعارض منافع در این حوزه شد.

سمیه رفیعی با اشاره به نقش خودروهای فرسوده در تشدید آلودگی هوا در گفت‌وگو با «تسنیم» گفت: یکی از منابع مهم تولید آلاینده‌ها، خودروهای فرسوده هستند و به همین دلیل در ماده ۱۰ قانون ساماندهی صنعت خودرو، مقرر شد به ازای تولید هر چهار دستگاه خودرو، یک دستگاه خودروی فرسوده از همان نوع از رده خارج شود. وی افزود: با وجود این حکم قانونی، آیین‌نامه‌های اجرایی اولیه به‌گونه‌ای تدوین شده بودند که عملا قانون را دور می‌زدند و به جای اسقاط یک خودرو به ازای هر چهار دستگاه تولیدی، شرایطی ایجاد شده بود که این نسبت به یک خودرو به ازای هر ۱۲ دستگاه تولیدی کاهش پیدا می‌کرد. به گفته رفیعی، برخی خودروسازان بزرگ حتی همین تعهد را نیز اجرا نکردند و با پرداخت وجه نقد از انجام آن عبور کردند.

رئیس فراکسیون محیط زیست مجلس با بیان اینکه پیگیری‌های مجلس به اصلاح آیین‌نامه‌ها منجر شد، اظهار کرد: با وجود اصلاحات انجام‌شده، همچنان ایراداتی در سازوکار اجرایی وجود دارد و مداخلات دولت در بازار گواهی اسقاط، فعالیت مراکز اسقاط و مالکان خودروهای فرسوده را با بلاتکلیفی مواجه کرده است. وی با اشاره به افت آمار اسقاط تصریح کرد: در سال ۱۴۰۳ حدود ۳۵۰ هزار دستگاه خودرو اسقاط شد، اما این رقم در سال ۱۴۰۴ به حدود ۲۰۵ هزار دستگاه کاهش یافت و در هشت ماه نخست سال جاری نیز تعداد خودروهای اسقاط شده به ۱۲۰ هزار دستگاه نرسیده است.



رفیعی یکی از دلایل اصلی این وضعیت را تعارض منافع در ساختار ستاد نوسازی ناوگان دانست و گفت: حضور افرادی از بدنه خودروسازی در این ساختار می‌تواند تصمیم‌گیری‌ها را تحت تاثیر قرار دهد و در نهایت منافع خودروسازان را بر منافع عمومی مقدم کند. وی افزود: وقتی قیمت خودروهای جدید به چند میلیارد تومان رسیده و دولت نیز شرایط دریافت گواهی اسقاط و تسهیلات جایگزینی را برای مالکان روشن نمی‌کند، طبیعی است که صاحبان خودروهای فرسوده تمایلی به تحویل وسیله نقلیه خود نداشته باشند.

این نماینده مجلس همچنین از توقف عرضه گواهی اسقاط خودروهای سواری از سوی مراکز اسقاط در سه هفته گذشته و بلاتکلیفی فعالان این حوزه انتقاد کرد و گفت: تغییرات مداوم در نحوه فروش، سقف تولید و قیمت گواهی‌ها، بازار را مختل کرده است. رفیعی در پایان از وزیر صمت خواست هرچه سریع‌تر به مداخلات در ستاد نوسازی ناوگان پایان دهد و با جلوگیری از رانت و تعارض منافع، زمینه بازگشت ثبات به بازار گواهی اسقاط و افزایش خروج خودروهای فرسوده از چرخه تردد را فراهم کند.

توقیف سیستمی و فیزیکی در انتظار متخلفان

خودروهای دودزا در تیررس پلیس



رئیس پلیس راهور فراجا با تاکید بر تشدید نظارت بر وضعیت فنی و زیست‌محیطی خودروها اعلام کرد: وسایل نقلیه دودزا، فاقد معاینه فنی معتبر و دارای نقص فنی موثر، با محدودیت تردد و برخورد قانونی مواجه خواهند شد و در صورت بی‌توجهی مالکان به اخطارها، توقیف فیزیکی آنها نیز در دستور کار قرار می‌گیرد.

سردار سید تیمور حسینی با اشاره به تشدید آلودگی هوا در کلان شهرها، به ویژه تهران، گفت: آلودگی هوا حاصل مجموعه‌ای از عوامل از جمله افزایش حجم تردد خودروها، کیفیت سوخت، تراکم ترافیک، فرسودگی ناوگان، مصرف بالای سوخت و رعایت نکردن الزامات معاینه فنی است که در فصل سرد سال و با بروز پدیده وارونگی دما، آثار آن تشدید می‌شود. وی افزود: بر اساس آخرین آمار ثبت شده، در مهر امسال بیش از ۴۳ میلیون تردد در کشور به ثبت رسیده است. همچنین در روز ۲۳ آبان، بیش از ۷۰۳ هزار خودرو وارد تهران و ۷۸۶ هزار خودرو از پایتخت خارج شده اند که نشان‌دهنده حجم بالای جابه‌جایی وسایل نقلیه در این محدوده است.

رئیس پلیس راهور فراجا با اشاره به نقش خودروهای فرسوده در افزایش آلایندگی اظهار کرد: بخشی از ناوگان کشور به دلیل عمر بالا، فناوری قدیمی موتور، مصرف سوخت زیاد و ضعف سیستم کنترل آلایندگی، آلاینده‌های بیشتری تولید می‌کنند. از سوی دیگر، کیفیت تولید خودرو و رعایت استانداردهای زیست‌محیطی نیز باید از سوی خودروسازان و دستگاه‌های مسئول به‌طور جدی دنبال شود.

الزام قانونی معاینه فنی و برخورد با متخلفان

حسینی با تاکید بر ماده ۶ قانون هوای پاک مصوب سال ۱۳۹۶ گفت: تردد وسایل نقلیه موتوری بدون معاینه فنی معتبر ممنوع است و خودروهایی که میزان آلایندگی آنها بیش از حدود مجاز باشد، اجازه تردد ندارند. وی افزود: خودروهای شخصی و دولتی تا چهار سال پس از دریافت سند مالکیت و برگ سبز از معاینه فنی معاف هستند، اما وسایل نقلیه عمومی از جمله اتوبوس‌ها، وانت بارها و کامیون‌ها مطابق ضوابط مربوط، پس از یک سال باید معاینه فنی دریافت کنند.

رئیس پلیس راهور فراجا تصریح کرد: شناسایی خودروهای فاقد معاینه فنی هم از طریق گشت‌های پلیس و هم با استفاده از دوربین‌ها و سامانه‌های هوشمند انجام می‌شود. در صورت ثبت تخلف، حتی اگر امکان توقف خودرو وجود نداشته باشد، تخلف از طریق سامانه‌های الکترونیکی ثبت و مطابق مقررات اعمال قانون خواهد شد. وی ادامه داد: نظارت پلیس صرفا به اعتبار برگه معاینه فنی محدود نیست و خودروهای دارای نقص موثر در سیستم ترمز، فرمان، لاستیک‌ها و اگزوز یا خودروهایی که دود و آلایندگی بیش از حد مجاز تولید می‌کنند نیز مشمول برخورد قانونی خواهند بود.

حسینی با اشاره به نحوه برخورد با این وسایل نقلیه گفت: متناسب با شرایط خودرو، امکان ثبت توقیف سیستمی و اعمال محدودیت تردد وجود دارد. همچنین برای انتقال خودرو به تعمیرگاه و رفع نقص، اقدامات قانونی انجام و از طریق پیامک به مالک اطلاع‌رسانی می‌شود. وی تاکید کرد: در صورت بی‌توجهی مالک به اخطارها و خودداری از رفع نقص، توقیف فیزیکی خودرو نیز مطابق ضوابط قانونی در دستور کار قرار می‌گیرد.

کنترل معاینه فنی در نقل‌وانتقال خودرو

رئیس پلیس راهور فراجا با اشاره به کنترل وضعیت معاینه فنی در مراکز شماره‌گذاری اظهار کرد: خودروهایی که برای نقل‌وانتقال مراجعه می‌کنند، از نظر وضعیت معاینه فنی و تخلفات ثبت‌شده مورد استعلام قرار می‌گیرند و مالکان باید پیش از دریافت خدمات، الزامات قانونی مربوط را رعایت کنند.

حسینی در پایان با تاکید بر اینکه مقابله با آلودگی هوا تنها بر عهده پلیس نیست، گفت: پلیس در حوزه مدیریت تردد و برخورد با خودروهای آلاینده وظایف خود را دنبال می‌کند، اما کاهش پایدار آلودگی هوا نیازمند همکاری همه دستگاه‌های مسئول، خودروسازان و مردم است. سلامت شهروندان و حق برخورداری از هوای پاک، موضوعی نیست که بتوان از کنار آن به‌سادگی عبور کرد.

هشدار نسبت به تداوم آلودگی هوای تهران تا چهارشنبه



اداره کل هواشناسی استان تهران نسبت به افزایش آلاینده‌های جوی به‌ویژه ذرات معلق کوچک‌تر از ۲.۵ میکرون تا چهارشنبه (۲۷ آبان) هشدار داد.

به گزارش «آگاه» اداره کل هواشناسی استان تهران با صدور هشدار سطح زرد با اشاره به پایداری نسبی جو و عدم وزش باد قابل ملاحظه به‌ویژه در ساعات شب و ابتدای روز در نواحی پرتردد شهری آورده است: از سه‌شنبه تا چهارشنبه (۲۶ تا ۲۷ آبان) افزایش آلاینده‌های جوی به‌ویژه ذرات معلق کوچک‌تر از ۲.۵ میکرون به‌ویژه در مناطق مرکزی و جنوبی استان تهران پیش‌بینی می‌شود.

از آثار این مخاطره جوی می‌توان افزایش نسبی آلاینده‌ها و کاهش کیفیت هوا در حد ناسالم برای گروه‌های حساس و در صورت عدم مهار منابع انتشار آلاینده‌های جوی گاهی هوای ناسالم برای تمام گروه‌ها در نواحی پرتردد مناطق مرکزی و جنوبی شهر تهران اشاره کرد. در این وضعیت آب و هوایی اداره کل هواشناسی استان تهران نسبت به کاهش ترددهای غیر ضروری به‌ویژه برای کودکان و سالمندان و مبتلایان به بیماری‌های قلبی و تنفسی در مناطق پرتردد شهری در ساعات‌های اوج انباشت آلاینده‌ها و تا حد امکان استفاده از ناوگان حمل و نقل عمومی توصیه می‌کند. هشدار سطح زرد به معنای این است که پدیده‌ای جوی رخ خواهد داد که ممکن است در سفرها و انجام کارهای روزمره اختلالاتی را ایجاد کند. این هشدار برای آگاهی مردم صادر می‌شود تا بتوانند آمادگی لازم را برای مواجهه با پدیده‌ای جوی داشته باشند که از حالت معمول کمی شدت بیشتری دارد. از سوی دیگر مسئولان نیز در جریان این هشدارها قرار می‌گیرند تا اگر لازم باشد تمهیداتی را بیندیشند.

روزنامه گروه رسانه‌ای مهر
روزنامه آگاه
۶۹۲

آگاه/ روزنامه گروه رسانه‌ای مهر
مدیرمسئول: محمدمهدی رحمتی
سردبیر: امیر اسماعیلی
دبیر تحریریه: رضا ظریفی
مدیر داخلی: عماد خورشیدطلب
دبیران گروه‌ها: هادی رضایی سیاست | سید مرتضی مفیدنژاد پرونده‌های ویژه
مجتبی مشهدی محمد فرهنگ

خیابان رازی، خیابان هاشمی فر، ساختمان ابن سینا
۹۲۰۰۴۷۱۶ - ۰۲۱ کد پستی: ۱۱۳۳۸۳۵۵۱۳
agaah_ir | m@agaah.ir | www.Agaah.ir

سه‌شنبه
۲۶ آبان ماه ۱۴۰۵
۷ جمادی الثانی ۱۴۴۸ | ۱۷ نوامبر ۲۰۲۶

اذان صبح	۰۵:۱۴
اذان ظهر	۱۱:۴۹
اذان مغرب	۱۷:۱۶
نیمه‌شب‌شرعی	۲۳:۰۵

حذف دو اپ کاربردی موبایل سامسونگ

سامسونگ دو اپ واقعیت افزوده موبایل هایش را در گلکسی استور حذف می‌کند.
به نقل از انگجت، اگر کاربران موبایل های این شرکت خواستار استفاده از Quick Measure یا AR Doodle برای دستگاه‌های گلکسی هستند، بهتر است هرچه زودتر آنها را دانلود کنند زیرا شرکت کره‌ای اپ های مذکور را در ۳۱ دسامبر پاک می کند. البته سامسونگ اظهار کرده احتمالا در آینده آنها را دوباره ارائه می‌کند.
اپ Quick Measure یک خط‌کش واقعیت مجازی است که به کاربر امکان اندازه‌گیری مسافت‌ها و مناطق مورد نظر در دنیای واقعی را می‌دهد. اپ AR Doodle نیز به کاربر امکان می‌دهد جلوه‌های ویژه سه‌بعدی به عکس‌ها و ویدئوها اضافه کند.
سامسونگ اطلاعیه های مشابهی را برای حذف هریک از اپ هایش در فروشگاه گلکسی منتشر کرده است. در بیانیه شرکت آمده است پس از ۳۱ دسامبر، دانلود جدید این برنامه‌ها و پشتیبانی برای به روزرسانی اپ های موجود متوقف می‌شود. کاربر اگر قبلا این اپ ها را دانلود کرده باشد، می‌تواند همچنان از آنها استفاده کند اما باید به خاطر داشته باشد برخی ویژگی‌های آن ممکن است به درستی کار نکنند.

اپلیکیشن جدید «اپل» برای بررسی استفاده از هوش مصنوعی در حوزه سلامت



شرکت‌های بزرگ هوش مصنوعی مانند «اوپن‌ای‌آی» و «آنتروپیک» برارائه چت‌بات‌هایی سرمایه‌گذاری کرده‌اند که با بهره‌گیری از قابلیت‌های تخصصی می‌توانند به پرسش‌های مرتبط با حوزه سلامت پاسخ دهند.
به نقل از تک‌کرانچ، شرکت «اپل» پژوهش جدیدی را آغاز کرده است تا دریابد افراد چگونه از هوش مصنوعی در حوزه سلامت استفاده می‌کنند. این شرکت هنوز کاملا از رویه سایر استارت‌آپ‌های حوزه هوش مصنوعی پیروی نمی‌کند؛ بلکه قصد دارد بفهمد که چگونه پاسخ‌های مبتنی بر مبانی بالینی می‌توانند به افراد کمک کنند.
این شرکت سازنده «آیفون» با شرکت «اوپن اویدنس» که در حوزه هوش مصنوعی متمرکز بر مراقبت‌های بهداشتی فعالیت دارد، برای راه‌اندازی یک اپلیکیشن جدید مطالعاتی همکاری می‌کند. اپل از کاربران ساکن آمریکا برای شرکت در این طرح دعوت به عمل آورده که بیش از ۲۱ سال سن دارند، از آیفون ۱۵ یا مدل‌های جدیدتر استفاده می‌کنند، سیستم‌عامل iOS ۲۶ یا نسخه‌های بعدی روی دستگاه‌شان نصب است و قابلیت «اپل اینتلیجنس» را فعال کرده‌اند. هدف اپل آن است که بررسی خود را با حضور حداکثر ۲۰۰ هزار شرکت‌کننده و به مدت بیش از ۱۲ ماه اجرا کند.
این اپلیکیشن جدید به کاربران امکان می‌دهد تا مانند «چت جی پی تی» یا «کلود» پرسش‌های مربوط به سلامت خود را بپرسند و پاسخ‌های آنها مبتنی بر داده‌های بالینی منابعی مانند «مجله پزشکی نیوانگلند»، «مجله انجمن پزشکی آمریکا» و «نیچر» باشد.
شرکت کنندگان می‌توانند داده های سلامت مانند ضربان قلب در حال استراحت، فعالیت، خواب یا نتایج آزمایش را در اختیار اپلیکیشن بگذارند تا پیشنهادات شخصی سازی شده‌تر و هدفمندتری را از آن دریافت کنند.
همچنین، اپل اعلام کرده است که این برنامه می‌تواند به شرکت‌کنندگان در آماده‌سازی بهتر برای ویزیت پزشک کمک کند و کاربران را برای دریافت پاسخ‌های مربوط به مسائل پزشکی نگران‌کننده، به سوی ارائه‌دهندگان خدمات خاص راهنمایی کند.
این اپلیکیشن برای کاربران آمریکا قابل دانلود است. هنوز مشخص نیست که آیا اپل قصد دارد قابلیت پاسخ دهی مبتنی بر هوش مصنوعی را به اپلیکیشن سلامت خود اضافه کند یا به دستیار صوتی «سیری». پتانسیل این کار بسیار بالا است. اوایل سال جاری میلادی، شرکت اوپن‌ای‌آی اعلام کرد که کاربران هر هفته بیش از ۳۰۰ میلیون پرسش در حوزه سلامت مطرح می‌کنند.



روستای خرو نیشابور بزرگ‌ترین تولیدکننده آلو

روستای خرو در ۲۰ کیلومتری شرق شهر نیشابور و به فاصله دو کیلومتری از مسیر جاده ارتباطی به مشهد مقدس واقع شده است. روستایی تاریخی که محله‌هایی قدیمی به نام‌های «خرو علیا» و «خرو سفلی» دارد. در بافت تاریخی روستای خرو، می‌توانید معماری صدسال پیش ایران را از نزدیک ببینید. فصل بهار، یکی از بهترین فصل‌ها برای رفتن به این روستای تاریخی است. در این روستا بیشتر مردم به خشک کردن آلو بخارا مشغول هستند.

عکس: امیرمهدی اسدی / مهر

توصیه‌های مهم تغذیه‌ای برای کنترل دیابت

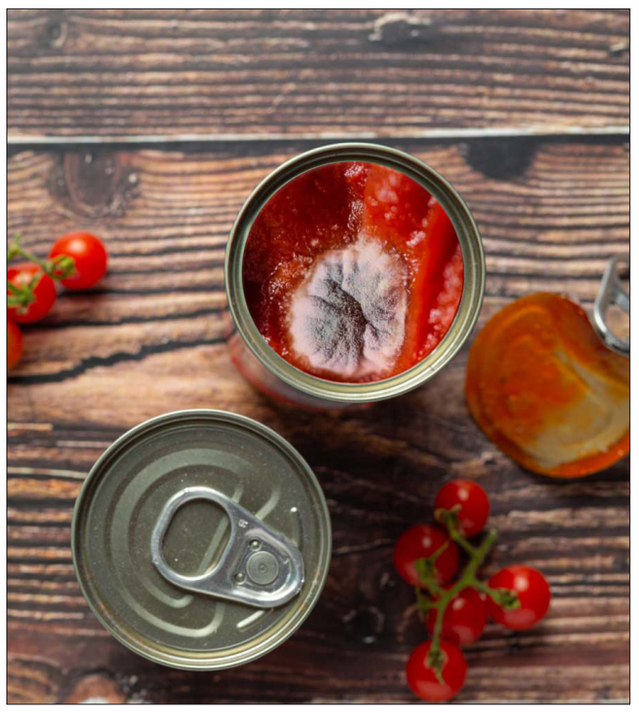
رئیس گروه بهبود تغذیه جامعه معاونت بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی استان سمنان گفت: دیابت، یکی از شایع ترین بیماری های غیر واگیر است که در صورت کنترل نامناسب، می‌تواند عوارض متعددی از جمله، بیماری های قلبی. عروقی، آسیب های کلیوی، اختلالات بینایی و مشکلات عصبی را، به دنبال داشته باشد.
دکتر مهسا نخعی به مناسبت فرارسیدن هفته ملی دیابت، بیان کرد: درکنار درمان دارویی و فعالیت بدنی منظم، تغذیه صحیح یکی از ارکان اساسی کنترل قند خون در افراد مبتلا به این بیماری به شمار می‌رود.
وی با اشاره به این نکته مهم که، تغذیه در دیابت، به معنای حذف کامل مواد غذایی یا پیروی از رژیم‌های سختگیرانه نیست، تاکید کرد: تغذیه در دیابت، با هدف ایجاد الگوی غذایی متعادل، متنوع و پایدار است که به تنظیم قند خون و کاهش خطر عوارض بیماری کمک می‌کند.
این پزشک تغذیه افزود: یکی از مهم‌ترین اصول تغذیه در دیابت، توجه به نوع و مقدار کربوهیدرات مصرفی است، مصرف نان‌های سبوس‌دار، نان کامل، حبوبات، سبزی‌ها و میوه‌های تازه، به دلیل داشتن فیبر بیشتر، در مقایسه با قندهای ساده و محصولات تهیه شده از آردهای تصفیه شده، انتخاب مناسب‌تری محسوب می‌شود، همچنین بهتر است مصرف قند، شکر، شیرینی، نوشابه‌های شیرین، آبمیوه‌های صنعتی و سایر نوشیدنی‌های حاوی قند افزوده محدود شود.
نخعی اضافه کرد: باید توجه داشت که آبمیوه طبیعی نیز، به دلیل نداشتن ساختار کامل میوه و فیبر کمتر، می‌تواند قند خون را سریع‌تر افزایش دهد، از این رو، مصرف میوه کامل در اولویت قرار دارد.
وی تاکید کرد: مصرف منظم سبزی ها، میوه ها، حبوبات و غلات کامل، علاوه بر کمک به کنترل بهتر قند خون، در کاهش کلسترول خون، بهبود عملکرد دستگاه گوارش و افزایش احساس سیری، موثر است. توصیه می شود، در وعده های اصلی غذایی، از سبزی‌ها و در کنار آن، از منابع پروتئینی سالم، مانند ماهی، مرغ، تخم مرغ و حبوبات و مقدار متناسبی از غلات استفاده شود.
رئیس گروه بهبود تغذیه جامعه معاونت بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی استان سمنان در ادامه توصیه کرد: در برنامه غذایی روزانه افراد مبتلا به دیابت، از روغن های گیاهی مایع، مغزها و دانه های روغنی، به مقدار متعادل استفاده شود و مصرف چربی‌های اشباع مانند چربی‌های حیوانی، گوشت‌های فرآوری شده مانند سوسیس و کالباس، کره، روغن‌های جامد و همچنین چربی‌های ترانس، محدود گردد، همچنین مصرف ماهی حداقل دو بار در هفته به منظور حمایت از سلامت قلب و عروق توصیه می‌شود.

سبک زندگی

چه کار کنیم رب گوجه، مربا و ترشی کپک نزند؟

کپک نزدن ترشی، رب گوجه و مربا با رعایت چند اصل ساده ممکن است: کنترل رطوبت، اکسیژن و اسیدیته. در این مطلب می‌آموزید چرا این مواد کپک می‌زنند و با چه ترفندهای خانگی می‌توانید ماندگاری آنها را چند برابر کنید.
اگر مربا، رب گوجه یا ترشی خانگی شما چند روز بعد از تهیه کپک می‌زند، مشکل همیشه کیفیت مواد اولیه نیست؛ اغلب یک اشتباه کوچک در رطوبت، تماس با هوا یا میزان اسیدیته باعث این اتفاق می‌شود. در این راهنما، راز کپک نزدن ترشی، رب گوجه و مربا را با زبان ساده و راهکارهای عملی مرور می‌کنیم.
کپک نتیجه فعالیت قارچ‌ها و میکروارگانیسم‌هاست. برای جلوگیری از کپک زدن، باید سه عامل اصلی را کنترل کنید:

- **رطوبت:** رطوبت اضافه، محیط رشد میکروب‌ها را فراهم می‌کند.
- **اکسیژن:** بسیاری از قارچ‌ها برای رشد به هوا نیاز دارند.
- **اسیدیته یا Ph:** اسید مناسب، محیط را برای رشد قارچ و باکتری نامناسب می‌کند.
- با رعایت همین سه اصل، ماندگاری مربا، رب گوجه و ترشی خانگی به شکل چشمگیری بالا می‌رود.



برای جلوگیری از کپک زدن مربا چه کار کنیم؟

- **غلظت مربا را کامل کنید:** آب اضافی مربا را بگیرید تا «فعالیت آبی» پایین بیاید و میکروب‌ها فضای کمتری برای رشد داشته باشند.
- **آبلیمو اضافه کنید:** کمی آبلیمو در اواخر پخت، هم رنگ مربا را بهتر می‌کند و هم pH را پایین می‌آورد.
- **قاشق خشک و تمیز استفاده کنید:** قاشق مرطوب یا ناپاک، آلودگی را مستقیم وارد مربا می‌کند.
- **از انتقال رطوبت جلوگیری کنید:** درظرف را خشک نگه دارید و مربا را با قاشق خیس برندارید.
- **نکته کوتاه:** مربای غلیظ‌تر + اسید مناسب + قاشق خشک = ماندگاری بیشتر.

برای ماندگاری بهتر رب گوجه چه کار کنیم؟

- **رب را کامل بپزید:** پخت کامل باعث تبخیر آب اضافی و غلیظ‌تر شدن رب می‌شود.
- **یک لایه نازک روغن روی سطح رب بریزید:** این لایه، تماس اکسیژن با رب را کم می‌کند و مانند یک سد محافظ عمل می‌کند.
- **رب را در یخچال نگه دارید:** دمای پایین، رشد میکروب ها و واکنش‌های شیمیایی را کاهش می‌دهد.
- **ظرف تمیز و در محکم انتخاب کنید:** ظرف شیشه ای تمیز، بهترین گزینه است.
- **فرمول طلایی رب گوجه:** پخت کامل + لایه روغن + نگهداری در یخچال.

بهترین راهکار برای جلوگیری از کپک زدن ترشی

- **مواد اولیه را کاملا خشک کنید:** خیار، گل‌کلم و سایر مواد باید قبل از قرارگرفتن در سرکه، خشک باشند.
- **سرکه باید روی همه مواد را بپوشاند:** هیچ بخشی از مواد نباید با هوا در تماس باشد.
- **از ظرف شیشه‌ای تمیز استفاده کنید:** ظرف را خوب بشویید و در آن را محکم ببندید.
- **ترشی را در جای خنک نگه دارید:** گرما می‌تواند فعالیت باکتری‌های مقاوم را افزایش دهد.
- **نکته کلیدی:** در ترشی، سرکه فقط چاشنی نیست؛ عامل اصلی نگهدارنده است.

جمع‌بندی

راز کپک نزدن ترشی، رب گوجه و مربا در مواد نگهدارنده شیمیایی نیست؛ درمدیریت سه عامل رطوبت، اکسیژن و اسیدیته است. اگر مواد را خشک نگه دارید، تماس با هوا را کم کنید و اسیدیته را تنظیم کنید، دست‌پخت خانگی شما مدت بیشتری سالم و خوش‌طعم می‌ماند.

آب و هوا

بارش باران و برف در ۱۲ استان
هشدار نارنجی برای چهار استان

بررسی مدل‌های هواشناسی از بارش باران و برف در ۱۲ استان خبر می‌دهد، برای چهار استان هشدار نارنجی بارش صادر شده است.
بررسی نقشه‌ها و مدل‌های هواشناسی نشان می‌دهد امروز، سه‌شنبه در مازندران، گیلان، اردبیل، آذربایجان شرقی و ارتفاعات سمنان بارش باران، برف (در مناطق سردسیر)، رعدوبرق و وزش باد شدید موقتی روی می‌دهد.
روز چهارشنبه در برخی مناطق شمال غرب، غرب و جنوب غرب افزایش ابر و بارش‌های پراکنده با احتمال صاعقه پیش‌بینی شده است.
روز پنج‌شنبه در مناطقی از نیمه شمالی و شرق و روز جمعه در دامنه‌های جنوبی البرز و برخی مناطق جنوبی کشور وزش باد و در مناطق مستعد خیزش گردوخاک پیش‌بینی می‌شود. امروز خلیج فارس و از بعدازظهر امروز تا سه‌شنبه دریای خزر مواج و متلاطم هستند.

#تجربه_کردم

اگه واقعی واقعی، به فکر «اصلاح» خودت افتادی رفیق!...
یادت باشه که حتمی پای گفت‌وگو با یه آدم بزرگ بزرگوار... و «راه رفته» بشینی...
که خوب به تن عقیده و باورهات کیسه بکشه.
آدم‌های «جذاب»، فراوونن... که فن بیان و حرکت چهره رو بلدن...
اما تاثیرشون تا بعد از دیدار، ادامه نداره...
یعنی به تحول درونی نمی‌رسی و فقط جوگیر می‌شی.
اگه کسی «اهل دل» و «عامل» به نصیحت‌هاش باشه، بهم می‌ریزه دل و جانت رو...
«بعد از دیدار»ش هم اثر حرف‌هاش در توئه، تا جایی که خودت تغییرت رو احساس می‌کنی.
اگه همچین «کمیاب»ی رو پیدا کردی، رهاش نکن!

سیدمحمد سادات‌اخوی / نشرپرنده

۱۰ غذای سالم که انرژی را افزایش می‌دهند



هنگامی که انرژی شما کم است، ممکن است به طور غریزی برای تقویت سریع یک فنجان قهوه یا یک مشت آب نبات بخواهید. اما این خوراکی‌ها راهکار مناسبی نیستند.
به گزارش ایتینگ ول، کاری کویی، متخصص تغذیه از مرکز مدیریت وزن هیوستون متدیست در تگزاس، می‌گوید: «افت متعاقب قند خون میل به غذاهای انرژی‌زا را افزایش می‌دهد. میان‌وعده‌های تقویت‌کننده انرژی آنهایی هستند که سرشار از پروتئین، فیبر و کربوهیدرات های پیچیده هستند.» او می‌گوید: «وقتی این ترکیب را می‌خورید، انرژی حاصل از غذا مانند یک کپسول آزاد شده است که به آرامی در جریان خون آزاد می‌شود و به‌طور پیوسته برای ساعت‌ها انرژی شما را حفظ می‌کند.»
در ادامه ۱۰ گزینه عالی برای لقمه‌های کوچک سالم و احیاکننده معرفی می‌شود.
۱.بادام: بادام یک ستاره در دنیای میان‌وعده‌ها است، زیرا حاوی مواد مغذی مهمی مانند منیزیم و ویتامین‌های B است که به تبدیل غذا به انرژی کمک می‌کند. راشل برمن، متخصص تغذیه، توضیح می‌دهد: «تحقیقات نشان می‌دهد افرادی که سطح منیزیم پایینی دارند، به دلیل نقش منیزیم در متابولیسم انرژی، در حین ورزش سریع‌تر خسته می‌شوند.»
۲.پاپ‌کورن: میان‌وعده‌های کربوهیدرات غلات کامل انرژی ماندگاری را ارائه می‌دهند. برمن می‌گوید: «به خاطر وجود فیبر، غلات کامل به جلوگیری از سقوط قند خون پس از مصرف کربوهیدرات های تصفیه شده یا ساده کمک می‌کند.»
۳.کره بادام زمینی: اگرچه کره بادام زمینی یک غذای پرکالری است، اما مقدار کمی از آن باعث افزایش انرژی می‌شود. چربی‌های سالم، پروتئین و فیبر موجود در آن به جلوگیری از گرسنگی و ثابت نگه داشتن سطح قند خون کمک می‌کند.
۴.ماهی قزل‌آلا: این ماهی بیهوده «غذای مغز» نامیده نمی‌شود. ماهی قزل‌آلا این نام را از اسیدهای چرب امگا ۳ به دست می‌آورد؛ چربی‌های چند غیر اشباع که عملکرد سالم مغز را ارتقا می‌دهند و انرژی بدن را تامین می‌کنند. برمن می‌گوید: «امگا ۳ همچنین باعث کاهش افسردگی و همچنین تقویت خلق و خو می‌شود.»
۵.موز: این میوه یک میان‌وعده سالم مملو از فیبر، ویتامین B۶ و پتاسیم است که همگی باعث تقویت انرژی و عملکرد عضلات می‌شوند.
۶.کلم پیچ: از کاهو صرف نظر کنید و با استفاده از کلم پیچ غنی از مواد مغذی به عنوان پایه، به سالاد خود انرژی بیشتری بدهید. کلم پیچ حاوی اسید آمینه L-تیروزین است که ممکن است به تقویت ذهنی کمک کند.
۷.بلغور جو دوسر: از هر متخصص تغذیه ایده‌های صبحانه سالم و ساده را بخواهید مطمئنا بلغور جو دوسر در لیست قرار می‌گیرد. محتوای فیبر بالای آن- چهارگرم- دلیلی است که این غذا سیرکننده‌ای است که انرژی ماندگاری را فراهم می‌کند.
۸.پسته: پسته ترکیبی از پروتئین، فیبر و چربی‌های تک غیراشباع سالم برای قلب هستند که همگی یک میان‌وعده کاملا رضایت‌بخش را تشکیل می‌دهند.
۹.هوموس: هوموس یک غذای مدیترانه‌ای است که تنها با چند ماده ساده- لوبیا پوره شده، تامین بر پایه کنجد، روغن زیتون و آب لیمو- به مواد مغذی برای انرژی کمک می‌کنند. فیبر و پروتئین موجود در لوبیا قند خون را تثبیت می‌کند، گرسنگی را از بین می‌برد و انرژی را افزایش می‌دهد.
۱۰.ماست یونانی: وقتی صحبت از ماست به میان می‌آید، انواع یونانی می‌توانند تقریبا دوبرابر مقدار پروتئین رفع گرسنگی را نسبت به ماست‌های معمولی ارائه دهند، که آن را به یک صبحانه، ناهار یا میان‌وعده فوق‌العاده تبدیل می‌کند.

هواپیمای برقی چینی ۱۰ تنی به آسمان رفت



نخستین هواپیمای برقی تجاری کلاس ۱۰ تن چین که داخل این کشور تولید شده، پرواز آزمایشی خود را در ایالت شاندونگ تکمیل کرد.
به گزارش ساوث چاینا مورنینگ پست، این هواپیما ۲۵A-CE نام دارد و پرواز آزمایشی آن نقطه عطف دیگری در توسعه هواپیماهای برقی برای سفرهای تجاری کوتاه است. «شرکت هواپیماسازی تجاری چین» (COMAC) این هواپیما را توسعه داده است. در آزمایش مذکور که دو خلبان و یک مهندس آزمایش پرواز حضور داشتند در مجموع ۵۷ دقیقه و ۴۶ ثانیه طول کشید که از این مدت، هواپیما ۱۶ دقیقه و ۳۸ ثانیه در آسمان پرواز و مسافت ۶۰ کیلومتر را طی کرد.
شرکت COMAC در بیانیه‌ای اعلام کرد که هواپیما عملکرد عادی و مطلوبی داشته و تمامی نتایج آزمایش مطابق با انتظارات بوده است. ۲۵A-CE نخستین هواپیمای تجاری تمام برقی شرکت COMAC است که برای جابه‌جایی ۱۹ مسافر در پروازهای تجاری بین‌شهری طراحی شده است. این هواپیما حداکثر وزن آن هنگام بلند شدن ۱۰ تن است و می‌تواند با سرعت کروز ۳۰۰ کیلومتر بر ساعت در ارتفاع ۲۴۰۰ متری پرواز کند. همچنین برد پروازی آن ۴۰۰ کیلومتر است. نیروی محرکه این هواپیما از طریق سامانه پیشرانش الکتریکی توزیع‌شده با فن‌های کانال‌دار تامین می‌شود که روی بال‌های آن نصب شده‌اند.